

آموزش تئوری امواج الیوت



مترجم:

مهر داد فراهانی

ویرایش:

حامد بهاری

Email:

info@fxpars.com

WebSite:

<http://www.fxpars.com>



abcBourse.ir



@abcBourse_ir



باز نشر:

درس اول

۱-۱- معرفی : مفهوم کلی

در حقیقت الیوت ویو یک پیش‌بینی است که هامیلتون بلتون این موضوع را تشریح کرده است. اصل امواج توسط نلسون الیوت کشف گردید که می‌توان بوسیله آن حرکت و برگشت امواج را تشخیص داد.

الیوت در بررسی اطلاعات بازار سهام کشف کرد که تغییرات قیمت در بازار با ساختار خاصی انجام می‌گیرد که در واکنش‌های چرخشی یک آهنگ اصلی را دنبال می‌کند. از این کشف، او سیستم‌های منطقی بررسی بازار را توسعه داد. الیوت ۱۳ نوع موج مجزا که در بازار سهام تکرار می‌شدند را ترسیم نمود. این امواج هیچ الزامی برای تکرار در زمان و یا دامنه خاصی ندارند. او مسیرها را تعریف، ترسیم و نام نهاد. او نشان داد که چگونه این ساختارها با یکدیگر ارتباط دارند و چگونه آن‌ها در یک الگوی قابل پیش‌بینی بزرگتر با یکدیگر ارتباط و همین‌طور در مورد الگوهای بزرگتر و بزرگتر این رابطه را بیان نمود.

بطور خلاصه اصل امواج یک مجموعه از مسیرها و یک تفسیر از این فرم‌ها می‌باشد که این مسیرها شبیه همه مسیرهایی است که تا به حال در حرکت بازار افتاده است. نظریه الیوت تشکیل شده از یک سری قاعده تجربی که راهنمایی برای تغییرات بازار می‌باشد. الیوت مساله پیشگویی قیمت در بازار را مطرح نمود که اکنون بنام اصل امواج الیوت نامیده می‌شود.

۱-۲- تاریخچه کوتاه

هر چند در حال حاضر اصل امواج بهترین ابزار فورکست است ولی اصل امواج نخستین، یک ابزار فورکست نیست بلکه یک توضیح در مورد جزئیات چگونگی رفتار بازار است. با این حال، این توضیحات سهم بزرگی در رسیدن به تسلسل رفتار و سپس احتمال مسیرهای بعدی را ایفا می‌کند. مفاهیم اولیه از اصل امواج زمینه ساز مفهوم آنالیز بازار بوده است. این مفهوم زمینه ساز نظم فکر و یک دورنمای کلی بازار می‌باشد. به هر صورت دقت آن در شناخت و پیش‌بینی تغییرات مسیر تقریباً غیر قابل باور است. اما بازار سرمایه محلی است که در اکثر

موارد اینچنین عمل می‌کند. درجه تراکم قیمت‌ها در بازار مقداری است که مردم برای آن قابلیت قائلند. این ارزیابی‌ای می‌باشد که در حقیقت انقلابی در علوم اجتماعی بوجود آورده است.

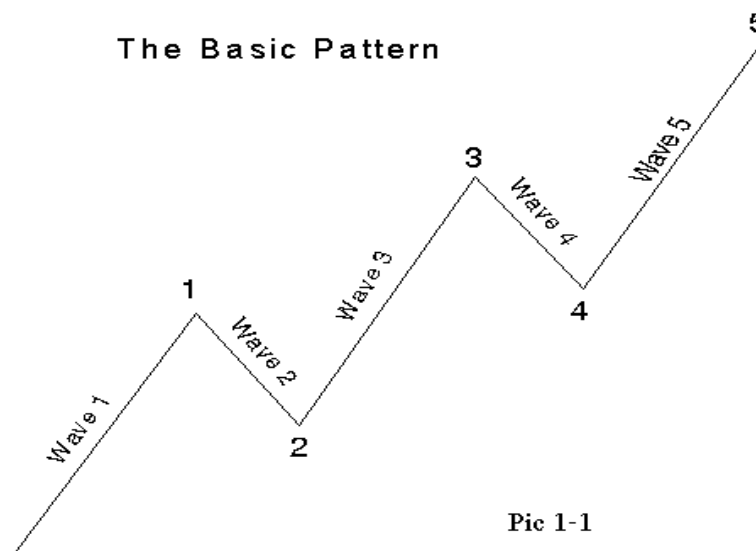
ایوت تئوری‌هایی دارد که ما می‌خواهیم در خصوص مفهوم الگوهایی که کشف کرده است، به تفصیل این موضوع را در درس‌های ۱۶ تا ۱۹ معرفی، شرح و توضیح دهیم. تا آن زمان به این بسنده می‌کنیم که الگوها را در درس ۱ تا ۱۵ توضیح دهیم. اغلب اشخاص می‌خواهند چند بیان مختلف از موقعیت ایوت بازار بشنوند مخصوصاً وقتی با عجله، مطالعات کارشناسان را عجولانه در پایان روز جمع آوری می‌کنند. به هر صورت بسیاری از بلا تکلیفی‌ها می‌تواند از داشتن چارت‌ها روی دو اندازه حسابی و نیمه لگاریتمی باشد. مواظب پیروی از قاعده‌های خطوط راهنما چون **laid down** در این مبحث باشید.

۱-۳- اصول اصلی

در قوانین امواج، هر تصمیم بازار بوسیله اطلاعات معنی‌دار تولید می‌شود و تولید اطلاعات معنی‌دار می‌نماید. هر تراکنش (خرید یا فروش) در لحظه یک تاثیر بر بازار وارد می‌کند. ارتباط اطلاعات تراکنش‌های سرمایه‌گذاران زنجیر وار باعث دیگر رفتارهای بازار می‌شوند. این حلقه بازخورد حاکم بر ماهیت کلی است و با اینکه او این ماهیت را دارد الگوها را می‌سازد، بطوری که الگوها تکرار می‌گردند و دارای مقدارهای قابل پیش‌بینی هستند. بعضی اوقات نمودهای بازار بازتاب وضعیت و اتفاقات خارجی است اما در زمان‌های دیگر کاملاً جدا از آن چه که بیشتر مردم می‌پندارند به سبب وضعیت‌های بازار می‌باشد. دلیل آن است که بازار قانون مخصوص خودش را دارد. این حرکت خطی نیست که هر شخص در زندگی روزمره تجربه کند یا بطوری که بعضی تعریف می‌کنند بازار ماشین تولید نوسانات با آهنگ چرخشی نیست. با این حال حرکت‌های آن یک بازتاب با قاعده را می‌سازد. این بازتاب‌ها در امواج آشکار می‌شوند. امواج الگوهایی از حرکت هدایت شده هستند. بطور دقیق‌تر یک موج با هرالگویی که بطور طبیعی اتفاق بیافتد در قانون امواج وجود دارد، این مبحث را در درس‌های ۱-۹ توضیح خواهیم داد.

پنج موج الگو

در بازارها حرکت نهایتاً از ۵ موج قابل شناسائی تشکیل می‌شود سه موج از این امواج ۱، ۲ و ۳ نامیده می‌شوند آن‌ها بوسیله ۲ موج جبرانی بنام‌های ۲ و ۴ از یکدیگر جدا می‌شوند در شکل ۱-۱ موج قطع کننده یا جبرانی که برای الگو هستند را می‌بینید. این الیوت الگوی ۵ موج اصلی را تعیین نکرده بود اما این موضوعی انکار ناپذیر است. بعلاوه این که الگوی ۵ موج اصلی حرکت مهم بازار است و الگوهای دیگر در داخل آن تشکیل می‌شوند در هر زمانی بازار ممکن است در یک محلی از ۵ موج اصلی در یک نگاه کلی‌تر از روند شناسائی شود.



Pic 1-1

Fig 1-1

۱-۴- مد موج

در اینجا دو مد از توسعه امواج گفته می‌شود که شامل حرکت و اصلاح می‌باشد. امواج حرکت دارای ۵ موج ساختاری می‌باشند در صورتی که امواج اصلاحی دارای ساختار سه موجی هستند. مد حرکت بوسیله ۵ موج اصلی (شکل ۱-۱) و حرکت‌های هم مسیر شکل می‌گیرد. بطور مثال موج‌های ۱، ۳ و ۵ تحت این ساختار حرکت خوانده می‌شود چون آن‌ها قدرت حرکت بازار هستند. مد اصلاح بوسیله جبران کننده‌های معکوس شکل می‌گیرد که شامل موج‌های ۲ و ۴ هستند. این ساختار جبرانی نامیده می‌شود چون آن‌ها بخشی از مسیر بازگشت یا انتقالی را که موج‌های حرکت ایجاد کرده را تصحیح می‌کنند. بدین سان دو گونه

اساسی و مختلف در ساختار و صورت آنها در تمامی این درس وجود دارد. ار.ان.الیوت در کتاب ۱۹۸۳، اصل امواج و بار دیگر در مقالات منتشر شده ۱۹۳۹ در مجله **Financial World** اشاره می کند که بازار سهام دارای یک حرکت اصلی یا الگوی ۵ موجی رو به بالا و سه موج رو به پایین می باشد که یک سیکل ۸ موجی را می سازد. الگوی ۵ موجی رو به بالا و ۳ موج رو به پایین را در شکل ۱-۲ مشاهده می کنیم.

Chapter 1: The Broad Concept

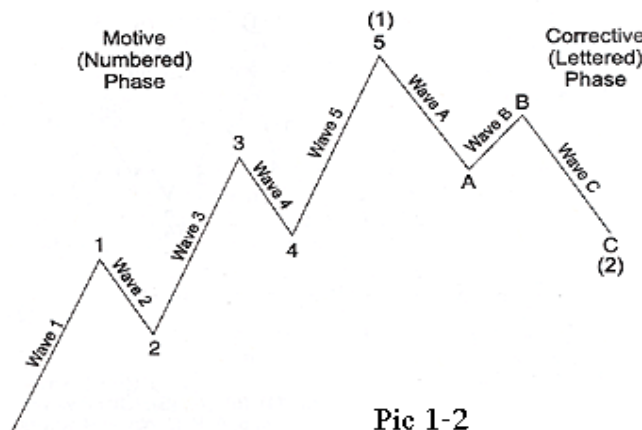
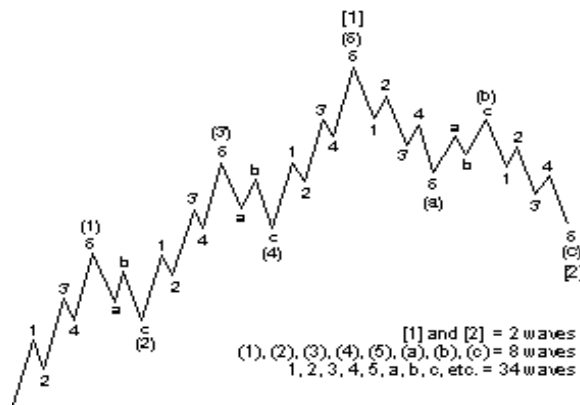


Fig 1-2

یک سیکل کامل شامل ۸ موج می باشد که شامل دو مرحله اصلی است. مرحله اول حرکت (که ۵ هم خوانده می شود) نامیده می شود که زیر موج های آن با عدد مشخص می شوند و مرحله دوم اصلاحی (که ۳ هم خوانده می شود) که دارای زیر موج هایی است که با حروف مشخص می گردند. بترتیب ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ برای موج های حرکت و a b c برای موج های اصلاحی استفاده می شوند.

در نهایت سیکل، ۸ موج شکل ۱-۲ کامل می شود و سیکل دوم شبیه به سیکل اول با ۵ موج رو به بالا (حرکت) و ۳ موج رو به پایین (اصلاحی) دوم آغاز می گردد. سومین حرکت شامل ۵ موج حرکت و ۳ موج اصلاحی می باشد که این سیکل ها سه موج حرکت از یک ساختار موجی بزرگتر را کامل می کنند. این نتیجه را در شکل ۱-۳ با برجسب (۵) می بینید.



Pic 1-3

Fig 1-3

در بالاترین نقطه موج (۵) حرکت نزولی آغاز می‌شود. در ساختار بزرگتر یکی از سه موج بزرگ رو به پایین، قرینه موج‌های بزرگ رو به بالا هستند. در شکل ۱-۳ توضیح داده شده که هر بخش از موج حرکت و هر سیکل کامل شامل بخشی از یک نسخه کوچکتر از خودش می‌باشد. این یک واقعیت است که شکل ۱-۳ یک تصویر بزرگتر از شکل ۱-۲ می‌باشد و این نیز همچنین جزئی از یک سیکل بزرگتر است. در شکل ۱-۲ هر موج به زیر موج‌هایی که خود از یک سیکل تشکیل شده‌اند تقسیم شده و هر کدام از آن موج‌ها به همین ترتیب تقسیم شده‌اند.

هر زیر موج مانند ۲ و ۴ نقاط اصلاحی a b c را دارا هستند. موج‌های (۱) و (۲) در شکل ۱-۳ اگر در زیر یک میکروسکوپ نگریسته شوند خود یک موج [۱] و [۲] هستند. همه این اشکال توضیح پدیده دائمی از یک تغییر با درجه متفاوت از بازار می‌باشند.

۱-۵- طراحی ضروری

ساختار ترکیبی بازار چنان است که هر موج از یک درجه خاص به ۸ موج از درجه کوچکتر تقسیم می‌شود و این ۸ موج در حقیقت از ۳۴ موج با سایز کوچکتر تشکیل شده است. اصل امواج بازتاب این واقعیت است که موج‌ها از هر درجه در هر سری همیشه تقسیم و باز هم به درجه‌های کوچکتر تقسیم می‌شوند و همزمان همه این امواج، امواج بزرگتر را می‌سازند. به هر حال ما می‌توانیم از ساختار شکل ۱-۳ بعنوان دو موج استفاده کنیم، هشت موج از ۳۴ موج در

اتصال با یکدیگر یک موج بزرگتر را می‌سازند. حال مشاهده می‌کنیم که در داخل الگوی اصلاحی همچون موج [۲] در شکل ۱-۳ موج‌های a و c که رو به پایین هستند شامل ۵ موج ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ همچون موج (b) که بسمت بالا شامل ۳ موج a b c می‌باشد. این یک واقعیت را آشکار می‌سازد که موج‌های حرکت همیشه رو به بالا نیستند و موج‌های اصلاحی همیشه رو به پایین حرکت نمی‌کنند. حالت یک موج یک مسیر مطلق نیست اما در کل مسیر خودش را دارد. بغیر از چهار استثنا که جای دیگر در این درس بحث خواهیم کرد. امواج به مد حرکت (۵ موج) وقتی که روند در آن مسیر با موج‌های بزرگتر بوده و مد اصلاح (۳ موج) یا تغییر مسیر) وقتی که روند در مسیر مخالف می‌باشد تقسیم بندی می‌شوند. موج‌های a و c موج‌های حرکت هستند در روند مسیر موج [۲] موج (b) اصلاح کننده می‌باشد چون موج (a) را اصلاح می‌کند و مخالف موج [۲] می‌باشد. بطور خلاصه اساس گرایش اصل امواج، حرکت در یک مسیر با یک روند بزرگ توسعه داده شده با ۵ موج و واکنش مخالف آن با سه موج در همه اندازه‌های روند می‌باشد.

نکته: برای این درس، همه امواج نرمال با اعداد و حروف داخل دایره و امواج اصلی با اعداد و حروف داخل براکت نمایش داده می‌شوند. به شکل ۱-۴ نگاه کنید. فرم مثالی اندازه مسیر حرکت و انتقال آن در یک مرحله بزرگتر را نشان می‌دهد. این مثال از اصل امواج (موج‌ها به زیر بخش‌های کوچکتر تقسیم می‌شوند) نتیجه شده است.

Pic 1-4

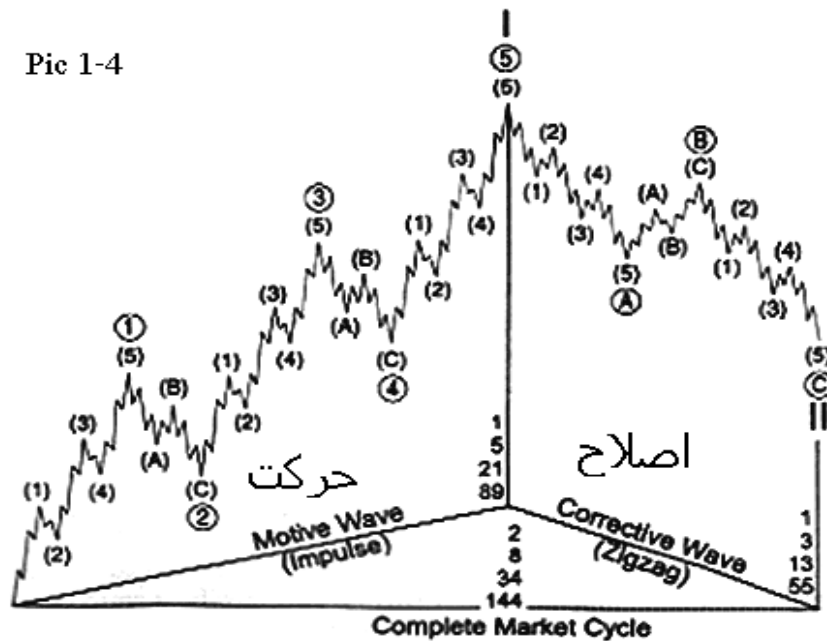


Fig 1-4

۱-۶- شمارش امواج

تعداد امواج در هر درجه:

سیکل = حرکت + اصلاح

بزرگترین موج: $1 + 1 = 2$

بزرگترین زیرموج: $3 + 5 = 8$

زیر موج بعدی: $13 + 21 = 34$

زیر موج بعدی: $55 + 89 = 144$

همچنان که می‌دانید هیچ‌کدام از تصاویر ۱-۲ و ۱-۳ و ۱-۴ حالت نهایی نیست. همانطور که در قبل آمده هر ۸ موج (۵ موج رو به بالا و ۳ موج رو به پایین یا اصلاحی) یک سیکل را کامل می‌کنند و این‌ها دو موج از یک سیکل با درجه بزرگتر را می‌سازند. تا زمانی که پیشرفت ادامه دارد، حرکت‌ها در ادامه، درجه بزرگتری از موج‌ها را می‌سازند. برگشت هر زیر موج در درجه کوچکتر ظاهراً ادامه بدون پایان ماجراست. در نهایت ما می‌توانیم همه امواج را با دو حالت که از موج‌ها تشکیل شده‌اند (حرکت و اصلاح) بدانیم. الیوت خودش هرگز نیاندیشید که چرا اساس بازارها از ۵ موج پیشرفت و ۳ موج بازگشت تشکیل شده‌اند. او بصورت ساده آن را رویداد می‌دید. آیا الزامی برای بودن ۵ موج (حرکت) و ۳ موج (بازگشت) وجود دارد؟ درباره آن فکر کنید تا درک کنید این حداقل نیاز می‌باشد. و کارآمدترین متد بدست آمده برای درک نوسان و پیشرفت در حرکت خطی بازار می‌باشد. مقدار موج‌هایی که میزان نوسان را می‌سازند ۳ موج (اصلاحی) هستند سه موج در حرکت که برعکس پیشرفت عمل می‌کنند. پیشرفت در مسیر اصلی روند با وجود دوره‌های برگشتی، با حداقل ۵ موج انجام می‌گیرد. که به سادگی، برگشت با سه موج آرام، نوسان را ادامه می‌دهد. می‌توان گفت علامت گذاری ۳-۵ بیشترین کارایی را دارد. و نمونه واقعی زیر می‌تواند این را به نمایش بگذارد.

قابلیت تغییر در ریشه‌های اصلی

اگر اصول اصلی که در بالا تشریح گردید کاملاً مورد نظر قرار گیرند، اصل امواج به سادگی مورد استفاده قرار می‌گیرد و نشان دهنده رفتار بازار می‌باشد. به هر صورت جهان واقعی خوشبختانه یا بدبختانه این قدرها ساده نیست. از اینجا تا درس ۱۵ ما می‌خواهیم چگونگی رفتار واقعی بازار را تشریح کنیم؛ آن چه که الیوت تشریح نمود و در آن موفق بود.

درجه موج

همه موج‌ها می‌توانند با اندازه واقعی دسته‌بندی شوند. الیوت ۹ درجه از امواج را یافته بود. از حرکت‌های کوچک در یک چارت یک ساعته تا بزرگترین موج که او می‌پنداشت در داده‌های شناخته شده وجود دارد. او نام‌های لیست زیر از کوچکترین تا بزرگترین را انتخاب نمود

GrandSupercycle
Supercycle
Cycle
Primary
Intermediate
Minor
Minute
Minuette
Subminuette

بترتیب: سوپر سیکل بزرگ، سوپر سیکل، سیکل و ... فهم این نکته مهم است که این نام‌ها درجه موج‌ها را قابل شناسایی می‌سازند. بعنوان مثال وقتی ما به صعود بازار سهام امریکا از سال ۱۹۳۲ مراجعه می‌کنیم. ما از یک سوپر سیکل با زیربخش‌های زیر سخن می‌گوئیم:

۱۹۳۷-۱۹۳۲ موج اول از درجه سیکل

۱۹۴۲-۱۹۳۷ دومین موج از درجه سیکل

۱۹۶۶-۱۹۴۲ سومین موج از درجه سیکل

۱۹۷۴-۱۹۶۶ چهارمین موج از درجه سیکل

۱۹۷۴-۱۹ پنجمین موج از درجه سیکل

موج‌های سیکل به موج‌هایی از درجه Primary که خود از موج‌های Intermediate تشکیل شده‌اند تقسیم شده و موج‌های Intermediate به موج‌های کوچکتر تقسیم می‌شوند و...

همانطور که از طول و عرض جغرافیایی برای شناسایی مکان‌های جغرافیایی استفاده می‌گردد بوسیله استفاده از این فهرست، آنالیزورها می‌توانند موقعیت یک موج را در کل حرکت بازار تشخیص دهند. بعنوان مثال " میانگین صنعت داو جونز در موج Minute V از موج

Minor 1 از موج (3) Intermediate و... شناساننده موقعیت حرکت در امتداد

تاریخچه بازار می باشد.

۷-۱- درجه ها

وقتی موج ها عددگذاری می گردند جدول پیشرفت بازار نمایش داده شده در زیر پیشنهاد می گردد.

Wave Degree	5s With the Trend					3s Against the Trend		
Grand Supercycle	Ⓘ	Ⓜ	Ⓜ	Ⓜ	Ⓜ	Ⓐ	Ⓑ	Ⓒ
Supercycle	(I)	(II)	(III)	(IV)	(V)	(a)	(b)	(c)
Cycle	I	II	III	IV	V	a	b	c
Primary	Ⓘ	Ⓜ	Ⓜ	Ⓜ	Ⓜ	Ⓐ	Ⓑ	Ⓒ
Intermediate	(1)	(2)	(3)	(4)	(5)	(A)	(B)	(C)
Minor	1	2	3	4	5	A	B	C
Minute	Ⓘ	Ⓜ	Ⓜ	Ⓜ	Ⓜ	Ⓐ	Ⓑ	Ⓒ
Minuette	(i)	(ii)	(iii)	(iv)	(v)	(a)	(b)	(c)
Subminuette	i	ii	iii	iv	v	a	b	c

Fig 1-5

شاید از این خوشایندتر برای محققان، علامت گذاری با اعداد اندیس دار بود اما آن وقت خواندن علامت ها روی چارت چیز وحشتناکی می بود. جدول بالا جهت آشنائی چشم شما می باشد. چارت ها را ممکن است با رنگ های مختلف برای درجه های مختلف ترسیم کنند. در واژگان پیشنهادی الیوت، از واژه سیکل استفاده گردیده است و این به معنای خاص کلمه نمی باشد و فقط یک نام است. در حقیقت چون "Primary swing"، "Primary" و "Primary bull" که در گذشته بدون دلیل خاص بوسیله تئوریسین های بازار Dow استفاده می گردیده، استفاده گردیده است.

این واژگان هیچ اشکالی را در شناسائی درجه ها ایجاد نمی کنند و نویسندگان هیچ اسراری بر تصحیح آن ها ندارند. اگرچه بدون عادت به آن ها نیز ما در استفاده از آن ها راحت هستیم. شناسائی دقیق درجه موج در زمان جاری بخش دشوار اصل امواج می باشد. بخصوص در شروع یک موج جدید، تصمیم گرفتن برای اینکه درجه اولین زیر موج چیست، سخت می باشد. دلیل اصلی سختی این کار در عدم وابستگی درجه موج به قیمت و یا طول زمان

است. درجه موج‌ها وابسته به فرمشان است که تابعی از قیمت و زمان می‌باشد. درجه یک موج وابسته به اندازه و موقعیت حرکت نسبت به بازگشت، مجاورت و احاطه موج‌ها است. این فرضیه نسبی یکی از صورت‌های اصل امواج است که بازار واقعی را تفسیر می‌کند. خوشبختانه تعیین دقیق درجه یک موج معمولاً با موفقیت پیش‌بینی ارتباط زیادی ندارد. ولی در کل ارتباط درجات امواج اهمیت بیشتری را دارا هستند. یک چالش دیگر از اصل امواج تغییرپذیری فرم‌هاست که در درس نهم این دوره تشریح خواهد شد.

۱-۸- عمل موج

هر موج یکی از دو نقش عمل یا برگشت را بازی می‌کند بخصوص یک موج ممکن است خاصیت متفاوتی در یک درجه بزرگتر یا برعکس داشته باشد. عملکرد یک موج وابسته به مسیر اوست. هر موجی که در مسیر روند بوده و بخشی از یک موج درجه بزرگتر را می‌سازد موج حرکت می‌گویند. و هر موجی که در مسیر مخالف روند بوده و بخشی از موج درجه بالاتر را می‌سازد موج واکنشی یا اصلاحی می‌گویند. موج‌های حرکت با شماره‌ها و حروف فرد شماره‌گذاری می‌شوند و موج‌های برگشتی یا اصلاحی با اعداد یا حروف زوج شماره‌گذاری می‌شوند. همه موج‌های اصلاحی در خلاف جهت روند هستند. یک درک کلی از جزئیات الگوها در ۵ درس آینده خواهد گفت که چرا این معرفی در این بخش انجام گردید.

درس دوم

۲-۱- موج‌های حرکت

موج‌های حرکت به ۵ موج تقسیم می‌شوند که با مشخصات قطعی، همیشه حرکت در مسیر روندی از درجه بزرگتر را انجام می‌دهند. موج‌ها نسبتاً آسان تشخیص داده می‌شوند. در موج‌های حرکت، موج دوم هرگز بیش از ۱۰۰٪ موج اول و موج چهارم هرگز بیش از ۱۰۰٪ موج سوم برگشت نمی‌نمایند. ضمناً موج سوم همیشه حرکتی بیش از موج اول خواهد داشت. هدف موج‌های حرکت ساخت یک پیشرفت است، و این موارد آرایش آن‌ها را بیمه می‌کند. در عین حال الیوت کشف کرد که در دوره‌های قیمت، موج سوم بیشتر اوقات طول بزرگتری دارد و هرگز کوتاهترین موج از موج‌های حرکت (۱،۳،۵) نمی‌باشد. بنابراین موج سوم بخش بیشتری از حرکت (نسبت به موج‌های ۱ و ۵) را به خود اختصاص می‌دهد. این قانون خوشایندی می‌باشد (مترجم: پس در تعقیب حرکت امواج در زمان شکل‌گیری موج سوم می‌دانیم که حداقل به اندازه موج اول حرکت خواهد نمود). تقریباً داشتن یک پایه و اساس ریاضی لازم است. دو گونه موج حرکت وجود دارد که شامل واکنش‌ها و مثلث‌های قطری می‌باشد. (مترجم: شکل زیر برای یادآوری قضیه مثلث‌های قطری به متن اضافه شده است).

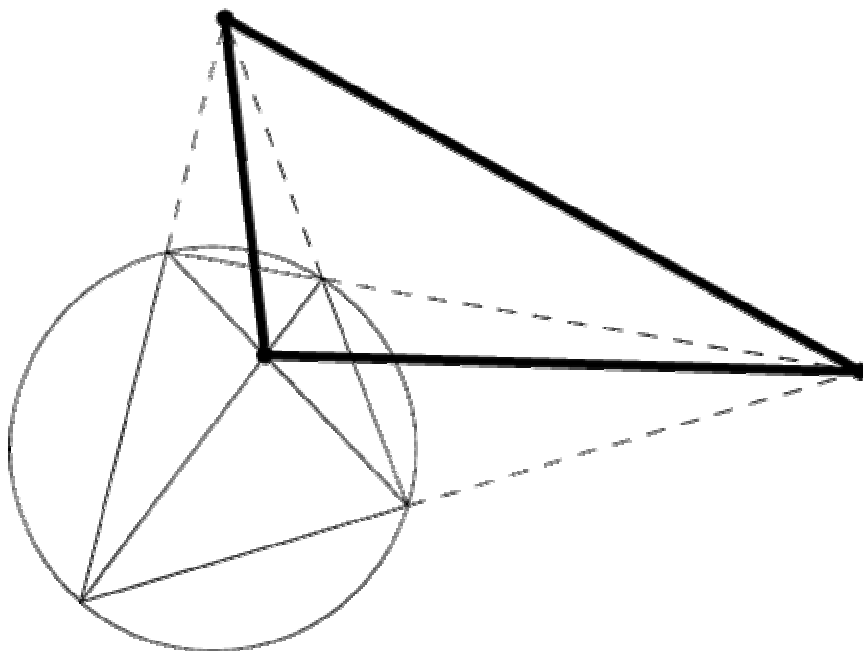


Fig 2-1

حرکت

بیشتر موج‌های حرکت از نوع واکنشی می‌باشند. در یک واکنش موج چهارم وارد محدوده موج اول نمی‌گردد. این قانون برای تمام بازارهای بدون Leverage صادق است. درخصوص پیشگویی بازارها با Leverage زیاد، می‌توان گفت که در دوره‌های کوتاه‌مدت قیمت بسیار تحریک می‌شود که این حالت در بازارهای ارزی (بدون Leverage) رخ نمی‌دهد و همچنین overlap (مترجم: روی هم افتادن موج‌ها) معمولاً بصورت روزانه اتفاق می‌افتد و در طول روز نوسانات قیمت بندرت اورلپ می‌کنند. (مترجم: بازار Forex یک بازار دارای Leverage می‌باشد.) در ضمن سهم موج‌های ۱، ۳، ۵، ۱، ۳، ۵ از یک تحرک میزان حرکت رو به جلوی آن‌ها است و موج سوم مشخصاً حرکت بیشتری نشان خواهد داد. تصاویر ۱-۴ در درس سوم حرکت‌ها را در موج‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱، ۳، ۵ شرح می‌دهد. برای توضیح بیشتر سه پاراگراف اول می‌توان گفت: این چند قانون ساده، از تفسیر حرکت امواج است. یک رفتار حاکم بر امواج را قانون می‌گوییم. به نوعی چاره‌ای نیست که مشخصات امواج را خطوط راهنما بنامیم. خطوط راهنما اطلاعات حرکات امواج هستند که شامل کوتاه‌سازی، تناوب، یکسانی، کانالیزه کردن خصوصیات و سهم آن‌ها در ارتباطات بین امواج می‌باشند. این موضوع در درس ۲۴ از این دوره بحث خواهد گردید. یک قانون نباید هرگز نقض گردد. ایجاد کنندگان قوانین در سال‌های زیاد از کار با الگوهای بیشمار، آن‌ها را پیدا کرده‌اند. بعنوان مثال در درجه Subminuette وقتی تمام قوانین و خطوط راهنما نشان‌دهنده شکست قانون بودند تحلیلگران مسیر شکست قانون را جزء به جزء دنبال نموده و قانون جدیدی از اصل امواج را یافتند. این قوانین ابزار بسیار قوی و صحیحی است که ما در این بحث وسیع تشریح خواهیم کرد.

۲-۲- گسترش

بیشتر حرکت‌ها دارای چیزی است که الیوت آن را گسترش می‌خواند. گسترش‌ها کشیده شدن با یک موج فرعی هستند. بیشتر موج‌های حرکت (سیکل‌های حرکت) شامل تنها یک گسترش در درجه رو به جلوی خود هستند. (مترجم: یکی از سه موج ۱، ۳، ۵ با یک گسترش ساخته می‌شوند) هر وقت، یک موج با بخشی فرعی (سیکل از درجه پایینتر) گسترش داده شود آن

گسترش از نظر دامنه و مدت زمان در محدوده چهار موج دیگر حرکت خواهد کرد. ترجیحا این ۹ موج را بصورت ۵ تایی عددگذاری می‌نمائیم. در یک ۹ موج متوالی خیلی سخت می‌توان گفت که کدام موج گسترش یافته است. هر چند این موضوع بی ارتباط به سیستم الیوت بوده و عددگذاری ۹ تایی یا ۵ تایی یک مفهوم تکنیکال را دارند. در شکل ۲-۲ تصویر گسترش توضیح داده شده است.

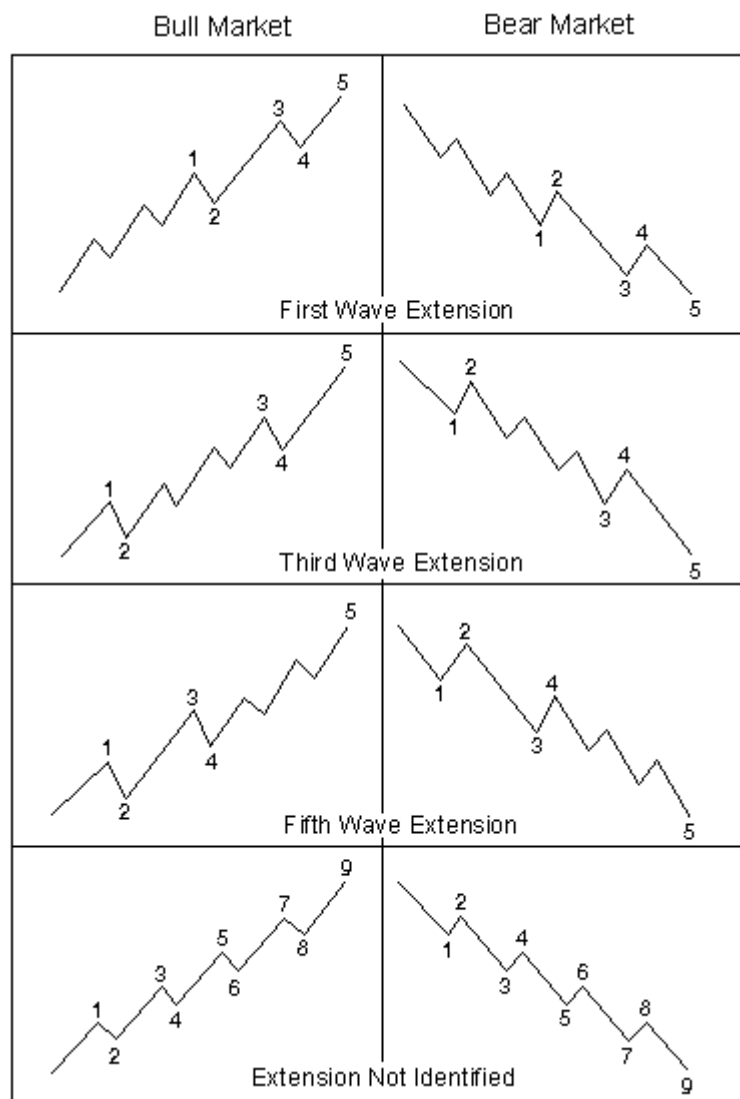


Fig 2-2

حقیقت این است که از خصوصیات گسترش‌هاست که فقط یک موج گسترش یابد و راهنمایی دیگر طول حرکت رو به جلوی موج‌هاست. بعنوان مثال اگر اولین و سومین موج دارای طول

یکسان هستند، پنجمین موج دارای طولی مشابه خواهد بود. (در موج‌هایی از درجه اصلی، گسترش یک الگوی ۵ تایی با یک Volume زیاد تائید می‌شود. بحث Volume در درس ۱۳ خواهد آمد.) به نوعی دیگر اگر موجی سه طول داشته باشد، پنجمین موج باید دارای ساختار ساده و یک موج را تولید کند.

در بازار سهام، بیشتر گسترش‌ها در موج سوم اتفاق می‌افتند. این حقیقت دارای اهمیت خاصی می‌باشد بخصوص وقتی که دو قانون زیر از حرکت امواج نیز مطرح می‌شود: موج سوم هرگز کوتاهترین موج نمی‌باشد و آن که موج چهارم هرگز وارد محدوده موج اول نمی‌گردد. برای وضوح اجازه دهید ما دو شماره‌گذاری نادرست را در وسط یک موج در شکل‌های ۲-۳ و ۲-۴ نشان دهیم.

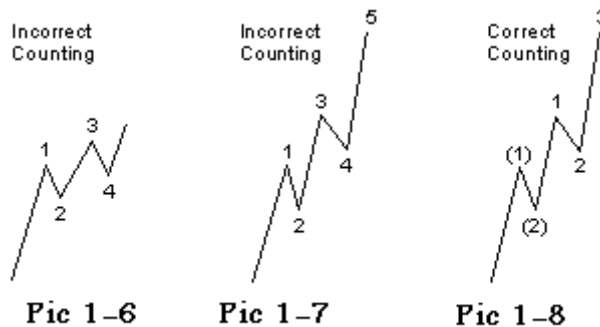
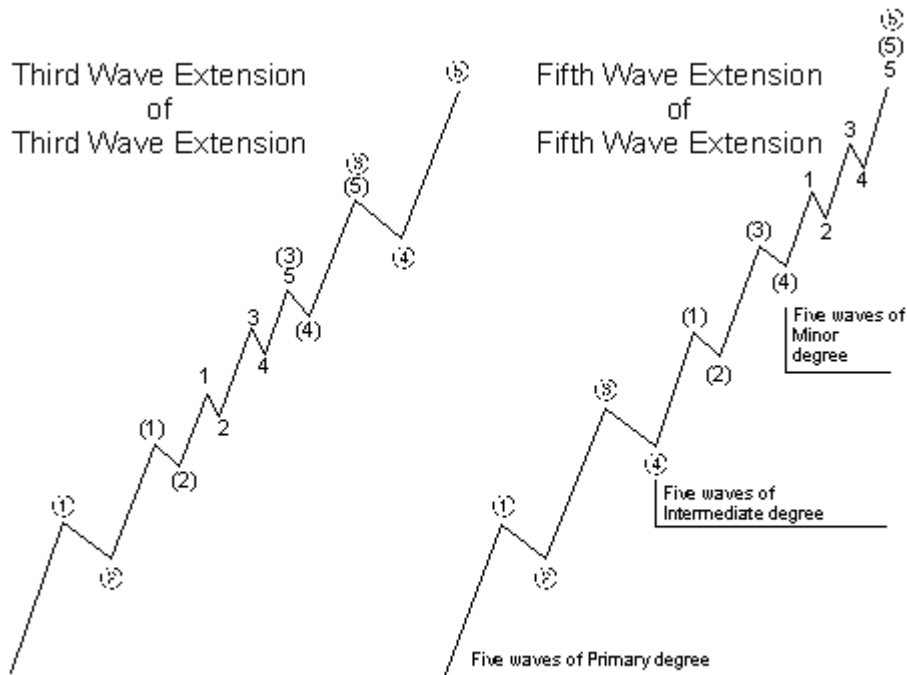


Fig 2-3, 4, 5

در تصویر ۱-۶ موج چهارم وارد محدوده موج اول شده است. در تصویر ۱-۷ موج سوم کوتاهتر از موج اول و پنجم می‌باشد. مطابق قوانین هیچ کدام از این شماره‌گذاری‌ها مورد قبول نیست. یکبار دیگر موج سوم غیرقابل پذیرش است و باید بصورت صحیح شماره‌گذاری شود. تقریباً همیشه طبق شکل ۱-۸ شماره‌گذاری و گسترش موج سوم را انجام می‌دهند. در عادت خود برای شماره‌گذاری گسترش سه موج مردد نشوید. تمرین این مسئله را روشن می‌سازد و همچنین ما در درس ۱۴ این بحث از اصل امواج را تشریح خواهیم کرد. شکل ۱-۸ ممکن است راهنمای مفیدی برای شماره‌گذاری موج‌های حرکت در زمان واقعی (زمان شکل گیری الگو) در این دوره باشد. گسترش ممکن است در گسترش‌های دیگر اتفاق بیافتد، مثلاً در بازار سهام، سومین موج از یک گسترش موج‌ها، نوعی خود یک گسترش باشد در نتیجه

یک نمودار همانند آن چه در شکل های ۱-۹ و ۱۰-۱ تصویر گردیده یک ۵ موج گسترش یافته از ۵ موج گسترش را نمایش می دهد. گسترش های ۵ موجی در حرکت صعودی بازار بسیار کمیاب هستند در درس ۲۸ این موضوع را تشریح می کنیم.



Pic 1-9

Pic 1-10

Fig 2-6, 7

۲-۳- کوتاه سازی

ایوت برای تشریح حالتی که موج ۵ از میزان موج سوم بیشتر پیشروی ننماید از لغت واماندگی استفاده نمود. ما ترجیح می دهیم در طول این دوره از کوتاه سازی یا ۵ تایی ناقص استفاده نمائیم. یک کوتاه سازی معمولاً می تواند با فرض ۵ موج بدون الزام به ادامه مسیر توسط موج پنجم تشکیل شود. مانند تصاویر ۲-۸ و ۲-۹ کوتاه سازی اغلب با یک موج سوم بسیار قوی اتفاق می افتد.

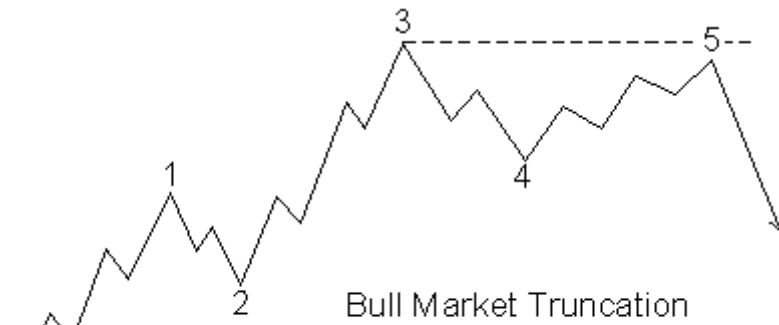
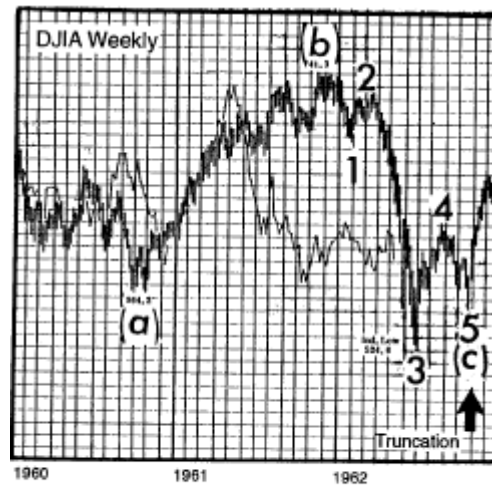


Fig 2-8



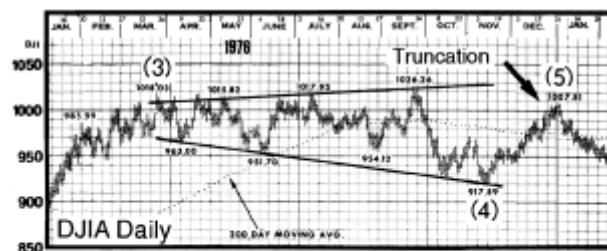
Fig 2-9

دو مثال در بازار سهام امریکا از درجه بزرگ، پس از سال ۱۹۳۲ بوجود آمده است. اولین بار در اکتبر ۱۹۶۲ در زمان بحران کوبا (شکل ۲-۱۰) که در آن موج سوم شکسته شده است. دومین بار در پایان سال ۱۹۷۶ (شکل ۲-۱۱) که در آن صعود یک موج (۳) بزرگ، از اکتبر ۱۹۷۵ تا مارچ ۱۹۷۶ را بخود اختصاص داده است.



Pic 1-13

Fig 2-10



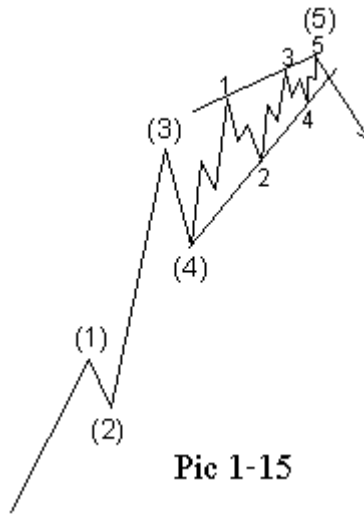
Pic 1-14

Fig 2-11

پایان قطری

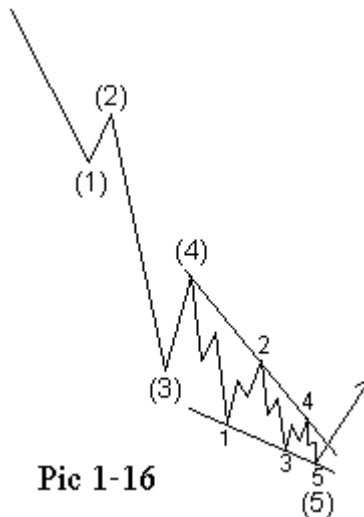
همانطور که الیوت تعبیر کرده است، هر پایان قطری یک نوع ویژه از موج اصلی است که در موقعیت ۵ موج، وقتی که حرکت قبلی بسیار سریع و بسیار طولانی بوده باشد اتفاق می‌افتد. درصد بسیار کوچکی از پایان‌های قطری در موج C از سری موج‌های a, b, c در دومین یا سومین سه‌تایی ظاهر می‌شوند (این بخش در درس ۹ بیشتر تشریح خواهد شد). پایان‌های قطری فقط در موج پایانی C دیده می‌شوند با این همه آن‌ها در نقاط پایانی از الگوهای بزرگ پدیدار شده و نشان دهنده خستگی یک روند بزرگ می‌باشند.

پایان‌های قطری یک شکل گوه مانند با دو خط همگرا می‌سازند. هر زیر موج آن‌ها شامل موج‌های ۱،۳،۵ بوده و هر کدام از زیر موج‌های آن نیز به سه زیر موج فرعی تقسیم و یک موج یکدست را پدید می‌آورند. شکل‌های ۲-۱۲ و ۲-۱۳ پایان‌های قطری‌ای را که به نوعی در یک موج حرکتی بزرگ هستند را به نمایش گذارده‌اند.



Pic 1-15

Fig 2-12



Pic 1-16

Fig 2-13

ما یک مورد الگوی مرزی یافتیم که واگرا بود. وجود یک گسترش واگرا یک استثناء می‌باشد. به هر حال وجود چنین مواردی از نظر تجزیه و تحلیل خوشایند نیست. سومین موج، حرکت کوتاهتری نموده و الگو بزرگتر از نرمال بود و تقسیرهای دیگری امکان پذیر بود به همین دلایل ما آن را یک دگرگونی بحساب نیاوردیم.

درس سوم

۱-۳- قطری‌ها

در این اواخر پایان‌های قطری در درجه **Minor** در سال ۱۹۷۸ و در درجه **Minute** در فبریه تا مارس ۱۹۷۶ و در درجه **Subminuette** در ژوئن ۱۹۷۶ اتفاق افتاده است. شکل‌های ۱-۳ و ۲-۳ دو مورد را نشان می‌دهد که یکی بالا رونده و دیگری پایین رونده و حقیقی می‌باشند. شکل ۳-۳ وقوع واقعی یک مثلث قطری را نشان می‌دهد. نکته مهم در تمام این موارد تغییر در پی‌گیری مسیر است.

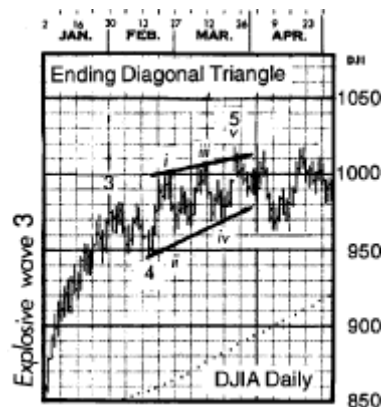


Fig 3-1



Fig 3-2

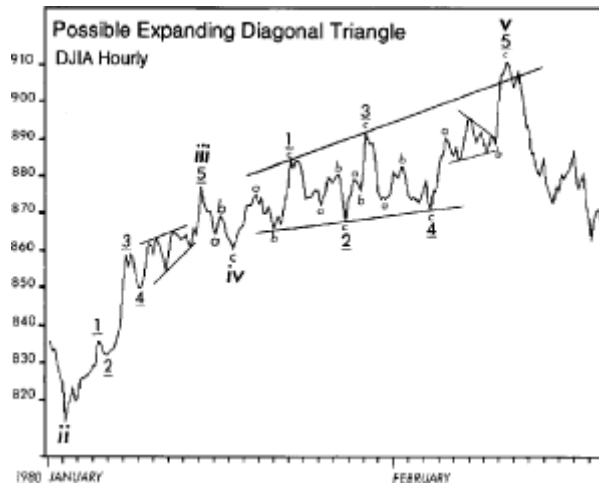


Fig 3-3

موج‌های پنجم از مثلث‌های قطری اغلب پایان یک جهش هستند. برای مثال خط روند را در پایان موج‌های اول و سوم قطع می‌کنند. شکل ۱-۳ و ۳-۳ یک مثال واقعی از این موضوع می‌باشند. با وجودی که در مثلث قطری volume در حال کاهش می‌باشد، پایان الگو زمانی که جهش رو به بالا اتفاق می‌افتد با یک افزایش نسبی در volume، همراه است و بندرت زیر موج پنجم خط رزیستنس را قطع نمی‌نماید.

یک صعود قطری یک نزول سریع است که همیشه پس از یک سقوط سریع با بازگشت به نقطه اول پی‌گیری می‌شود. یک سقوط قطری یک اوج‌گیری سریع است که معمولاً پس از یک حرکت رو به بالا نزول می‌کند.

برای توضیح بیشتر موج پنجم باید گفت که موج‌های پنجم، قطع‌کننده و پایان‌دهنده مثلث قطری بوده و جمعا نشانه برگشت هیجانی به امتداد مسیر و اشاره به تغییر در درجه‌های مختلف و در هم آمیختن شدت موج‌های بعدی در مسیر مخالف است.

۲-۳- هدایت قطری‌ها

وقتی مثلث‌های قطری در موقعیت موج ۵ یا ۳ اتفاق می‌افتد، آن‌ها الگویی را که ایبوت تشریح کرده به شکل ۳-۳-۳-۳-۳ می‌سازند. اگرچه روشن شده است که تغییر در این الگو، در

بعضی از موارد در موقعیت موج اول حرکت در موقعیت موج A از زیگزاگها ظاهر می شوند، مشخصه این حالت تداخل موج اول و چهارم و همگرایی خطهای مرزی در داخل یک شکل گوه مانند و در یک مثلث قطری می باشد.

اگرچه بخشهای فرعی یا زیر موجها متفاوت بوده و یک الگوی ۵-۳-۵-۳-۵ را ترسیم می نمایند. ساختار این الگو (شکل ۳-۴) در قوانین اصل امواج اتفاق می افتد که حرکت بزرگ به ۵ موج تقسیم و حرکت در جهت مخالف با سه موج پایان قطری را می سازد. تحلیلگران باید مراقب این موضوع باشند که این الگو برای بیشتر توسعههای معمولی شامل یکسری موجهای اولیه و ثانویه، بدون خطا می باشد. کلید اصلی شناخت این الگو کندی مشخص تغییر قیمت موج پنجم نسبت به موج سوم می باشد. در مقایسه با پیشرفت موجهای اول و دوم، سرعت در دو دوره کوتاه افزایش یافته و عرض اغلب پهن می گردد (بعنوان مثال تعدادی از سهام شرکتها و یا زیر شاخههای آنها)

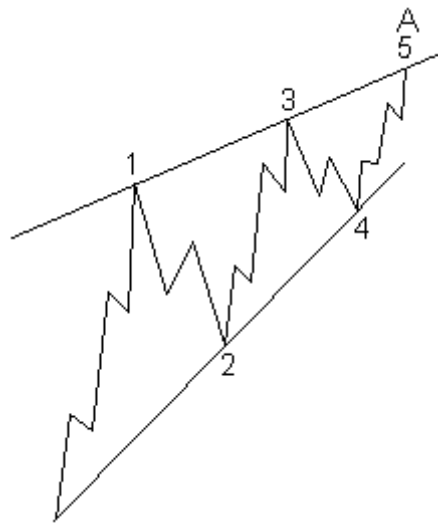


Fig 3-4

۳-۳- موجهای اصلاح کننده

یک حرکت بر خلاف روند از درجه بزرگتر از خود، یک ستیز است. ستیز در یک روند بزرگ از تشکیل یک ساختار حرکت تمام رو به جلو، جلوگیری می نماید. این ستیز بین دو روند متضاد، موجهای اصلاح کننده از درجه کوچکتر را، آشکار و قابل شناسایی می سازد، که همیشه به آسانی می توانیم با مقایسه، از روند اصلی شناسایی کنیم. نتیجه دیگر این ستیز بین

روندها، در واقع موج‌های اصلاحی با مسیر متفاوت به عنوان بخشی از موج‌های حرکت می‌باشند. به علاوه، بعضی اوقات آن‌ها افزایش یا کاهش در پیچیدگی یا به عبارتی، زیر موج‌های تکنیکی از درجه‌ای که می‌تواند پیچیدگی آن‌ها یا طول زمانشان، آن‌ها را در درجه دیگری قرار دهد، را آشکار سازند. به همه این دلایل، شناسایی آن‌ها در موج‌های اصلاح کننده الگو می‌تواند، تا وقتی که آن‌ها کامل نشده‌اند و پشت سر هم قرار نگرفته باشند، سخت باشد. در پایان می‌توان گفت که موج‌های اصلاح کمتر از موج‌های حرکت قابل شناسایی می‌باشند. زمانی که یک حالت اصلاحی پیچیده نسبت به زمانی که قیمت‌ها در یک روند مداوم رو به جلو هستند، داشته باشیم تحلیلگران الیوت باید تمرین و هوشیاری بیشتری در آنالیز بازار داشته باشند.

یک قانون بسیار مهم که از مطالعه اصلاح کننده‌ها در الگوهای گوناگون نتیجه گرفته شده، نشان می‌دهد که هرگز اصلاح کننده‌ها ۵ تایی نیستند و فقط موج‌های حرکت رو به جلو ۵ تایی می‌باشند. به همین دلیل، یک ۵ موج اولیه در حرکت مخالف روند اصلی، پایان یک اصلاح نیست و فقط بخشی از آن است. تصاویری که در طول درس ۹ این دوره ارائه می‌شود این مبحث را تشریح خواهد نمود.

مرحله اصلاح در دو ساختار پدیدار می‌شود. اصلاح‌های سریع، که زاویه‌ای مخالف روند اصلی می‌سازند و اصلاح‌های Sideway، که همیشه یک پی‌گیری اصلی از موج قبلی یا به نوعی بازداشتن حرکت یک موج و برگشت به نقطه اول بوده و بدین معنی که از مجموعه آن‌ها حرکت‌های Sideway پدیدار می‌گردند. این مبحث از معیارها در درس ۱۰ به تفصیل ارائه خواهد گردید.

الگوهای ویژه بازگشتی در چهار دسته اصلی گروه‌بندی می‌گردند:

الف) زیگزاگ‌ها (۵-۳-۵): در سه گونه: یک مرحله، دو مرحله، سه مرحله

ب) مسطح‌ها (۳-۳-۵): در سه گونه: عادی، بسط‌یافته و مداوم

ج) مثلث‌ها (۳-۳-۳-۳-۳): در چهار گونه: سه گونه آن (صعود کننده، نزول کننده و متقارن) و یک نوع آن توسعه یافته

۳-۴- زیگزاگ‌ها

یک زیگزاگ تنها، در یک بازار صعودی یک الگوی کاهشی سه موجی ساده می‌باشد که با A، B، C علامت‌گذاری می‌گردد. ترتیب بندی زیرموج‌ها ۵-۳-۵ است و بطور محسوسی انتهای موج B پایتتر از موج A قرار می‌گیرد. تصویر ۳-۵ این موضوع را نشان می‌دهد.

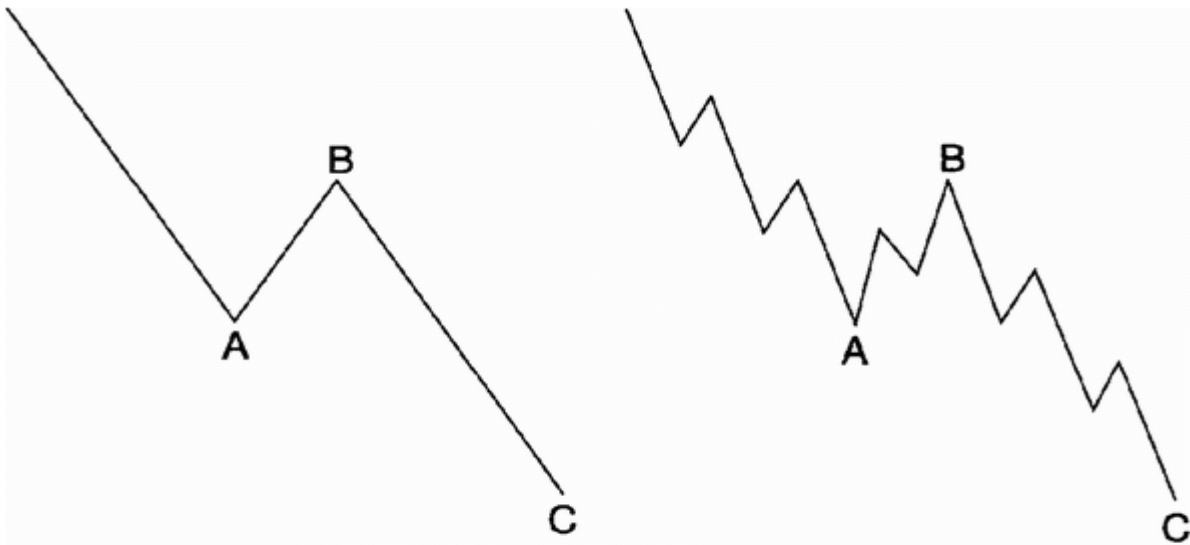


Figure 1-22

Figure 1-23

Fig 3-5

در یک بازار کاهشی، یک اصلاح برگشتی در جهت مخالف، چنان که در شکل ۳-۶ نشان داده شده، تشکیل می‌شود. اغلب برای شناسایی، یک زیگزاگ در یک بازار افزایشی به صورت یک زیگزاگ معکوس شده یا قرینه زیگزاگ قبلی است.

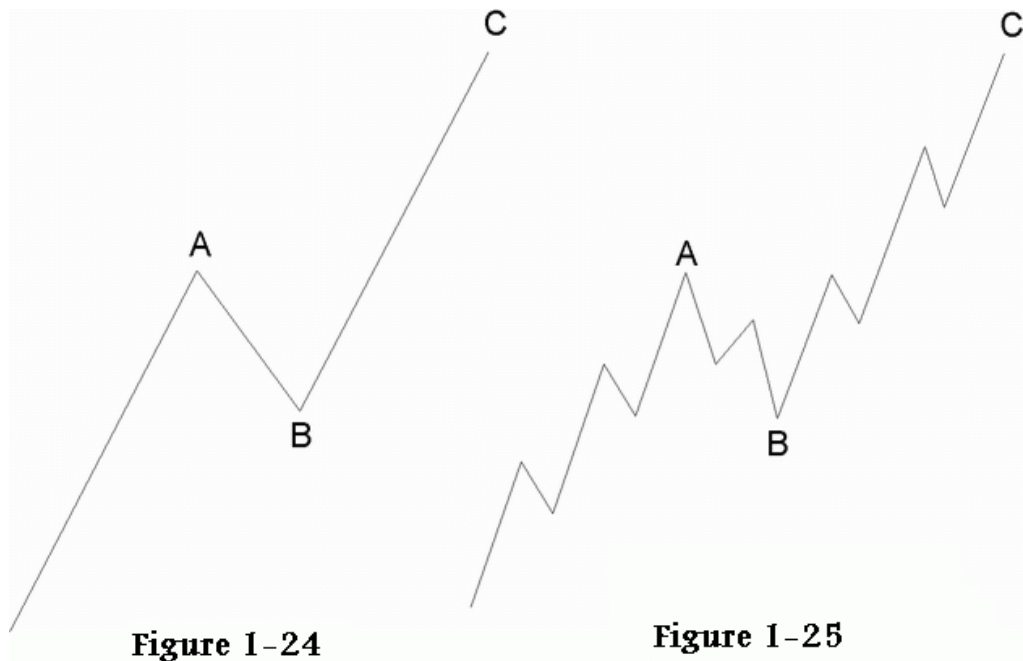


Figure 1-24

Figure 1-25

Fig 3-6

بعضی اوقات زیگزاگ‌ها دو بار یا سه بار متوالی اتفاق می‌افتند، مخصوصاً وقتی که اولین موج، بازگشت نرمال یا کوچکتری داشته است. با این حقیقت، هر زیگزاگ به وسیله تولید یک فاصله سه‌تایی جدا می‌شود که زیگزاگ دوگانه یا سه‌گانه خوانده می‌شود. شکل ۳-۷ را ببینید. این شکل‌ها شبیه توسعه یک موج عکس‌العمل (بازگشت) می‌باشد که معمولاً کم‌پیش می‌آید.

در حقیقت در **Stock 500** یکی از سهام‌های بورس آمریکا رخداد آن در ژانویه ۱۹۷۷ تا مارس ۱۹۷۸ که می‌توان گفت یک زیگزاگ دوگانه می‌باشد را می‌بینیم. (شکل ۳-۸ را ببینید). می‌توان اصلاح در سهام **Dow** را از ژولای تا اکتبر ۱۹۷۵ که با برگشت‌های زیگزاگ‌های متوالی دوگانه را به نمایش گذاشته است را دید، که موج‌های چهارم به ندرت اتفاق می‌افتد. (شکل ۳-۹) را ببینید.

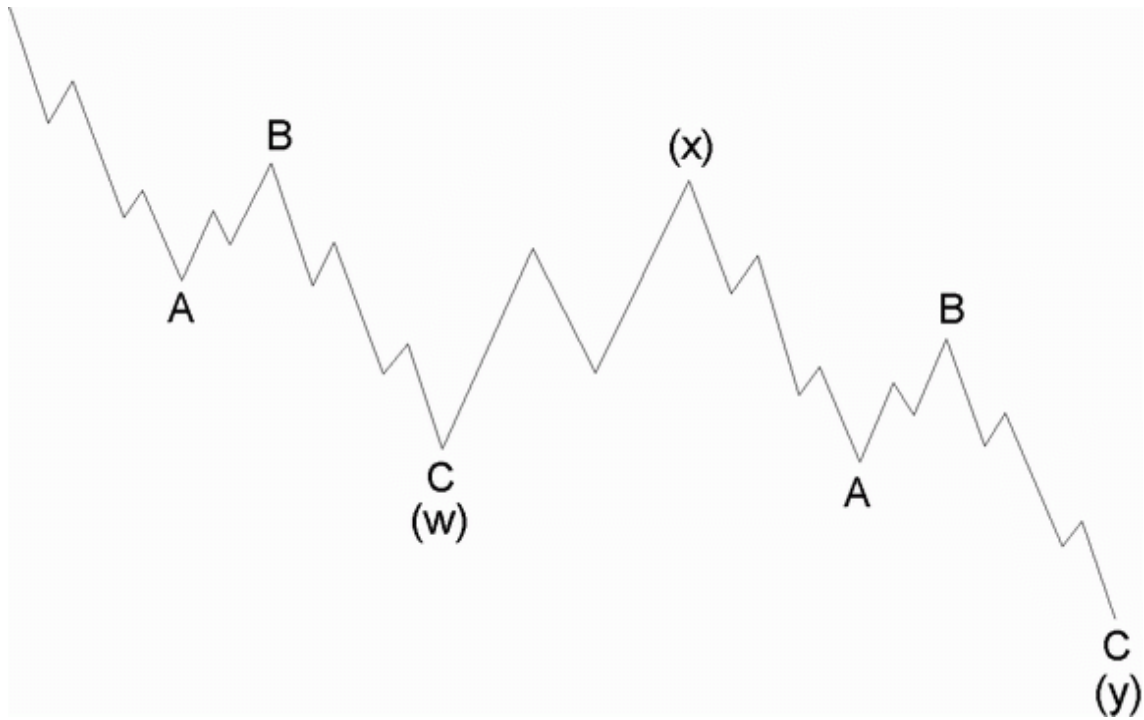


Fig 3-7

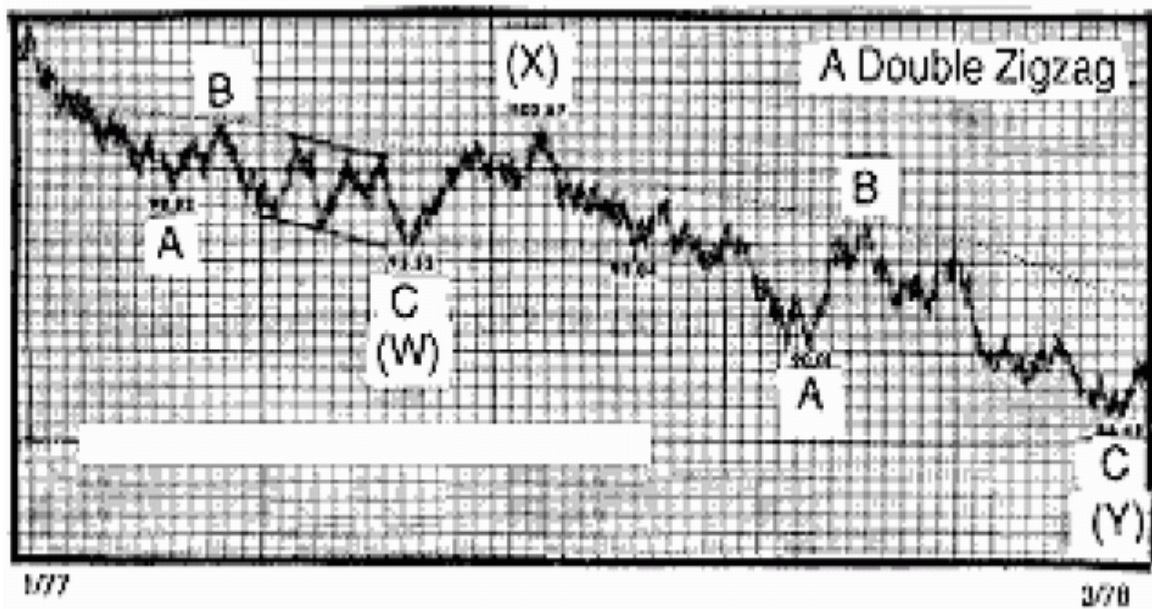


Fig 3-8

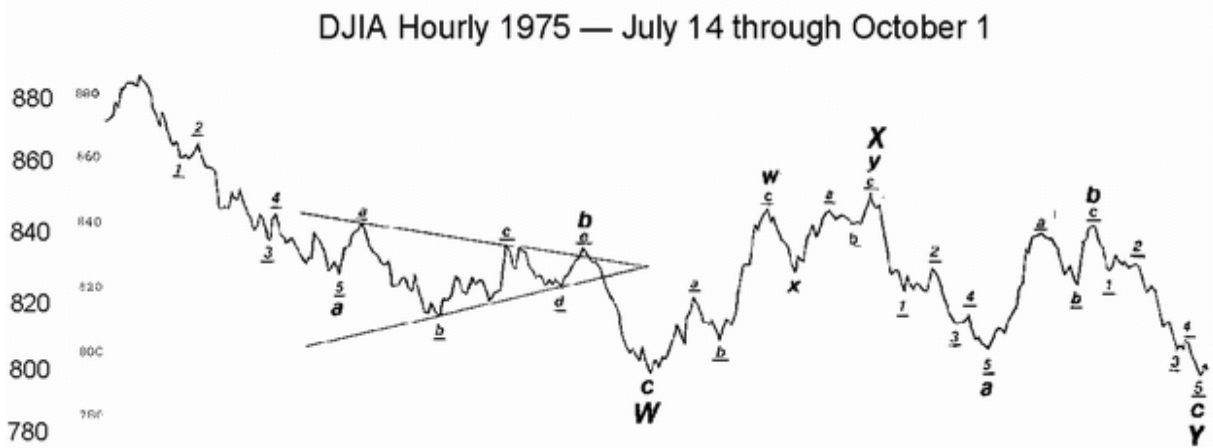


Fig 3-9

ار.ان.الیوت زیگزاگ‌های دوگانه و سه‌گانه را نامگذاری و سه‌تایی‌های دوگانه و سه‌گانه (در بخش‌های بعدی خواهد آمد) را مختصر نویسی نموده و او حرکت‌های واسط را با موج X علامت گذاری نموده بود. چنان که اصلاح‌های دوگانه را با A-B-C-X-A-B-C نامگذاری نموده است.

متأسفانه این علامت گذاری نامناسب از نظر درجه، دارای زیرموج‌هایی از هر الگوی ساده بوده است. آن‌ها در حقیقت نامگذاری، درجه‌ای کوچکتر از برگشت درست بود. آن‌ها دو درجه کوچکتر هستند. ما این مشکل را بوسیله شیوه نمادسازی رفع کردیم. برچسب گذاری متوالی اجزای موج‌های برگشت دوگانه و سه‌گانه را Z,Y,W نامیدیم چنان که در الگو، بصورت متوالی (W,X,Y) یا (W,X,Z) علامتگذاری می‌گردد. حرف W حالا اولین الگوی برگشتی را در یک برگشت دوگانه یا سه‌گانه مشخص می‌نماید، Y دومین و Z سومین برگشت سه‌گانه را نشان می‌دهد. حال می‌دانیم هر زیر موج از آن مانند A,B یا C بعلاوه D یا E از یک مثلث (در بخش‌های بعدی خواهد آمد) دو درجه کوچکتر از برگشت اصلی می‌باشد. هر موج X یک موج واکنشی بوده و بدین دلیل همیشه یک موج اصلاح کننده است یا بعبارت دیگر به نوعی یک زیگزاگ است.

درس چهارم

۱-۴-۱-۵-۳) مسطح‌ها

یک اصلاح مسطح که دارای زیرموج‌های ۳-۳-۵ باشد، با یک زیگزاگ متفاوت است، همان گونه که در شکل ۱-۴-۱ نمایش داده شده تا زمانی که در اولین حرکت، موج A قدرت حرکت رو به پایین با ۵ موج را ندارد، یک زیگزاگ است. تعجب آور نیست که موج عکس‌المعمل B قدرت برگشت را نداشته و تا نزدیکی شروع موج A باز می‌گردد. موج C در بازگشت، معمولاً حرکت خود را در محدوده پایان موج A یا کمی دورتر پایان می‌دهد.

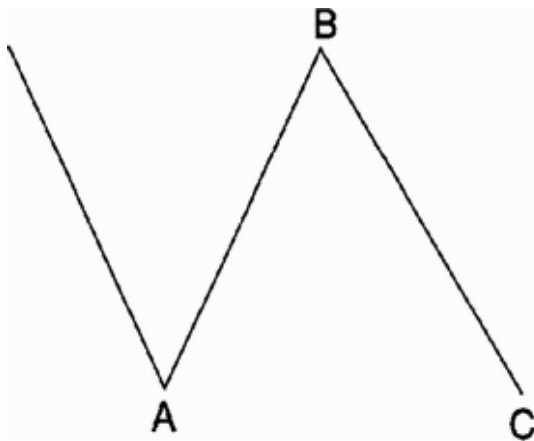


Figure 1-29

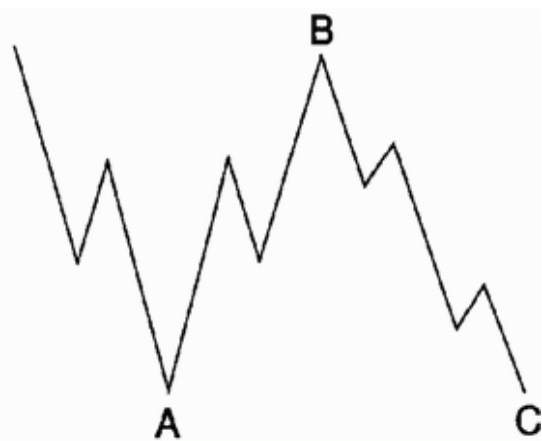


Figure 1-30

Fig 4-1

در بازار نزولی، الگو تقریباً معکوس می‌گردد. شکل ۱-۴-۲ این موضوع را نشان می‌دهد.

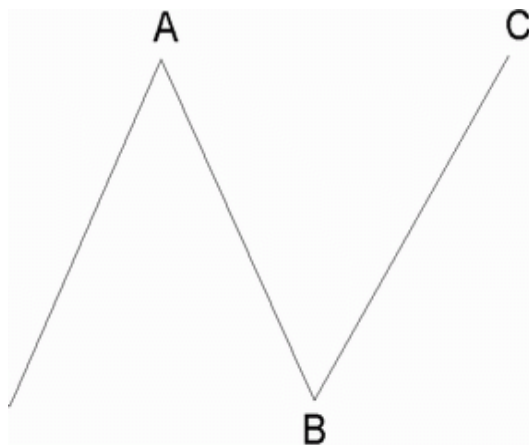


Figure 1-31

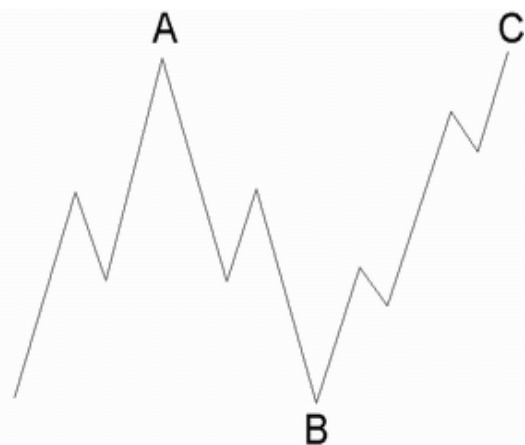


Figure 1-32

Fig 4-2

برگشت‌های مسطح معمولاً زیگزاگ امواج سابق را کمتر دنبال می‌کنند. آن‌ها علامت درگیری یک روند بزرگ و قوی و مقدمه یا پیرو یک گسترش هستند. افزایش قدرت روند باعث پایان یافتن روندهای مسطح می‌شود. معمولاً در داخل عکس‌العمل‌ها، چهارمین موج وقتی که دومین موج کوچک باشد مسطح‌ها را تکرار می‌کند.

چنین رخدادی را ممکن است دو مسطح بنامیم. به هر حال الیوت این فرم‌ها را در دو، سه‌تایی دسته‌بندی کرده است. ما این موضوع را در درس ۹ بحث خواهیم کرد.

لغت مسطح برای یک A-B-C که دارای زیرموج‌های ۳-۳-۵ باشد مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ هر چند در فرهنگ الیوت سه نوع از تصحیح‌های ۳-۳-۵ با ساختارهای مختلف شناسایی شده است. در یک تصحیح مسطح عادی، موج B در محدوده آغاز موج A پایان می‌یابد و موج C در پایان موج A یا مقدار جزئی پس از آن تمام می‌شود و ما این فرم‌ها را در تصاویر ۱-۴ و ۲-۴ می‌بینیم. بجز فرم‌های عادی، توسعه‌های مسطح فرم‌های دیگری نیز دارند که شامل یک افزایش قیمت که مقدم بر یک موج عکس‌العمل است، می‌باشد. الیوت این دگرگونی بی‌قاعده را مسطح خواند، اگر چه لغت بی‌ربطی است و آن‌ها بسیار معمولی‌تر از مسطح‌ها هستند.

۲-۴- توسعه مسطح‌ها

در توسعه مسطح‌ها موج B از الگوی ۳-۳-۵ در بعد از نقطه شروع موج A و موج C در نقطه‌ای پس از پایان موج A پایان می‌پذیرد. این موضوع در تصویر ۳-۴ برای یک بازار افزایشی (روند رو به بالا) و در تصویر ۴-۴ برای بازار کاهشی (روند رو به پایین) نشان داده شده است. آرایش بازار معدل صنعتی داو جونز (= Dow Jones Industrial Average) در ماه‌های آگوست تا نوامبر ۱۹۷۳ یک اصلاح مسطح توسعه‌یافته از نوع بازار نزولی، یا یک مسطح توسعه یافته معکوس را تشکیل داده است. (شکل ۴-۵ را ببینید)

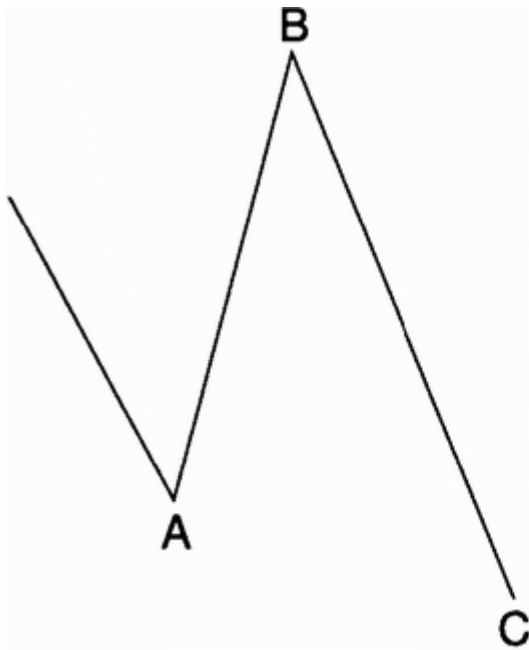


Figure 1-33



Figure 1-34

Fig 4-3

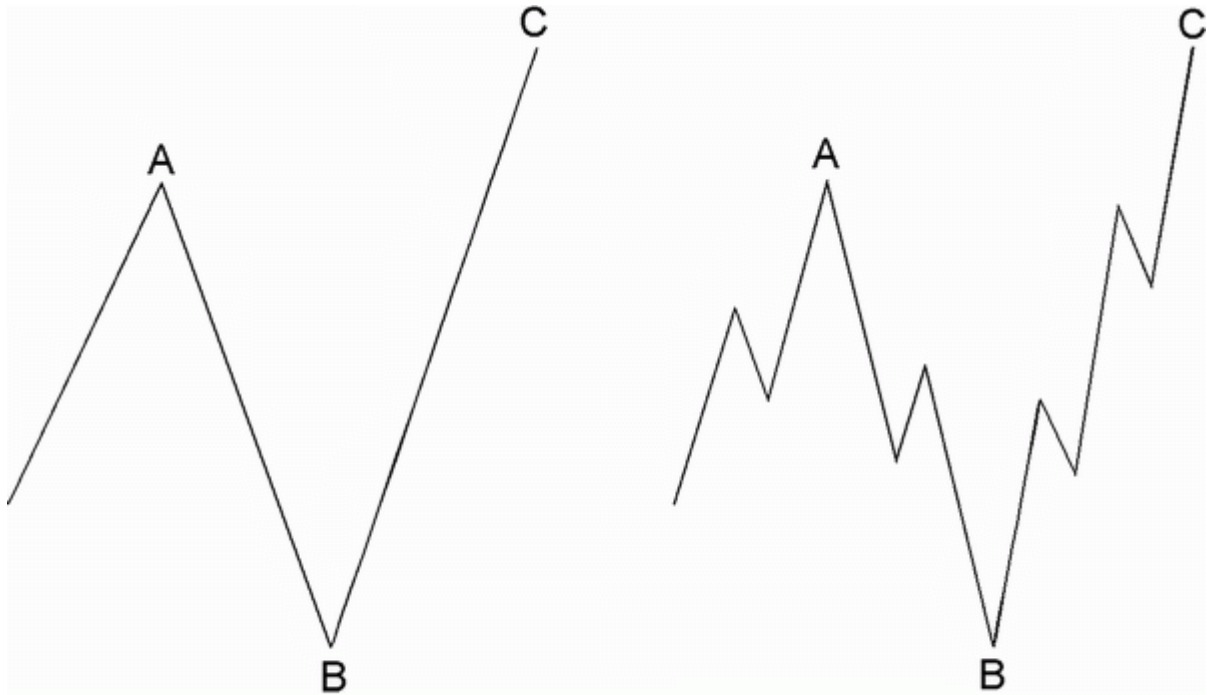


Figure 1-35

Figure 1-36

Fig 4-4

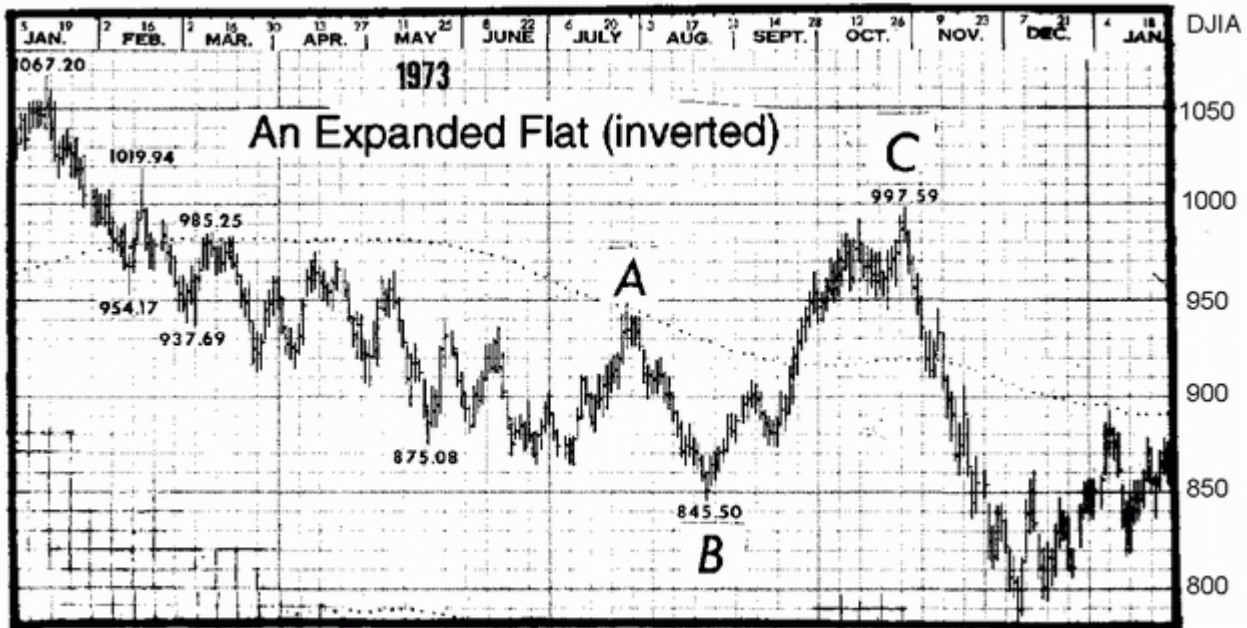


Figure 1-37

Fig 4-5

در بعضی حالت‌های نادر الگوی ۵-۳-۳، موج B مانند مسطح گسترده پس از نقطه شروع موج A پایان می‌پذیرد اما موج C در حرکت خود از نقطه پایان موج A نمی‌گذرد و کمی قبل از آن پایان می‌پذیرد که آن را مسطح جاری می‌نامیم. تصاویر ۴-۶ و ۴-۷ این موضوع را نشان می‌دهند. نیروها در یک روند بزرگ همان چیزی هستند که الگوها را ایجاد می‌کند. وقتی که بخش‌های فرعی داخلی طبق قوانین ایبوت قرار گرفته باشند یک مسطح جاری ایجاد می‌گردد. بعنوان مثال اگر موج B بجای سه موج به پنج موج تبدیل شود، آن گاه بیشتر شبیه یک ۵ موج عکس العمل از یک درجه بزرگتر می‌باشد. قدرت موج‌های عکس العمل در تشخیص اصلاح‌های مداوم مهم می‌باشد که تنها در بازارهای قوی و سریع رخ می‌دهد. اینجا یک هشدار لازم است؛ ما به زحمت چند نمونه از این اصلاح را در ثبت قیمت‌ها یافته‌ایم. پس هرگز یک موج اصلاحی را با این شیوه قبل از پایان الگو شماره‌گذاری نکنید، و گرنه از هر ۱۰ بار، ۹ بار را به خطا شماره‌گذاری می‌کنید. در عوض مثلث‌های مداوم بسیار عمومیت بیشتری دارند. ما این موضوع را در درس ۸ خواهیم دید.

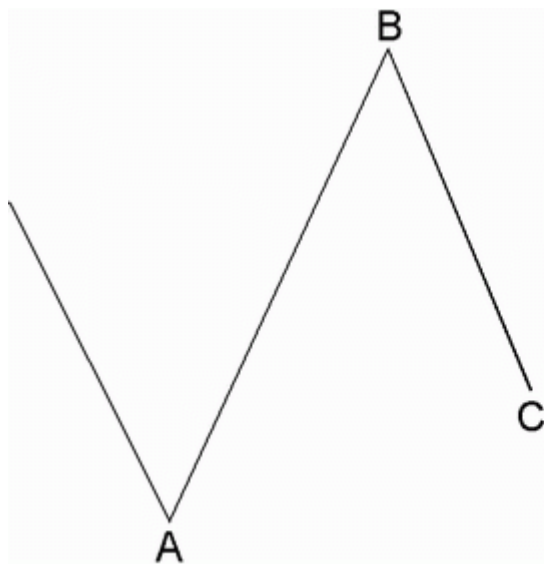


Figure 1-38

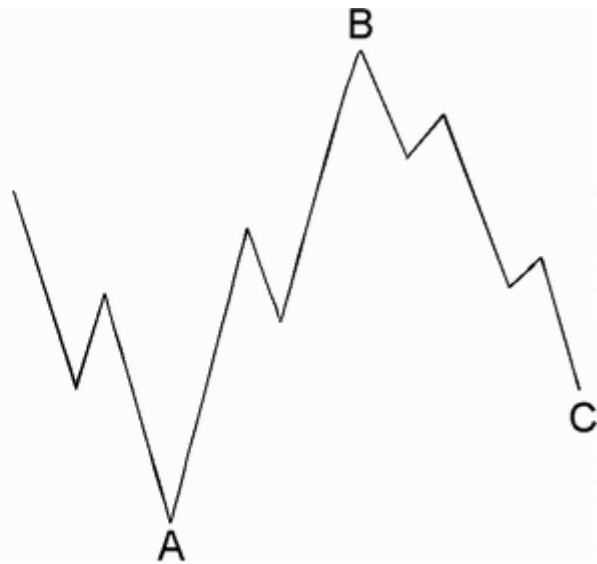


Figure 1-39

Fig 4-6

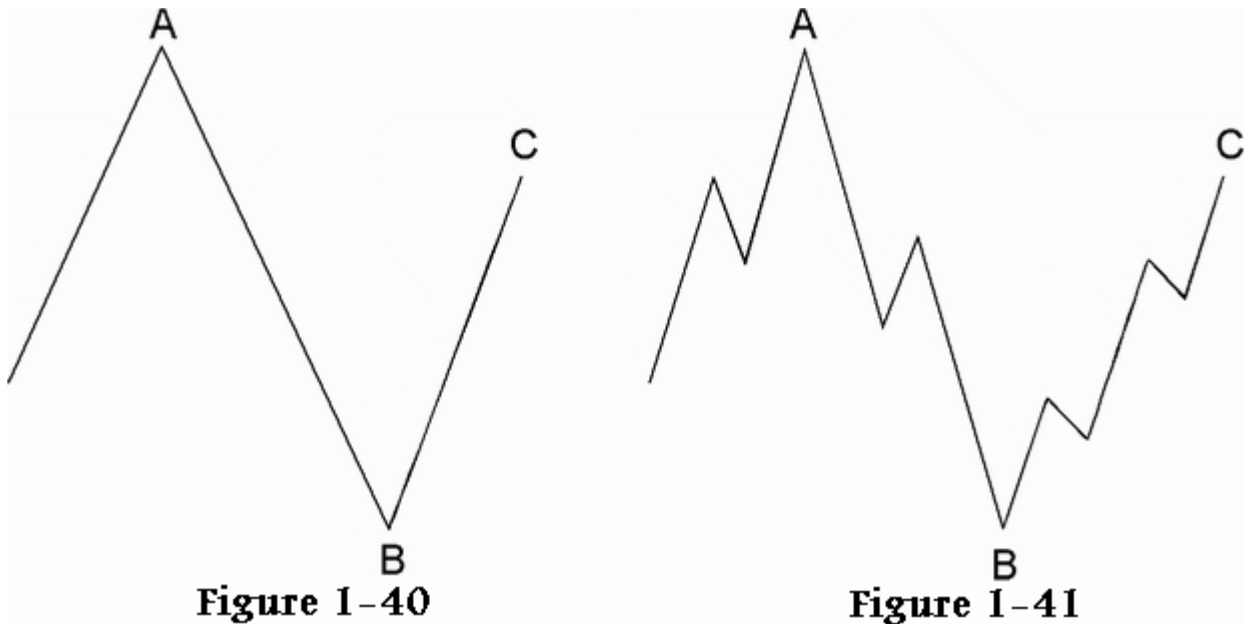


Fig 4-7

۴-۳- مثلث‌ها

مثلث‌ها ظهور و بازتاب موازنه نیروها هستند. ایجاد یک حرکت SideWay معمولا از ترکیب کاهش **volume**، و تغییرات ایجاد می‌گردد. مثلث‌ها معمولا دارای ۵ موج اورلپ شده بوده (ترجمه **overlap**: روی هم افتادن موج‌ها) که دارای زیر موج‌های ۳-۳-۳-۳-۳ و **a-b-c-** می‌باشند. یک مثلث از اتصال نقاط پایانی **a,c** و **b,d** به یکدیگر تشکیل می‌شود. موج **e** می‌تواند در بالا یا پایین خط **a-c** پایان پذیرد، تجربه نشان داده که در بیشتر موارد عبور موج **e** از خط **a-c** اتفاق نمی‌افتد.

دو گونه مختلف از مثلث‌ها وجود دارد: الف) انقباضی، ب) گسترده
الف) انقباضی: سه نوع مثلث انقباضی وجود دارد: متقارن، صعودی و نزولی که در شکل ۴-۸ نمایش داده شده است. در مثلث‌ها نوع نادر و کمیاب وجود ندارد و همیشه با همان الگوها و متقارن‌هایشان که در شکل ۴-۸ نشان داده شده ظاهر می‌گردند.

Corrective Wave (Horizontal) Triangles

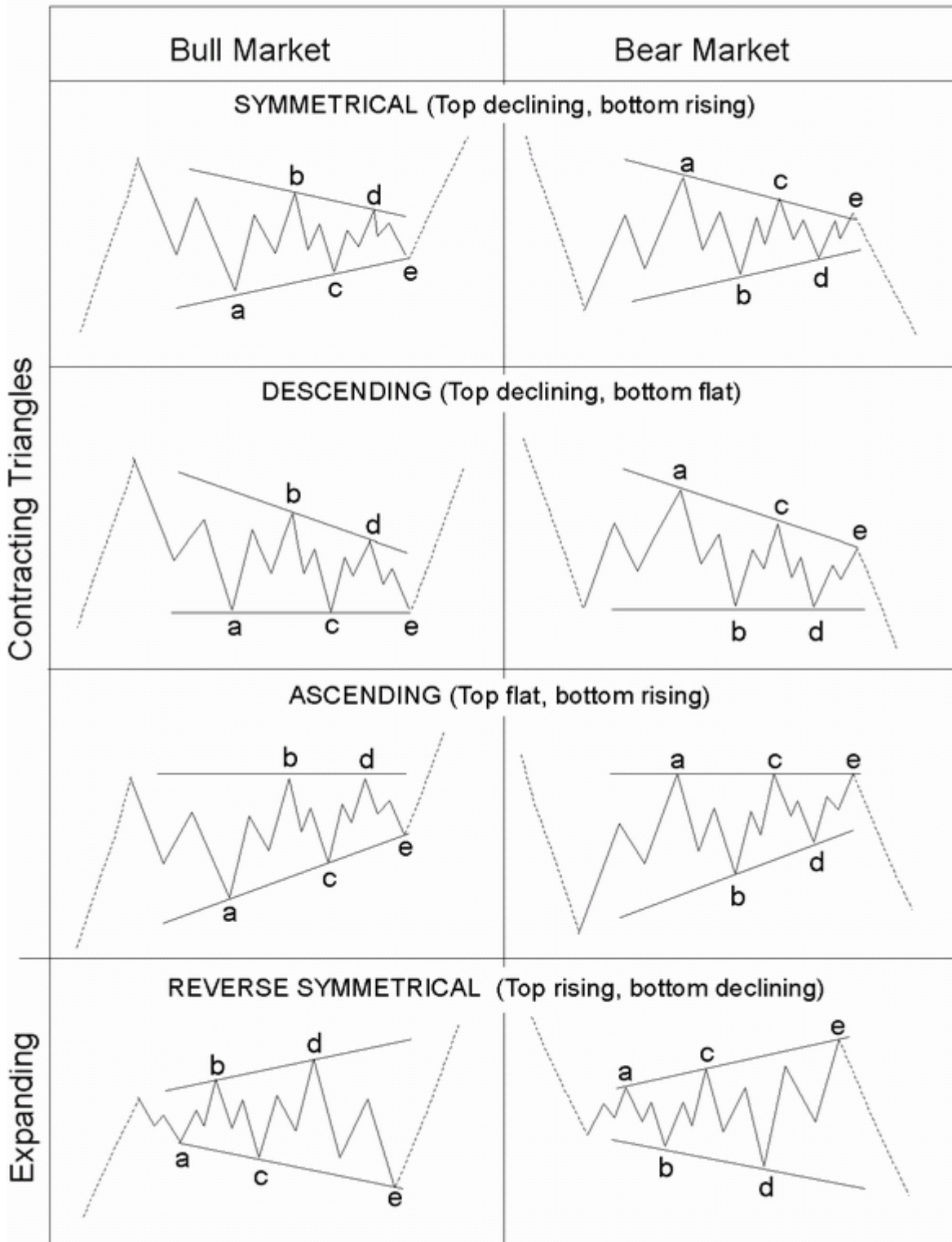


Fig 4-8

شکل ۴-۸ نشان دهنده مثلث‌های انقباضی و فضای عملکرد قیمت در آن‌ها است، که ممکن است آن‌ها را مثلث‌های با قاعده بخوانیم. به هر حال، این خیلی مهم است که موج **b** از موج **a** در یک مثلث انقباضی عبور کرده و موج **a** شروع یک مثلث گسترده باشد. این موضوع در شکل ۴-۹ آمده است با وجود این آن‌ها بصورت **Side Way** ظاهر می‌شوند. همه مثلث‌ها زیرگروه مثلث‌های مداوم هستند و نتیجه اصلی موج‌های قبلی موج پایانی **e** می‌باشد.

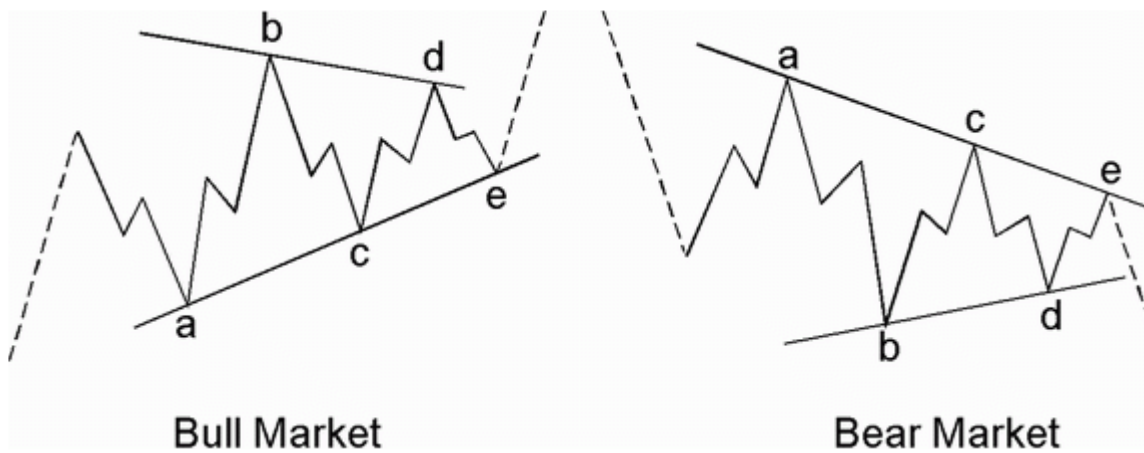


Fig 4-9

۴-۴- مثال‌های مثلث

حال چند مثال از تشکیل مثلث‌ها در چارت‌ها را در این دوره بیان می‌کنیم. چنان که می‌دانید، زیرموج‌ها در یک مثلث، زیگزاگ‌ها هستند، اما بعضی اوقات یک زیر موج (مثلا موج **c**) بیشتر از بقیه، فرم‌های پیچیده به خود گرفته و شکل‌های عادی یا گسترده، یا زیگزاگ‌های تو در تو را می‌سازد. در موارد کمیاب یکی از زیر موج‌ها (معمولا موج **e**) خود تولید یک مثلث را می‌نماید چنان که یک الگوی ۹ موجی کامل را تولید می‌کند. بنابراین مثلث‌ها نیز شبیه زیگزاگ‌ها گاهی اوقات مثلث‌های متشابه و متوالی را تولید می‌کنند، یک نمونه در بازار نقره در ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ اتفاق افتاده است. (شکل ۴-۱۰ را ببینید)

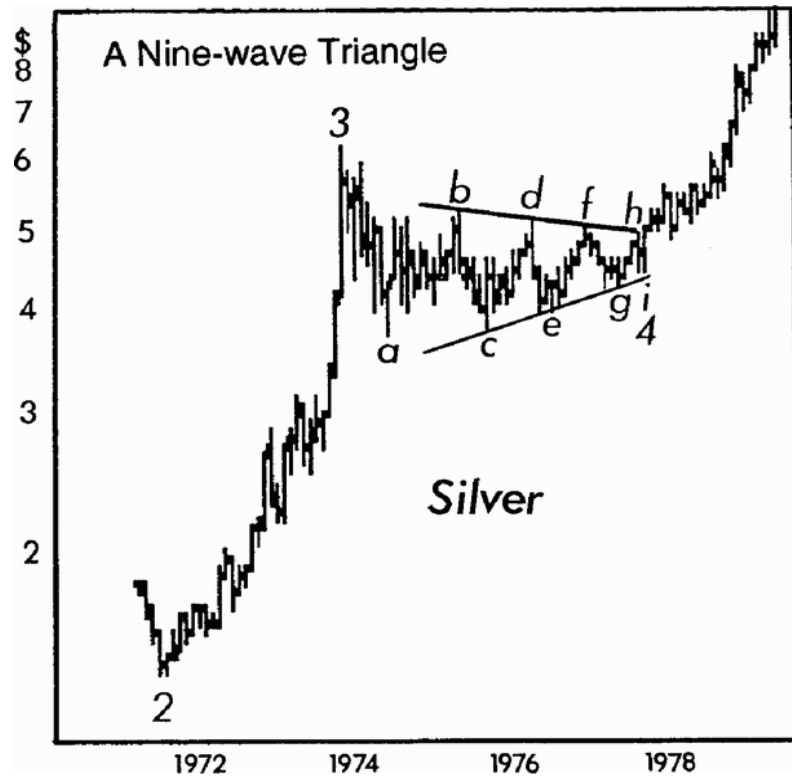


Fig 4-10

اگر چه به احتمال قوی این اتفاق نادر در موج دوم برای تشکیل یک فرم مثلثی ظاهر می‌گردد، اما مثلث‌ها تقریباً همیشه در یک موج عملکرد نهایی در الگویی از یک درجه بالاتر ظاهر می‌شوند، بعنوان مثال می‌توان هنگامی که موج چهارم در یک برگشت، مانند موج B در یک A-B-C یا موج پایانی X در یک زیگزاگ دوگانه یا سه‌گانه یا در یک اتصال باشد را عنوان نمود. (که در درس ۹ توضیح داده خواهد شد) یک مثلث همچنین ممکن است در یک الگوی عملکرد پایانی در یک اصلاح ترکیبی تشکیل شود، بعنوان مثال در درس ۹ خواهیم گفت، یک مثلث همیشه قبل از موج نهایی در الگویی از درجه بزرگتر، در حالت اصلاح ترکیبی خواهد بود.

در بازار سهام، وقتی یک مثلث در موج چهارم اتفاق می‌افتد، موج پنجم گاهی پر سرعت بوده و بخش زیادی از مثلث را می‌پیماید. الیوت از لغت پرتاب در اشاره به این قضیه استفاده می‌کند، موج‌های حرکتی کوتاه، ساخت مثلث را پی‌گیری می‌نمایند. پرتاب معمولاً یک عکس العمل است، اما می‌تواند یک پایان قطری باشد. در بازارهای نیرومند، پرتاب وجود ندارد، اما

در عوض یک موج پنجم طولانی خواهد داشت. بنابراین اگر یک موج پنجم ادامه دهنده یک مثلث پرفشار باشد، دارای یک نیرو و فشار معمولی خواهد بود، این احتمالاً علامت یک موج بلند است. بنابراین بعد از مثلث، یک عکس العمل قوی از درجه بالا یا یک موج طولانی در ادامه خواهد آمد، توضیحات بیشتر در درس ۲۹ داده خواهد شد.

به نظر ما بسیاری اوقات محل تلاقی خطوط مرزی یک مثلث فشرده با یک دوراهی در بازار همراه است. وقوع زیاد این رخداد قرارداد آن را در ردیف معیارهای اصل امواج توجیه می‌نماید.

هنگامی که کلمه افقی برای مثلث‌ها بکار می‌روند، اشاره به ساخت مثلث‌های اصلاحی می‌نمایند، در حالی که بر خلاف آن هنگامی که کلمه قطری استفاده می‌شود اشاره به آرایش مثلث‌های حرکتی می‌کند. این موضوع در درس ۵ بحث خواهد شد. پس بکار بردن مثلث‌های افقی و مثلث‌های قطری تفکیک این دو ویژگی آن‌ها در اصل امواج است. برای ساده کردن، تحلیلگران ممکن است از لغت‌های **triangle** یا مثلث و **wedge** یا گوه به جای یکدیگر استفاده کنند. اما به خاطر داشته باشید که مطالعه کنندگان تکنیکال چارت، مدتهاست که از این لغت‌ها به یک منظور استفاده می‌نمایند. تفاوت گذاشتن برای این دو می‌تواند مفید باشد.

درس پنجم

۵-۱- ترکیب‌های اصلاح

سه‌تایی‌های دوگانه و سه‌گانه الیوت را در ترکیب‌های Side Way الگوی اصلاحی را، سه‌تایی‌های دوگانه و سه‌گانه نامند. یک سه‌تایی ساده از هر زیگزاگ یا مسطح یا مثلث را شامل می‌شود. یک مثلث ترکیبی از این مفهوم شناخته می‌شود. (مترجم: لطفاً شکل‌های ۴-۸ و ۴-۹ را ببینید) یک سه‌تایی دوگانه یا سه‌گانه ترکیبی از نوع ساده اصلاح‌ها هستند که نوع‌های مختلفی از زیگزاگ‌ها، مسطح‌ها و مثلث‌ها می‌باشند. آن‌ها در موج‌های اصلاحی مسطح، از ادامه حرکت Side Way پدیدار می‌گردند. برای نمونه هر زیگزاگ دوگانه یا سه‌گانه، هر الگوی اصلاحی ساده با حروف W، Y و Z نامگذاری می‌گردند. موج‌های واکنشی با علامتگذاری X، می‌توانند هر الگوی اصلاحی را داشته باشند اما عموماً آن‌ها زیگزاگ‌ها هستند.

اگرچه همانطور که در شکل ۵-۱ می‌بینید، آرایش الگوها همیشه ترکیبی از سه مسطح بوده است، در زمان‌های مختلف ترکیب‌های سه‌تایی علامتگذاری‌های مختلفی توسط الیوت داشته‌اند. به هر حال ترکیب الگوها عموماً یک در میان قرار گرفته‌اند. برای مثال یک مثلث پس از یک مسطح قرار گرفته و همانطور که در شکل ۵-۲ می‌بینید، یک سه‌تایی دوگانه را می‌سازد (مترجم: به نظر یک سه‌تایی سه‌گانه را ساخته است)

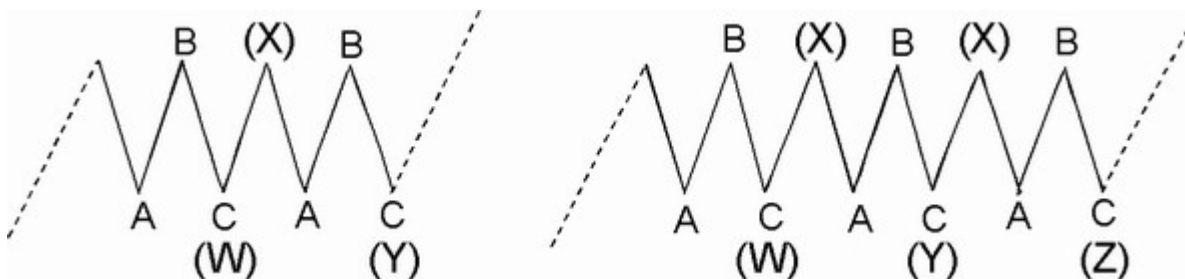


Fig 5-1

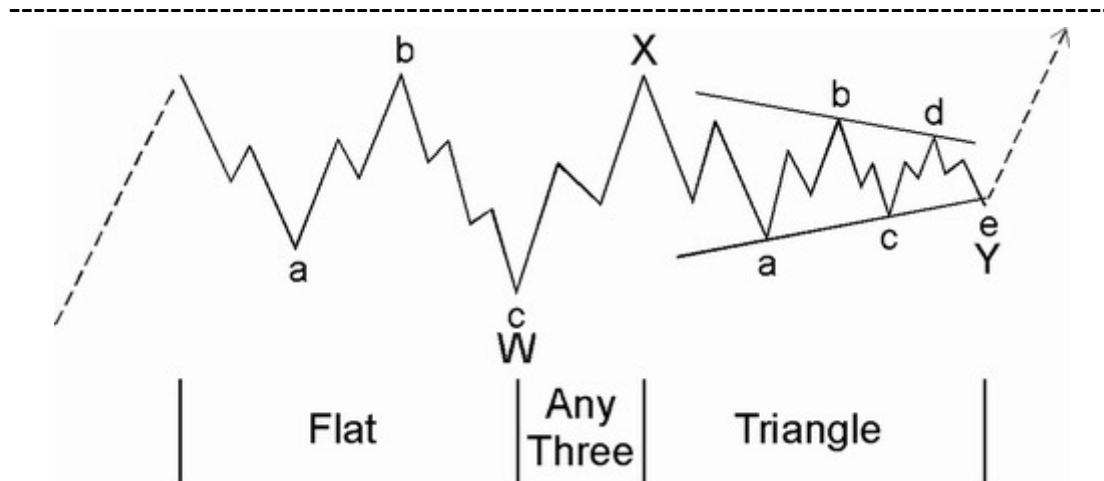


Fig 5-2

در مثال بعدی یک مسطح توسط یک زیگزاگ پی گیری شده است که این موضوع در شکل ۳-۵ آمده است. بدیهی است، این شکل بخش از یک بازار افزایشی را نمایش می دهد. این شکل فقط نیاز به معکوس کردن دارد تا یک بازار کاهشی را نمایش دهد.

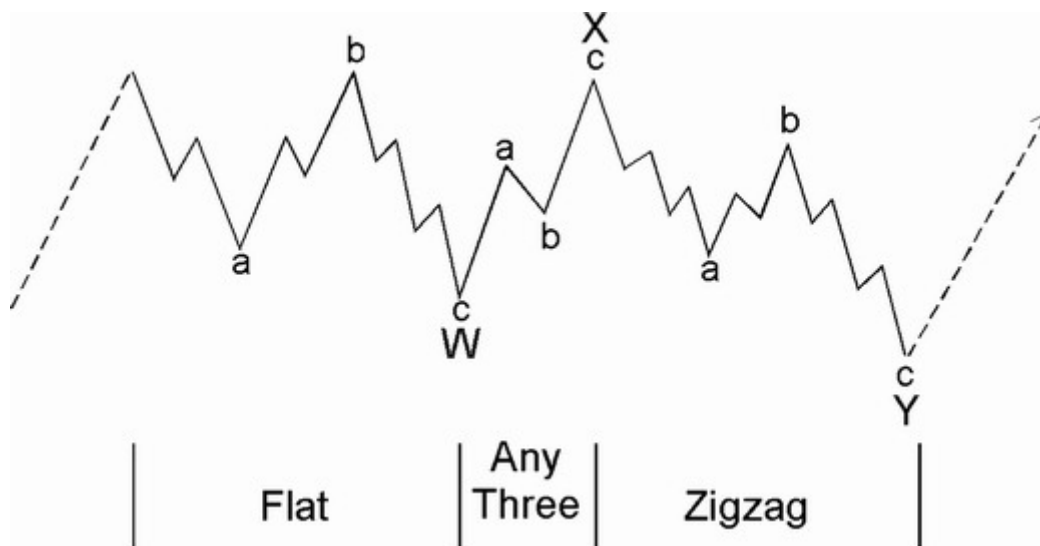


Fig 5-3

در بیشتر موارد، سه تایی های دوگانه و سه گانه دارای خاصیت افقی هستند. ایبوت اشاره کرده بود که آرایش های مورب برخلاف روند اصلی می توانند صحیح باشند با این حال ما هرگز

چنین موردی را نیافتیم. به یک دلیل هرگز بیش از یک زیگزاگ در ترکیبها ظاهر می‌شود. همانطور که بیش از یک مثلث ظاهر نمی‌شود. بیاد بیاورید که مثلثها در پایان یک حرکت از روند بزرگ ظاهر می‌شوند. ظهور ترکیبها این موضوع را تایید می‌کنند و فعالیت مثلثها فقط در موج پایانی در یک سه‌تایی دوگانه یا سه‌گانه می‌باشد.

۵-۲- معیارهای آرایش موجها

همانگونه که ایوت در قانون اصلی خود ذکر کرده است نکات ظریف و مختلفی در ترکیبهای روند Side Way ساخته می‌شوند. زیگزاگهای دوگانه و سه‌گانه را می‌توان در ترکیبهای غیر افقی شناسایی نمود.

به هر حال نه تنها در ساخت فرمها بلکه در حرکت رو به مقصد، سه‌تاییهای دوگانه و سه‌گانه با زیگزاگهای دوگانه و سه‌گانه تفاوت دارند، در یک زیگزاگ دوگانه یا سه‌گانه، اولین زیگزاگ به ندرت قدرت ساخت یک اصلاح قیمتی از اصل امواج را داراست. حرکتی دو تا سه برابر لازم است تا یک تغییر قابل پی‌گیری در قیمت مشاهده گردد. به هر حال در یک الگوی ساده اغلب یک بازگشت قیمتی کافی تشکیل می‌گردد. دوگانه و سه‌گانه‌ها از طولانی شدن مدت مرحله اصلاحی، پس از آن که مقصدهای قیمتی در واقع ملاقات گردیدند، تولید می‌گردند. بعضی اوقات وقت بیشتری نیاز است تا بازار مسیری را در پیش رو گرفته یا حرکت قدرتمندی را با الگوهای اصلاحی دیگر در یک موج انعکاسی تولید نماید. چنانچه تقویت ادامه یابد، روانشناسی بازار و فاندامتالهای دیگر روندها را تولید و ادامه می‌دهند.

برای روشن تر شدن این بخش، یک اختلاف کیفی بین سریهای $3+4+4+4+\dots$ و $5+4+4+4+\dots$ وجود دارد. توجه داشته باشید که تمام موجهای عکس‌العمل دارای یک موج شمارش از ۵، با افزودن ۹، ۱۳ یا ۱۷ موج هستند، و همچنین موجهای اصلاحی یک شمارش از سه به علاوه ۷، ۱۱ یا ۱۵ موج هستند. و همچنین، مثلثها دارای یک استثنا می‌باشند. اگر چه آنها را یک سه‌تایی سه‌گانه با n موج نیز می‌توان پنداشت. بنابراین اگر یک شمارش داخلی نامشخص باشد گاهی اوقات تحلیلگران می‌توانند با شمارش امواج به نتیجه معقول برسند. برای نمونه یک شمارش از ۹، ۱۳ یا ۱۷ با چند اورلپ شبیه یک حرکت بوده و هر شمارش از ۷، ۱۱ یا

۱۵ با تعداد نامحدودی اورلپ شبیه یک اصلاح می‌باشد. استثناءهای اصلی مثلث‌های قطری از هر دو نوع می‌باشند که پیوندی از حرکت و اصلاح می‌باشند.

ماکزیمم مینیمم‌های درست

گاهی اوقات پایان الگو با حداکثرهای قیمت متفاوت است. در چنین مواردی پایان الگو را ماکزیمم مینیمم‌های درست می‌گوییم. این بدین منظور است که تفاوتی بین بالا و پایین‌های واقعی قیمت و آن چه در داخل الگو اتفاق می‌افتد قائل باشیم. برای مثال در تصویر ۲-۸ پایان موج پنجم یک ماکزیمم واقعی است اما در حقیقت موج سوم بالاترین قیمت را تولید نموده است. در تصویر ۲-۹ موج پنجم یک پایین واقعی است. در تصویر ۴-۳ نقطه شروع موج A ماکزیمم درست در یک بازار افزایشی می‌باشد، با وجود آن که موج B بالاتر از آن قرار گرفته است. در تصاویر ۵-۳ پایان موج Y یک مینیمم درست در بازار نزولی است با این حال پایینترین قسمت پایان موج W می‌باشد.

این مفهوم بسیار مهمی است بدلیل آن که یک تحلیل موفق با علامتگذاری‌های درست انجام می‌گردد. اینکه ماکزیمم مینیمم‌های قیمت درست در شروع موج باشند بعضی اوقات یک ادعای دروغین است. نگران نباشید، تا وقتی که اطلاعات در خصوص مقررات رفتار موج وجود دارد شما گمراه نخواهید شد. ضمناً در موقع استفاده از مفاهیم پیش‌بینی‌ها که در درس ۲۰ معرفی خواهند شد نیز به خطا نخواهید رفت. طول و مدت یک موج و نقاط پایانی درست بوسیله طرح‌ریزی و اندازه‌گیری تعیین می‌گردند.

۵-۳- تطبیق دادن عملکرد و اسلوب

در درس ۳ و ۴، ما دو عملکرد احتمالی امواج (عمل و عکس‌العمل)، و دو حالت احتمالی از توسعه ساختاری (حرکت و اصلاح) را، بحث نمودیم. ما این موارد را بطور خلاصه در زیر عنوان‌بندی می‌کنیم:

- برچسب (شمارش) برای موج‌های عمل ۱، ۳، ۵، A, C, E, W, Y, Z هستند.
- برچسب (شمارش) برای موج‌های عکس‌العمل ۲، ۴، B, D, X هستند.

همچنین بزودی توضیح خواهیم داد که همه موج‌های عکس العمل، توسعه‌ای از حالت اصلاح بوده و بیشتر امواج عمل، توسعه‌ای از حالت حرکت هستند. قبل از آن، حالتی که موج‌های عمل، توسعه‌ای از حالت اصلاح باشند را شرح می‌دهیم:

- موج‌های ۱، ۳، ۵ در یک پایان قطری
- موج A در یک اصلاح مسطح
- موج‌های C، A و E در یک مثلث
- موج‌های W و Y در زیگزاگ‌های دوگانه و اصلاح‌های دوگانه
- موج Z در زیگزاگ‌های سه‌گانه و اصلاح‌های سه‌گانه

به دلیل آن که فهرست موج‌های بالا یک عمل در جهت مخالف و در عین حال توسعه یک حالت اصلاحی هستند، ما آن‌ها را موج‌های عمل اصلاحی می‌نامیم.

بطوری که می‌دانیم، ما لیستی از تمام آرایش‌های امواج که می‌توانند در حرکت قیمت، در بازار پهناور سهام تشکیل گردند را در اختیار داریم و آرایشی رخ نمی‌دهد که در لیست ما نباشد. به راستی از آنجائی که مطالعه چارت‌های ساعتی تقریباً نزدیک درجه **Subminutte** و از نظر جزئیات فیلتر شده هستند، تحلیلگران می‌توانند بدون مثال موج‌های بالا را از درجه **Subminutte**، که در متد الیوت تا به حال شناسائی نشده باشند، بیابند. در حقیقت، موج‌های الیوت کوچکتر از **Subminutte** را بیشتر با چارت‌های، دقیقه‌ای تولید کامپیوتر شناسائی می‌کنند. حتی چند داده در واحد زمان در این قانون، یک درجه کافی برای بازتاب صحیح قوانین امواج بوسیله ضبط سریع انتقالات از رفتار انسان‌ها در میدان مبادلات ارزی است.

همه قوانین (که در درس‌های ۱ تا ۹ پوشش داده شده) و معیارها (که در درس‌های ۱ تا ۱۵ آمده) اساساً در حالت بازار واقعی بکار می‌رود، هیچ ثبت ثانیه‌ای یا کمتر از آن وجود ندارد. این توضیحات آشکار کننده‌ی الزامات مطلق در قیمت بازار است. وقتی قیمت‌ها توسط سیستم حکومتی ثابت می‌گردند، همان گونه که برای طلا و نقره در قرن بیستم اتفاق افتاد، موج‌ها توسط قانون حبس شده و اجازه ثبت ندارند. وقتی قیمت ثبت شده متفاوت از قیمت بازار است، قوانین و معیارها باید با دقت مطرح گردند. البته در طولانی مدت، بازارها بر قوانین

چیره می‌گردند و تنها اگر قوانین بازار اجازه دهد امکان اجرا خواهند یافت. حال که ما قوانین و مقدمات امواج را آماده نموده‌ایم، می‌توانیم آنالیزهای موفق و معیارها را در اصل امواج آغاز نمائیم.

۴-۵- معیارهای تناوب

معیارهای موجود در درس ۱۰ تا ۱۵ ارائه و توضیح در خصوص یک بازار صعودی می‌باشند، به جز جایی که مخصوصا مستثنی شده باشد.

تناوب

همیلتون بولتون توضیح می‌دهد که معیارهای (ترجمه: قوائد راهنمائی کننده) تناوب بسیار گسترده و پراستفاده بوده و همیشه تحلیلگران چشم انتظار دیدن تفاوتی در تشکیل بعدی موج‌های مشابه هستند.

گناه نویسنده نیست که تناوب‌ها از نظر نوع موج به فرم‌های بسیار زیادی دسته‌بندی می‌گردند. اما تکرار بسیار زیادشان به اندازه کافی نشان داده که شخص باید منتظر خلاف آن باشد.

با این که تناوب‌ها دقیقا نمی‌گویند چه اتفاقی در حال رخ دادن است، اما اطلاعات با ارزشی می‌دهند که منتظر چه چیزی نباید بود و بخاطر داشتن آن‌ها در زمان تحلیل آرایش موج‌ها و تشخیص احتمال بعدی بسیار مفید هستند. این آموزش مقدماتی تحلیل که بیشتر مردم علاقمند به دانستن آن هستند زیرا سرانجام گردش بازار در یک شیوه خاص که می‌خواهیم بگوئیم، انجام خواهد شد. در ضمن معکوس این معیارها درست می‌باشد. روزی که بیشتر سرمایه‌گذاران شیوه دیگری را در پیش رو بگیرند، روزی است که همه چیز کاملا عوض می‌گردد. اگر بخواهیم بیشتر توضیح دهیم، باید بگوئیم الیوت در حقیقت می‌خواست بگوید که تناوب یک قانون مجازی بازار است.

تناوب در داخل عکس العمل‌ها

اگر موج ۲ از یک عکس العمل یک اصلاح تند و تیز باشد، انتظار می‌رود موج چهارم یک اصلاح Side Way باشد و برعکس. شکل ۵-۴ مشخصه بیشتر افول موج‌های عکس العمل را، در هر دو حالت صعودی و نزولی نشان می‌دهد، بطوری که معیارهای تناوب اشاره

می‌کنند، آن‌ها همیشه از جنس تناوب هستند (ساده، دوگانه یا سه‌گانه) گاهی نیز آن‌ها سه‌تایی دوگانه‌ای هستند که با یک زیگزاگ شروع می‌شوند. اصلاح‌های **Side Way** شامل مسطح‌ها، مثلث‌ها و اصلاح‌های دوگانه یا سه‌گانه می‌باشند. آنها معمولاً شامل یک اکستریم (مترجم: یک مینیمم یا ماکزیمم) جدید قیمت می‌باشند. بعنوان مثال موقعیت بعد از یک پایان درست و قبل از یک موج عکس‌العمل را می‌توان اشاره کرد. در موارد نایاب، یک مثلث با قاعده (به معنی آن که شامل یک اکستریم جدید نباشد) در موقعیت موج چهارم از یک اصلاح سریع قرار می‌گیرد و نوع دیگری از الگوهای **Side Way** در موقعیت موج دوم تولید می‌گردند. معنای متناوب‌ها در عکس‌العمل‌ها را می‌توان اینگونه خلاصه کرد که یکی از دو موج اصلاحی (مترجم: ۲ یا ۴) شامل برگشت یا عکس‌العمل و موج دیگر بعکس آن خواهد بود.

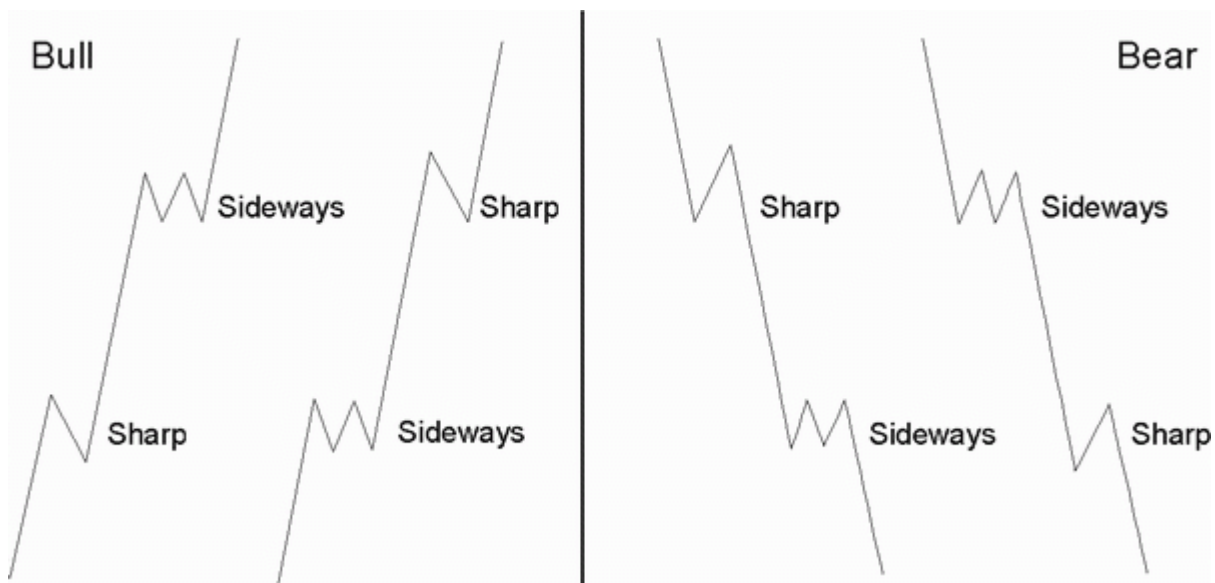


Fig 5-4

مثلث‌های قطری تناوب را در زیر موج‌های ۲ و ۴ نشان نمی‌دهند، به نوعی هر دوی آن‌ها زیگزاگ هستند. گسترش‌ها یک نمونه از تناوب‌ها هستند بطوری که طول، موج‌های حرکت را متناوب می‌گردانند. برای مثال اولین موج کوتاه است و سومین موج طولانی و پنجمین موج نیز دوباره کوتاه است. ظهور دیگر تناوب این است که گسترش‌ها که معمولاً در موج سوم رخ می‌دهند گاهی در موج ۱ یا ۵ اتفاق می‌افتند.

۵-۵- تناوب در موج‌های اصلاحی

اگر یک اصلاح بزرگ با یک **a-b-c** مسطح شروع شده تا موج **A** را بسازد، انتظار تولید یک آرایش زیگزاگ **a-b-c** برای موج **B** نیز می‌رود (شکل ۵-۵ را ببینید) و بر عکس آن نیز درست است (شکل ۶-۵ را ببینید). با یک لحظه اندیشیدن معلوم می‌گردد که رخداد محسوسی وجود دارد و آن این است که اولین بازتاب بوجود آمده یک حرکت رو به بالا در هر دو حالت، و دومین بازتاب یک حرکت رو به پایین است.

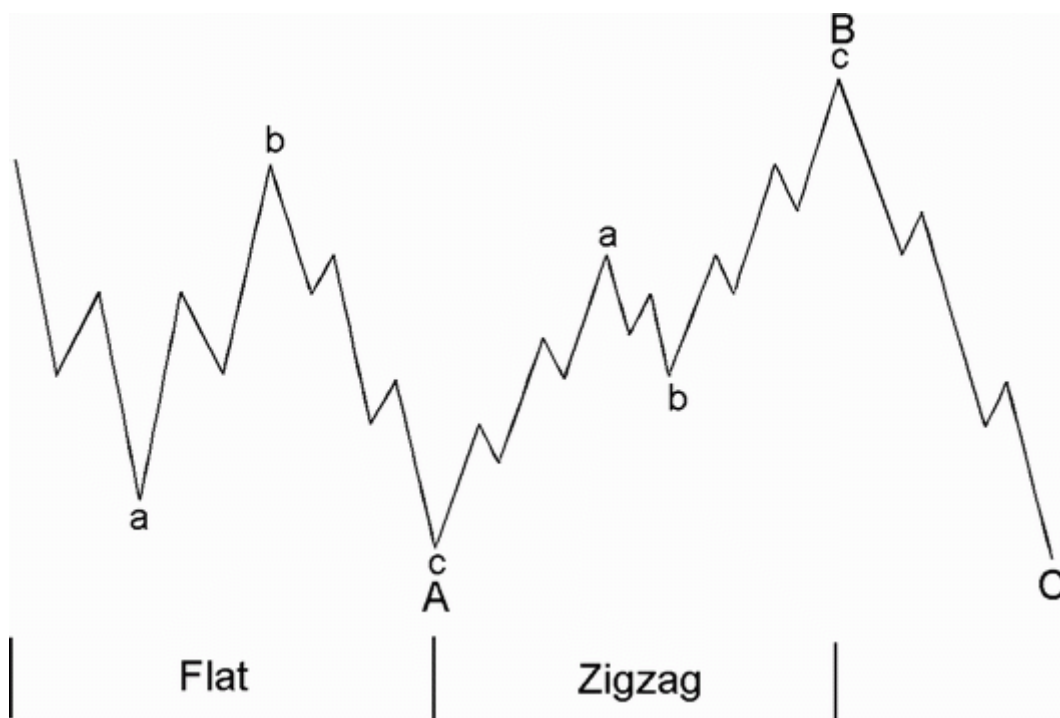


Fig 5-5

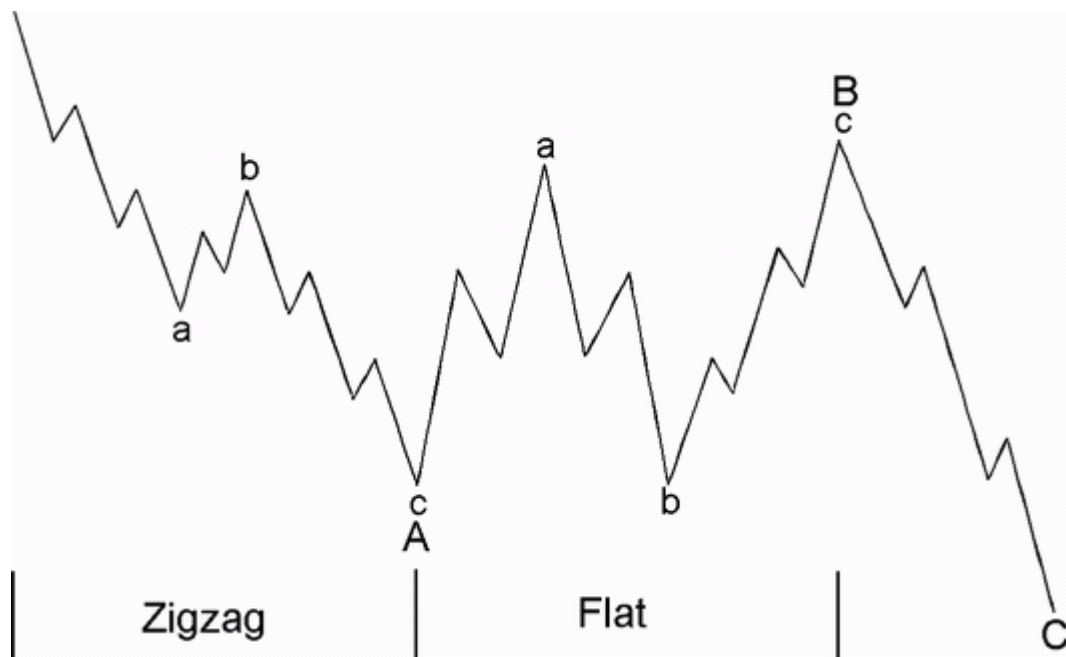


Fig 5-6

کلا خیلی اوقات، چنان که در شکل ۵-۷ می بینید، اگر یک موج اصلاحی با یک زیگزاگ ساده a-b-c موج A را شروع کند، موج B گسترش بیشتری از یک زیگزاگ a-b-c خواهد بود، که نوعی از یک تناوب را می سازد و گاهی اوقات موج C همانطور که در شکل ۵-۸ آمده، پیچیده خواهد بود. معکوس این حالت از پیچیدگی کمی نادر است.

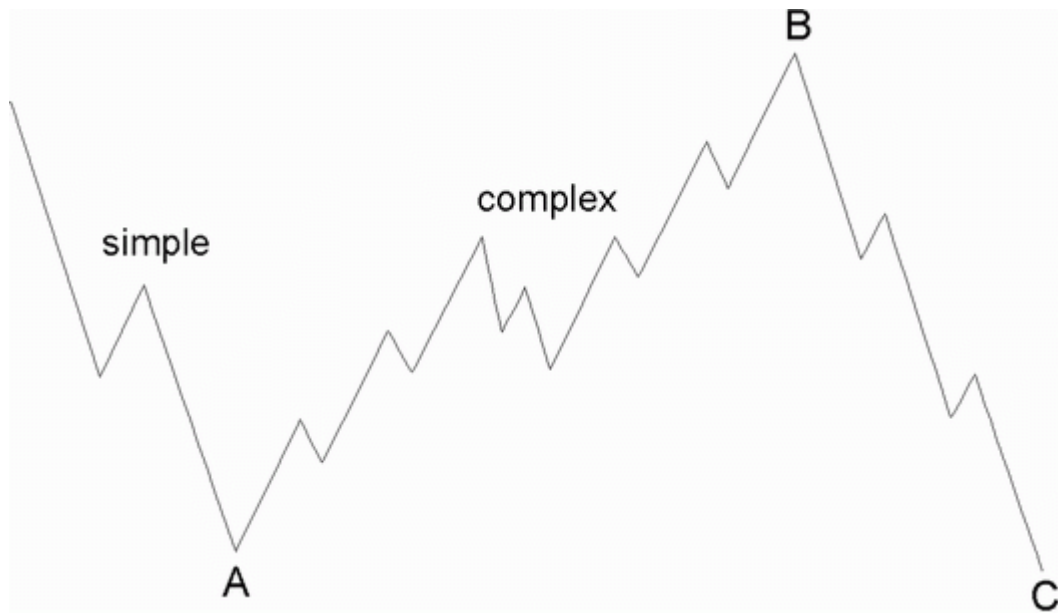


Fig 5-7

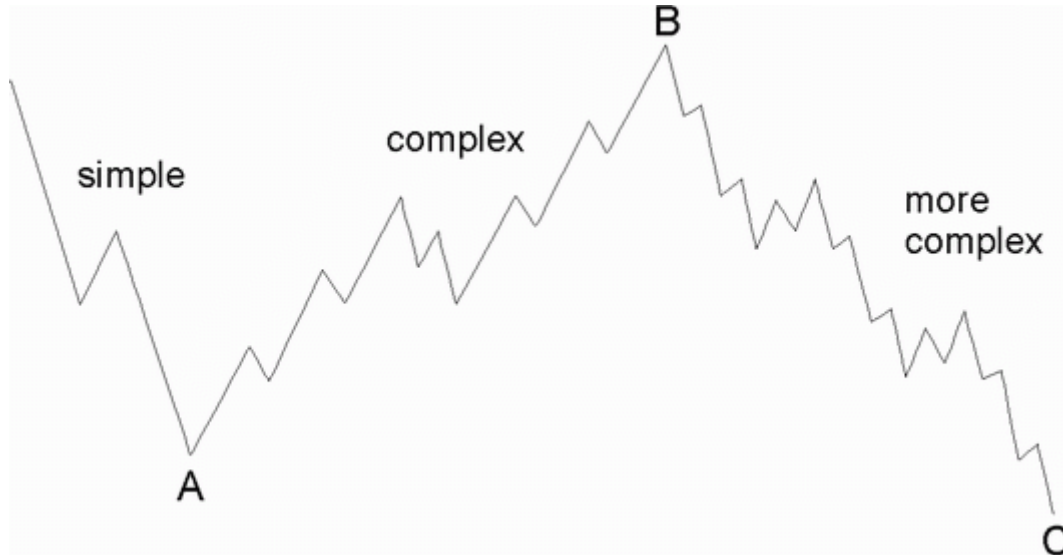


Fig 5-8

۵-۶- پیش بینی موج های اصلاحی

عمق موج های اصلاحی (محدوده بازار نزولی)

هیچ روش دیگری در بازار به اندازه اصل امواج پاسخ دلپذیری به سوال چقدر احتمالاً یک بازار پایین می رود را نمی دهد.

اولین معیار (مترجم: قائده راهنما) این است که بخصوص در چهارمین موج، بازار تمایل در انجام حرکت در یک میزان و نسبتی از حرکت موج چهارم درجه کوچکتر، عموماً از یک level نزدیک پایان را دارد.

مثال شماره ۱: ۱۹۲۹-۱۹۳۹ در بازار نزولی

چارت قیمت های سرمایه یک تعدیل دائمی دلار را بوسیله فاندمنتال، برای مطالعه سیکل ها نشان می دهد که یک مثلث انقباضی در موج (IV) وجود دارد Low های پایین در فضای قبلی موج چهارم، یک مثلث از درجه سیکل را ساخته است. (چارت پایین را ببینید)

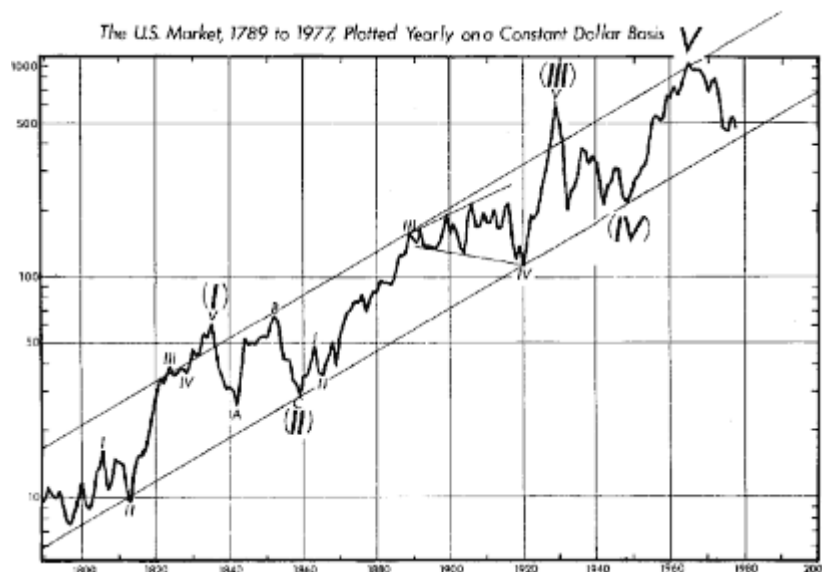


Fig 5-9

مثال شماره ۲: Low در بازار نزولی ۱۹۴۲

در این مورد موج II از درجه سیکل در بازار نزولی ۱۹۳۷-۱۹۴۲ می باشد. یک زیگزاگ، پایان دهنده فضای اصلی موج [۴] از بازار صعودی سالهای ۱۹۳۷-۱۹۳۲ می باشد (شکل ۱۰-۵ را ببینید)

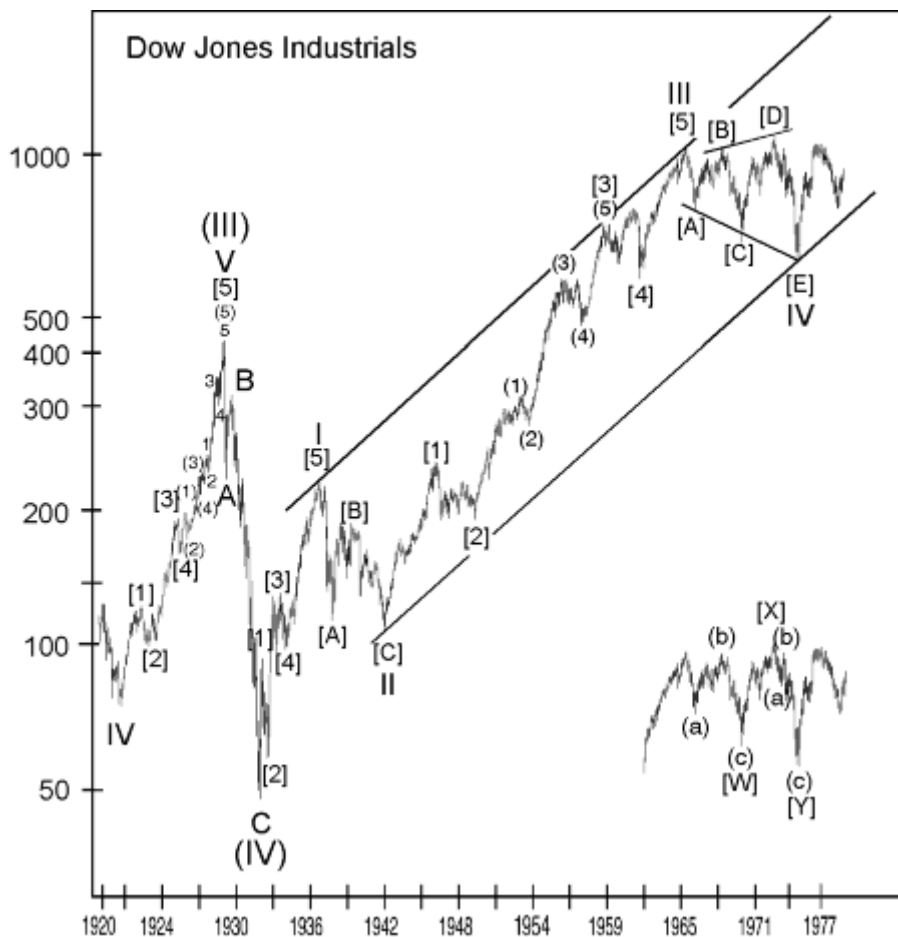


Fig 5-10

مثال شماره ۳: نزول در بازار ۱۹۶۲

سقوط موج [۴] در سال ۱۹۶۲ باعث کاهش قیمت کمی بیش از بالاترین قیمت موج پنجم در ۱۹۵۶ از سری موجهای اصلی سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۵۹ گردید. معمولاً نزول بازار باید در منطقه‌ای که موج [۴] نشان می‌دهد، قرار گیرد. موج چهارم موج اصلاحی پس از موج [3] می‌باشد. این محدودیت کاهش با وجود اینکه توضیح‌هایی را می‌دهد، اما این معیار یک قانون نیست. قبل از تولید سومین موج قوی و کم عمق بودن موج A و قوی بودن موج B در موج

[۴] نشان دهنده نیرو در ساختار موج است، که سرتاسر عمق اصلی اصلاح را می‌سازد. (شکل ۵-۱۰ را ببینید)

۵-۷- توسعه‌های موج

مثال شماره ۴: کاهش در بازار نزولی ۱۹۷۴

کاهش نهایی در ۱۹۷۴، پایان کاهش در سالهای ۱۹۶۶-۱۹۷۴ است. موج IV از درجه سیکل اصلاح درست موج صعودی III از ۱۹۴۲ و موجب کاهش میانگین فضای قبلی موج چهارم از درجه کوچکتر (موج [۴] اولیه) می‌باشد. دوباره شکل ۳-۵ آن چه رخ داده است را نشان می‌دهد.

آنالیزهای ما از توالی موج‌های درجه کوچکتر در بیست سال گذشته، پی برده‌اند که معمولاً محدودیت هر نزول بازار فضای حرکت موج چهارم از درجه کوچکتر می‌باشد، مخصوصاً وقتی که بازار نزولی در توالی موج‌های خود چهارمین موج باشد. به هر حال یک معیار شناسائی شده، آشکارا این موضوع را می‌گوید که اگر موج اول در ادامه متوالی اصلاح موج پنجم باشد، به نوعی محدودیت نزول موج دوم از درجه کوچکتر را داراست. برای مثال، کاهش در مارس ۱۹۷۸ در DJIA (ترجمه Dow Jones Industrials: گروه سهام معروف صنعت امریکا) در حد پایین موج دوم در مارس ۱۹۷۵ پایین آمد که پیرو امتداد موج اول در دسامبر ۱۹۷۴ بود.

در خصوص مثلث‌ها یا اصلاح‌های مسطح بخصوص آن‌ها که از گسترش‌ها پیروی کرده‌اند (مثال شماره ۳ را ببینید) آشکارا صعود را در فضای موج چهارم می‌شکنند. در خصوص زیگزاگ‌ها عمیقاً می‌شکنند و در فضای موج دوم از درجه کوچکتر حرکت می‌کنند. اگر چه وقتی زیگزاگ‌ها در موج دوم خودشان هستند، این اتفاق منحصر به فرد می‌شود. گاهی اوقات آرایشی از این رفتار یا همان پایین‌های دوگانه را ساخته‌اند.

تعقیب یا ادامه رفتار موج پنجم

بهترین تجربه قوانین که می‌تواند عصاره مشاهدات ما از رفتار بازار باشد، این است که وقتی موج پنجم با یک گسترش ادامه می‌یابد، اصلاح پس از آن بسیار سریع بوده و ساپورت موج دوم گسترش، از درجه پایین را ملاقات می‌کند. برخی از اصلاح‌ها در همانجا پایان خواهند

یافت، این مورد در شکل ۵-۱۲ توضیح داده شده است. هر چند تعداد محدودی مثال واقعی وجود دارد، دقت به این موضوع که کدام موج A به نقطه پایین موج دو از گسترش بعد از موج پنجم بازگشت می‌نماید، مهم است. شکل ۵-۱۲ یک اصلاح مسطح گسترش یافته را نمایش می‌دهد. (برای مراجعه بعدی لطفاً دو مثال واقعی که در چارت‌های درس آینده می‌آیند را یادداشت نمایید. یک مثال وجود یک زیگزاگ در شکل ۵-۱۰ پایین موج [a] از II را می‌توانید پیدا کنید. و مثال بعدی یک توسعه مسطح که می‌توان آن را در شکل ۱۶-۲ در پایین موج A از ۴ پیدا نمود. همچنین شما در شکل ۵-۱۰ خواهید دید که موج A از (IV) Lowی نزدیک موج (۲) از [۵] ساخته است که یک گسترش در موج V از ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۹ می‌باشد))

پس، از پایتترین نقطه از موج دوم یک گسترش، معمولاً قلمرو قیمتی موج چهارم از یک درجه بزرگتر ملاقات می‌گردد. این پیش‌بینی اشاره بر رفتاری یکسان شبیه پیش‌بینی قبلی دارد. این شایان توجه است که قیمت افزایشی در حقیقت گسترش موج پنجم را با سرعت پی‌گیری می‌نماید. این رخداد که هشدار جدی از یک بازگشت هیجانی در یک Level ویژه است، یک ترکیب قدرتمند از دانسته‌ها است. این پیش‌بینی را نمی‌توان جداگانه در گسترش‌های موج پنجم از گسترش‌های موج پنجم (ترجمه: گسترش‌های تو در توی موج پنجم) بکار برد.

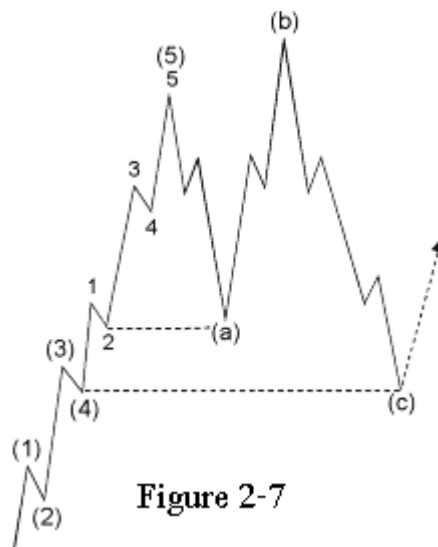
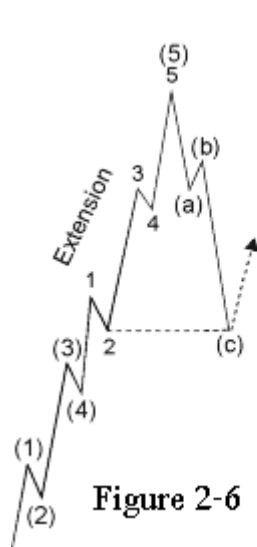


Fig 5-12

درس ششم

۶-۱- کانال‌ها

شباهت موج

یکی از معیارهای اصل امواج این است که دو موج حرکت از ۵ موج متوالی، تمایل دارند از نظر مدت زمان و بزرگی شبیه یکدیگر باشند. این عموماً طبیعی است وقتی که یک موج گسترده وجود دارد، دو موج دیگر غیر گسترده باشند، بخصوص اگر موج سوم یک گسترش باشد. و اگر یک شباهت کامل بین آن‌ها دیده نشود، به احتمال زیاد در نسبت بعدی مضرپی از ۰/۶۱۸ مشاهده خواهد گردید. (استفاده از این موضوع در درس‌های ۱۶-۲۵ توضیح داده خواهد شد.) (مترجم: عدد ۰/۶۱۸ یکی از اعداد فیبوناچی است).

وقتی که موج‌ها از درجه بزرگتر از **Intermediate** باشند، نسبت‌های قیمت معمولاً می‌بایست در درصدی از رابطه‌ها محاسبه گردد. بنابراین در داخل پیشروی از ۱۹۴۲ تا ۱۹۶۶، یک گسترش درست از درجه سیکل، را داشته‌ایم. ما دریافتیم که موج [۱] حرکتی ۱۲۰ پوینتی داشته و یک سود ۱۲۹٪ را در ۴۹ ماه تولید نموده، در صورتی که موج اصلی [۵] حرکتی ۴۳۸ پوینتی داشته و یک سود ۸۰٪ را (که ۰/۶۱۸ برابر سود ۱۲۹ درصدی) در ۴۰ ماه (شکل ۵-۱۰ را ببینید) تولید نموده، و حرکت بسیار متفاوت موج اصلی سوم که ۳۲۴ درصد سود را در طول ۱۲۶ ماه تولید نموده است.

وقتی که موج‌ها از درجه متوسط **Intermediate** یا کوچکترند، معمولاً شباهت قیمتی می‌تواند با رابطه‌ای حسابی برقرار باشد. (مترجم: تصاعد حسابی) از این رو مقدار طول موج‌ها هم ارز خواهد بود. بنابراین در تقویت بازار پایان سال ۱۹۷۶، ما دریافتیم که موج ۱، حرکت ۳۵/۲۴ پوینتی را در ۴۷ ساعت بازار انجام داده، در حالی که موج ۵، ۴۰/۳۴ پوینت را در ۴۷ ساعت بازار حرکت نموده است. معیار شباهت در بازار خیلی اوقات بینهایت دقیق است.

ترسیم موج‌ها

همیلتون بولتون (مترجم: نویسنده درس‌ها) همیشه چارت ساعتی با قیمت **close** را تهیه می‌نماید. برای نمونه: چارت ساعتی توسط بنیانگذاران نیز استفاده می‌گردیده است. پس از

معرفی اصل امواج خود الیوت بعضی از کارها را بر روی چارت ساعتی بازار سهام از ۲۳ فوریه تا مارس ۱۹۳۸ پی گیری می نموده است. هر علاقمند به موج های الیوت یا هر دلبسته به اصل امواج استفاده از طرح نوسانات ساعتی DJIA (ترجمه Dow Jones Industrials: گروه سهام معروف صنعت امریکا) را که وال استریت جورنال و یا باروטר (ترجمه: نشریات معروف دارای بخش اقتصادی) منتشر می سازند، مفید خواهد یافت. این وظیفه ساده الزامی است، که فقط چند دقیقه از وقت هفتگی شما را خواهد گرفت. چارت میله ای خوب است ولی می تواند بدلیل اعلام نوساناتی که نزدیک زمان تعویض هر میله (ترجمه: کندل) انجام می گیرند و در داخل میله ها قرار ندارند گمراه کننده می باشند. شکل ترسیم شده حقیقی می بایست تمام اطلاعات را نمایش دهد. آن چه تصاویر باز شدن (opening) و تئوری روزانه (ترجمه: دو نوع چارت در حال انتشار) برای میانگین DJIA به طور آماری اختراع گردیده بازتاب کننده دقیق لحظه ای نمی باشد. بترتیب این تصاویر یک جمع از قیمت های باز شدن (opening) را ارائه می کند که می تواند رخداد زمان های متفاوتی را ارائه کرده، و High ها و Low های روزانه، در داخل خود رخدادهای بسیار زیاد روزانه را پنهان می سازد. بهترین شیوه دسته بندی امواج در حقیقت تعیین روند قیمتی بازار سهام است. این عمل تا زمانی که شمارش امواج شفاف است آسان است، مواردی چون حرکت های سریع، هیجان بازار، بخصوص در موج های عکس العمل، وقتی که حرکت های کوچک بکلی با رفتاری پیچیده ظاهر می شوند. در این موارد پیچیده لازم است همه زیر موج ها در چارت های کوتاه مدت مشاهده گردد. به هر حال در بی حالی یا کم تلاطمی بازار بخصوص در اصلاح ها، بیشتر احتمال دارد ساختارهای موج پیچیده و آهسته تولید گردند. در این گونه موارد چارت های بلند مدت تر اغلب موثرتر و متراکم تر فعالیت ها را نمایش داده و توضیح بهتری از روند تشکیل الگو، ارائه می کنند.

با یک مطالعه مناسب از اصل امواج، زمان های بازار Side Way قابل پیش بینی است. (برای مثال، برای موج چهارم وقتی که موج ۲ یک زیگزاگ است) درست وقتی که پیش بینی نمودید، به هر حال پیچیدگی و بی حالی دو موردی است که تحلیلگران را ناامید می سازد. با وجود این، باید پذیرفت که این ها بخشی از حقیقت بازار هستند. بزرگان تاکید بسیاری دارند که در طول مدت چنین دورانی شما گاهی اوقات می توانید از بازار استفاده برده و ثمر سخت کوشی خود

را بگیرید. شما می‌توانید آزر و کنید که بازار همیشه فعال باشد اما عملی نیست پس وقتی که بازار استراحت می‌کند، شما هم استراحت کنید.

متد درست برای پی‌گیری بازار سهام استفاده از چارت‌های نیمه لگاریتمی می‌باشد. از این رو داستان بازار فقط به پایه‌های درصدی وابسته می‌باشد. مهم برای سرمایه‌گذار، درصد سود یا زیان است نه عددهای نقاط حرکت در بازار، بعنوان مثال در بازار DJIA، ده پوینت تا ۵۰۰۰ پوینت اختلاف زیادی با دوره درصدی تقویت از ۳۰۰ پوینت تا ۶۰۰۰ پوینت ندارد. بنابراین اصول کانالیزه کردن، بخوبی با میزان حساسی برای موج‌های دوره کوتاه‌تر پذیرفته شده است.

۶-۲- اصول کانالیزه کردن

ایبوت ملاحظه کرد که بطور نمونه کانال‌های روند موازی در مرزهای بالایی و پایینی از امواج عکس‌العمل، اغلب با دقت عجیبی همراه است. تحلیلگران می‌بایست آن‌ها را بعنوان پیش‌بردن و کمک در تعیین مقصدهای موج و تهیه معیار در توسعه بعدی از پیشرفت روندها، ترسیم نمایند.

اولین تکنیک کانالیزه کردن برای یک عکس‌العمل باید نقاط مراجعه آخرین ۳ موج را تعیین نمود. وقتی که موج سه پایان یافت نقاط ۱ و ۳ را به یکدیگر متصل می‌کنیم و سپس یک خط موازی که نقطه ۲ را لمس نماید همانند شکل ۶-۱ رسم می‌کنیم، این ساختار یک تخمین یا ارزیابی برای موج ۴ تولید می‌کند. (در بیشتر موارد سه موج به اندازه کافی از نقطه شروع خود دور می‌گردند و در پایان نقاط پایانی را لمس می‌کنند)

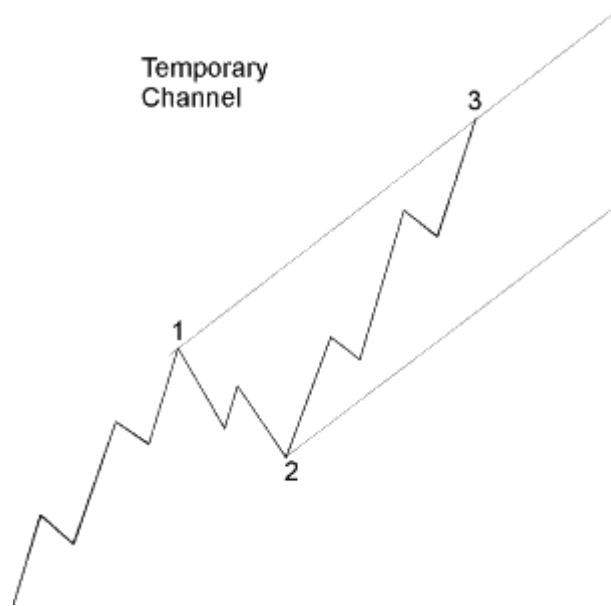


Fig 6-1

اگر پایان موج ۴ خط موازی را لمس نکند شما باید کانال را برای تخمین حدود موج پنجم بازسازی کنید. نخست انتهای موج‌های ۲ و ۴ را به یکدیگر متصل کنید، اگر موج‌های اول و سوم عادی باشند خط موازی بالایی که از انتهای موج سوم کشیده شده است دقت بیشتری در پیش‌بینی پایان موج پنجم خواهد داشت. اگر موج سوم غیر عادی قوی باشد بطوری که تقریباً عمودی باشد کشیدن خط موازی از انتهای آن ممکن است بسیار بالا قرار گیرد، تجربه نشان داده است که خط موازی که از انتهای موج اول کشیده می‌شود در این موارد بیشتر مفید است، چنان که در تصویری از صعود قیمت شمش طلا از اگوست ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۷ می‌بینید. (تصویر ۳-۶ را ببینید) در برخی موارد، ممکن است خطوط دو نقطه از درجه بالاتر را ترسیم کنید مواظب باشید که شما شماره موج‌ها و مشخصه Volume این Levelها و رفتار مناسب را برای شماره موج کنترل کنید.

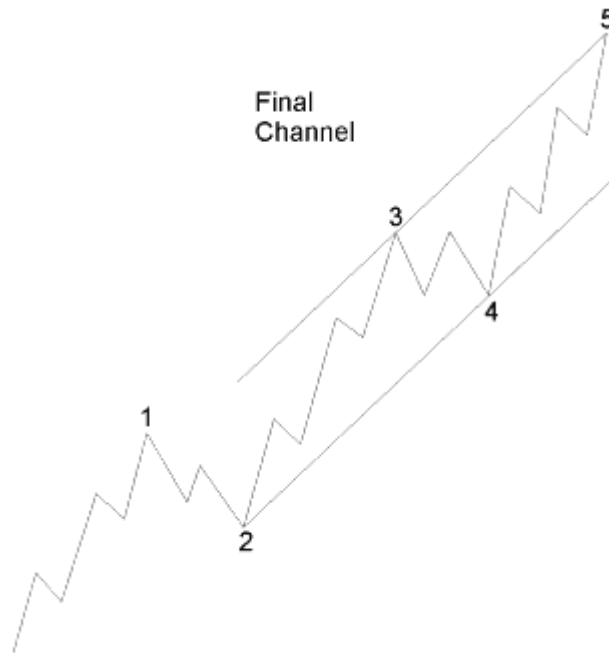


Fig 6-2

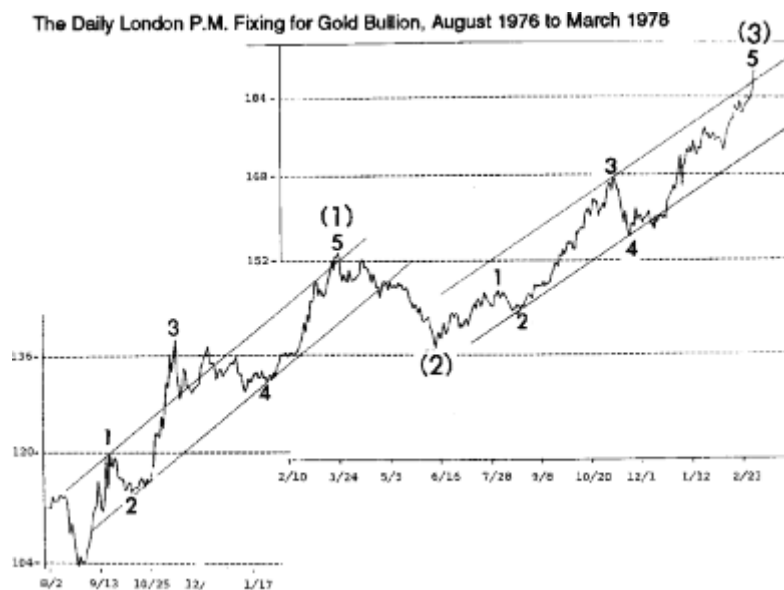


Fig 6-3

جهش رو به بالا

در کانال‌های موازی و خطوط همگرای یک مثلث قطری، اگر موج پنجم نزدیک خط بالایی با کاهش **Volume** روبرو شود نشانه آن است که در پایان موج آن را ملاقات یا نزول کوتاهی از آن خواهد داشت. (مترجم: کمی پایتتر از خط بالایی پایان می‌یابد)

اگر **Volume** در موج پنجم نزدیک خط بالایی روند افزایش یابد، این نشانه آن است که امکان عبور از خط بالایی وجود دارد که الیوت آن را جهش رو به بالا می‌خواند.

نزدیک نقطه جهش رو به بالا، یک موج چهارم از درجه کوچکتر ممکن است، روند **Side Way** بلافاصله پس از موج پنجم را در پایان حرکت **Volume** به زیر خط موازی بشکنند. جهش‌های رو به بالا گاهی بوسیله یک جهش رو به پایین تلگرافی وقوع خود را اطلاع می‌دهند. این‌ها همانطور که در شکل ۶-۴ کتاب اصل امواج الیوت آمده، در موج ۴ یا موج ۲ از ۵ تایی‌ها، تولید می‌گردند و توسط یک برگشت بلافاصله در زیر خط تأیید می‌گردند. جهش رو به بالا همچنین با بعضی مشخصه‌ها در نزول بازار رخ می‌دهد. الیوت هشدار درستی داده بود که جهش رو به بالا از درجه بزرگتری است چون در مدت جهش رو به بالا موج‌ها از درجه کوچکتر بسختی قابل شناسایی می‌باشند، بطوری که کانال‌های درجه کوچکتر گاهی اوقات بوسیله موج پنجم در حرکت رو به بالا مختوش می‌شوند. مثال‌هایی از جهش رو به بالا به زودی در این دوره نشان داده می‌شوند، آن‌ها را می‌توانید در شکل‌های ۱۷-۱ و ۱۹-۱ نیز پیدا کنید.

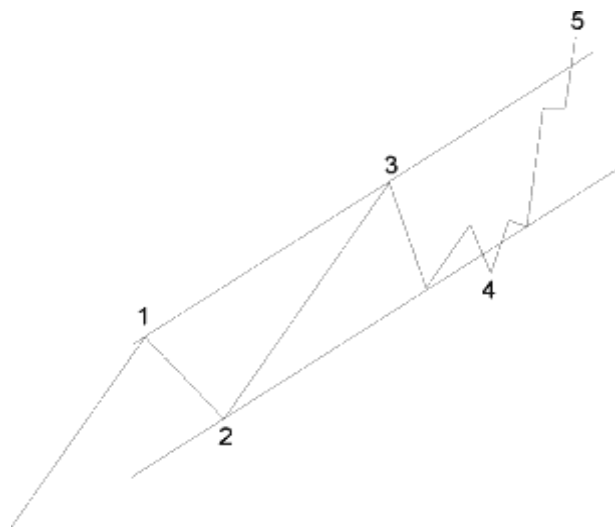


Fig 6-4

۳-۶- معیارهای بیشتر

مقیاس

درجه‌های بزرگتر، معمولاً بیشتر یک مقیاس نیمه لگاریتمی را بوجود می‌آورند. از طرف دیگر، کانال‌های کاملاً مجازی که در بازار ۱۹۲۱ - ۱۹۲۹ بر روی مقیاس نیمه لگاریتمی تشکیل گردید (شکل ۶-۷ را ببینید) و در بازار ۱۹۳۲ - ۱۹۳۷ بر روی مقیاس حسابی تولید گردیده (شکل ۶-۸ را ببینید) نشان می‌دهد که موج‌های یک درجه، کانال‌های الیوت صحیح را، فقط وقتی که طرح ریزی انتخابی روی مقیاس مناسب می‌گردند، تولید می‌نماید. بر روی مقیاس حسابی، بازار صعودی دهه بیست با سرعت از خط مرزی بالا عبور می‌کند، در صورتی که بر روی مقیاس نیمه لگاریتمی بازار صعودی دهه سی افت کمی از خط مرزی بالا دارد. گذشته از این تفاوت در کانال‌ها، این‌ها دو موج از درجه سیکل هستند که بصورت شگفت‌آوری شبیه یکدیگرند. آن‌ها تقریباً چند لایه‌های نزدیک قیمتی را می‌سازند، (بترتیب ۶ بار و ۵ بار) آن‌ها هر دو شامل ۵ موج گسترده بوده، و قله سومین موج، در هر مورد پایتتر است. تفاوت ضروری ما بین دو بازار صعودی شکل و طول زمان هر زیر موج است.

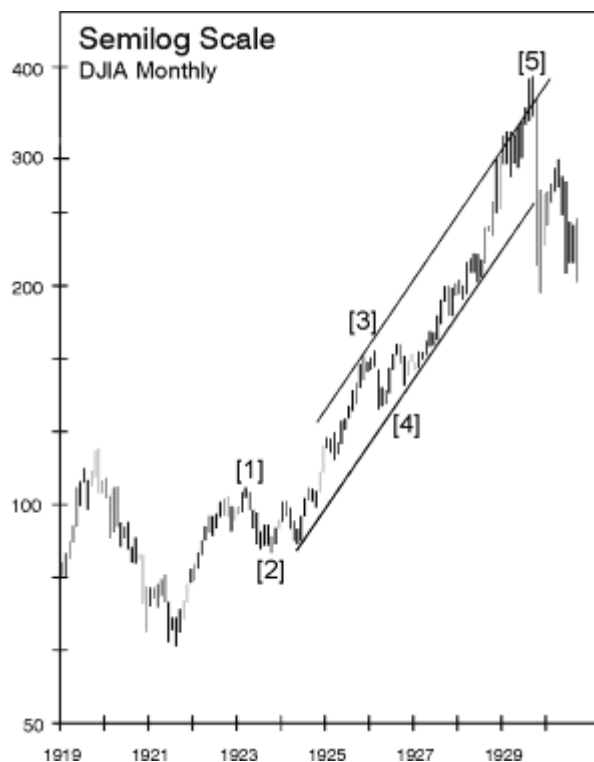


Fig 6-7



Fig 6-8

بیش از همه، ما می‌توانیم برای توضیح ضرورت مقیاس نیمه لگاریتمی اشاره به موجی کنیم که با توجه به دلایل روانشناسی حجم، در مرحله افزایش سرعت قرار گرفته است. اگر شخص بتواند کانال موج ایبوت فرضی خوبی از خاستگاه‌های نقاط اصلی روی مقیاس‌های حسابی و نیمه لگاریتمی بوسیله خطوط شیب‌دار چسبیده به امواج بکشد، یک سیگنال قیمتی قابل مشاهده و یک طول زمان مشخص، تعیین می‌گردد. بنابراین سوال از کانال‌های موازی روی مقیاس‌های حسابی و نیمه لگاریتمی چه انتظاری می‌رود؟ هنوز به صورت قطعی حل نگردیده است. اگر پیشرفت قیمت در هر نقطه نزولی مرتب در داخل خط‌های موازی در مقیاس (هر کدام از مقیاس‌ها حسابی یا نیمه لگاریتمی) نبود شما می‌توانید به منظور مشاهده کانال صحیح بر روی مقیاس دیگر بروید و در موقعیت‌های بالا یک آنالیزت پیشرو، باید از هر دو حالت استفاده نماید.

۶-۴- حجم (Volume)

ایبوت از حجم معاملات بعنوان ابزاری برای تشخیص شماره موج‌ها و در طرح‌ریزی گسترش‌ها استفاده می‌نمود. او تشخیص داد که در هر بازار صعودی، حجم معاملات (Volume) تمایل طبیعی به افزایش و کاهش متناسب با سرعت تغییر قیمت دارد و در حالت اصلاحی، یک کاهش در حجم اغلب نشان‌دهنده کاهش فشار معاملات می‌باشد. اغلب کاهش

حجم معاملات همزمان با یک نقطه دو راهی در بازار شکل می‌گیرد. معمولاً در موج‌های پنجم از درجه کوچکتر، حجم معاملات مایل است که کمتر از موج‌های سوم باشد. اگر حجم معاملات در یک پیشروی موج پنجم از درجه کوچکتر مساوی یا بزرگتر از آن است که در موج سوم بوده، یک گسترش در موج پنجم رخ داده است که این نتیجه اغلب انتظار می‌رود. در هر صورت اگر اولین و سومین موج از نظر طول مساوی هستند، این مساله هشدار جدی از زمان‌های نادری است که موج سوم و پنجم هر دو گسترش می‌باشند. در یک درجه اصلی و بزرگتر، حجم در پیشروی موج پنجم، فقط بدلیل طول مدت طبیعی رشد در تعداد شرکت کننده در بازار صعودی، گرایش به افزایش دارد. نکته مورد نظر الیوت در حقیقت این است که، حجم معاملات در نقطه پایانی از بازار صعودی، بالاتر از درجه اصلی تمایل به حرکت افزایشی در تمام مدت است. در پایان، بطوری که به زودی بحث خواهد شد، حجم معاملات اغلب بطور خلاصه تثبیت‌هایی را در نقطه‌های جهش رو به بالا در قله موج پنجم، انجام می‌دهد، چه در یک خط کانال روند یا پایان یک مثلث قطری باشد. (به مجرد فرصت مناسب، این گونه نقاط می‌توانند بطور همزمان اتفاق بیافتند، بطوری که وقتی یک مثلث قطری موج پنجم، درست بالای خط موازی از کانال پایان می‌یابد شامل حرکت قیمت از یک درجه بزرگتر باشد) بعلاوه این چند نکته قابل توجه است، ما تفسیرهای دیگری از حجم معاملات را در جاهای مختلف این دوره ارائه خواهیم نمود.

نگاه درست

رویهم رفته پیدایش یک موج باید توسط توضیحات داده شده تأیید گردد. اگر چه هر ۵ موج متوالی می‌تواند در یک سه موج که اولین زیر موج آن موج A باشد، عنوان‌بندی گردد، (تصویر ۶-۹) اما انجام این کار اشتباه است. اگر در سیستم الیوت چنین تغییراتی مجاز بود بسیار آسیب پذیر می‌گردید. اگر یک موج ۳ بلند با یک موج ۴ در بالای موج ۱ پایان یابد، باید در ۵ موج متوالی رده‌بندی گردد. نظر به اینکه موج A در این فرضیه شامل سه موج می‌باشد، موج B می‌باید نزولی در حدود شروع موج A، همانطور که در اصلاح مطرح است، داشته باشد که واضح است این اتفاق نیافتاده است. هنگامی که شمارش داخل یک موج معیار رده‌بندی آن است، شکل کلی درست، اغلب بهترین معیار برای شمارش داخلی صحیح می‌باشد.

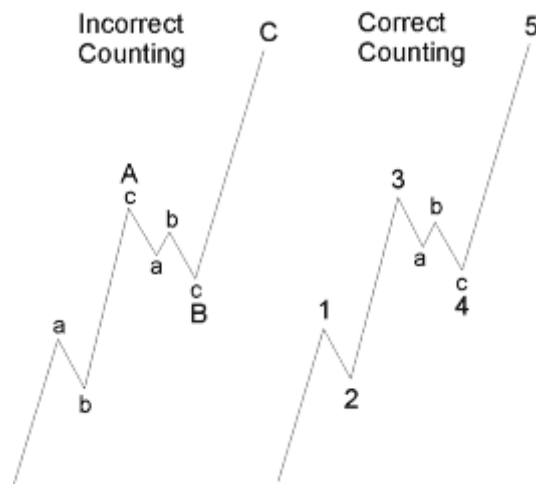


Fig 6-9

نگاه درست به یک موج بوسیله تمامی ملاحظات دیکته می‌شود، ما زمینه دور آن را در بخش اولیه داشتیم. هرگاه کار آزموده شدیم، این اجازه خیلی خطرناک را خواهیم داشت که، درگیری حساسی را با بازار، برای اجازه پذیرفتن شمارش امواجی که بازتاب غیر متجانس موج ارتباطی، یا در اساس فقط الگوهای ناقص که الگوهای اصل امواج را مختصری کشیده‌اند، داشته باشیم.

درس هفتم

۱-۷- اخلاق موج

ایده اخلاق موج یک گسترش قابل توجه از اصل امواج است. و بیشترین سود آن در فرموله سازی رفتار انسانها است که از تخصص تحلیل استاندارد نیز مهمتر است.

اخلاق هر موج در تسلسل ایوت یک جزء جدا نشدنی است که بر انعکاس روانشناسی جمعی دلالت می کند. این تغییر حس توده مردم از بدبینی تا خوش بینی است و تمایل به یک عقب نشینی در شبه مسیری و یا ادامه دادن در زمانی دیگر که تولید نقاط و وضعیت های شبیه و قرینه در ساختار موج می نماید. اخلاق در هر نوع موج، حتی در درجه های سوپر سیکل و subminuette وجود دارد که این خصوصیت ها نه تنها تحلیلگر را از پیش بینی غلط بر حذر می دارد بلکه او را در تعیین محل حضور بعدی موج یاری می رساند که در شمارش های دیگر نامعلوم بوده یا باعث تفسیر غلط می گردیده است. این موضوع آن گاه که بعضی امواج قابل شناسائی نیستند یا طبق قوانین ایوت به چند گونه قابل شماره گذاری هستند بسیار با ارزش می باشد. همان گونه که در شکل ۱-۷ و ۲-۷ آمده است اگر تحلیلگر مشخصه یک موج تنها را تشخیص بدهد اغلب او می تواند نمونه های پیچیده بسیاری را تعبیر و تفسیر نماید.

Idealized Elliott Wave Progression

© 1980 Robert R. Prechter, Jr.

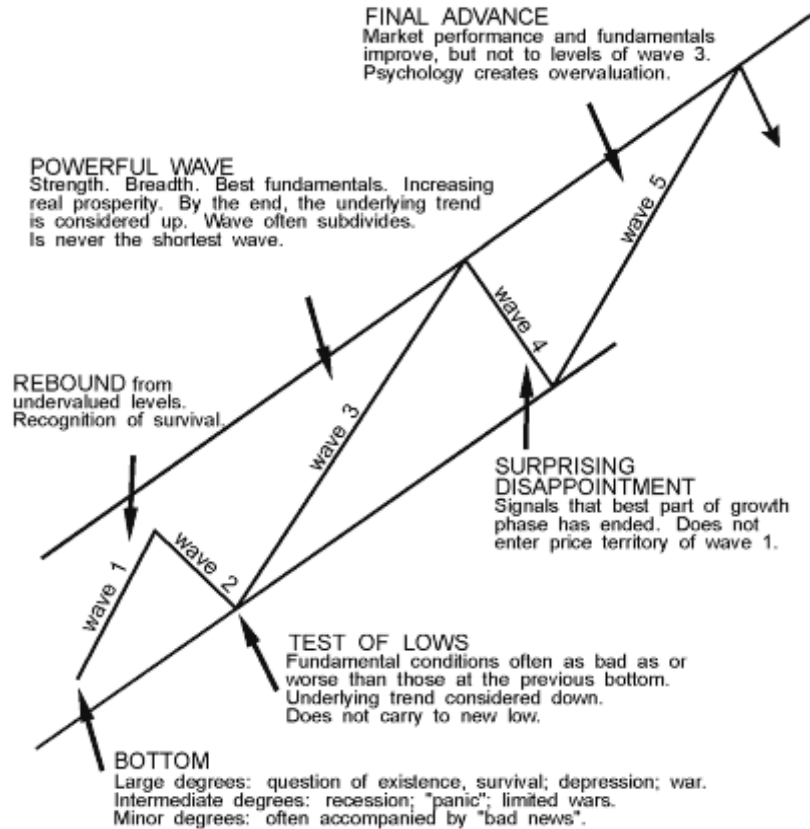


Fig 7-1

۲-۷- اخلاق موج

موج‌های اول - بعنوان دید کلی، راجع به نیمه اول موج‌های شماره یک می‌توان گفت که آن‌ها بنیان موج بوده و بسختی توسط موج ۲ اصلاح می‌گردند. در مقایسه با کاهش روند در اصلاح قبلی این موج روند را تجدید سازمان می‌کند و اولین موج از نظر تکنیکی برجسته‌تر بوده و افزایشی را در حجم و طول خواهد داشت. بحد کافی Sell وجود خواهد داشت تا بازار را مجبور به اصلاح کرده و معامله‌گران از معاملات خود سود دریافت کنند و بنوعی دیگر می‌توان گفت که ۵۰٪ موج‌های اول پایه قیمتی بازار نسبت به پایه اصلاح قبلی بسمت بالا حرکت می‌دهند. چنان که در ۱۹۴۹ یک واماندگی در نزول و در سال ۱۹۶۲ یک فشردگی در

آن می‌بینیم، در هر دو سال ۱۹۶۲ و ۱۹۷۴ نیز تکرار شده است. در تمام این شروع‌ها موج‌های اول پر حرکت بوده و فقط کمی تعدیل گریده‌اند.

موج‌های دوم- اغلب موج‌های دوم زمانی بیش از زمان پیشرفت موج اول برای تصحیح خود نیاز خواهند داشت. این بویژه برای زمان‌های خرید خوب است بطوری که در طول افول موج دوم تضمینی را ایجاد می‌کند. در این نقطه معامله‌گران کاملاً متقاعد می‌شوند که بازار نزولی برخوردار گشت. موج‌های دوم، موقعی که حجم پایین و بی‌ثباتی، یک کاهش در فشار نزولی را نشان می‌دهد، اغلب نقاط فروش تئوری Dow و نقاط فروش تأیید نشده‌ای را تولید می‌کنند.

موج‌های سوم- موج‌های سوم در نگاه اول بسیار عجیب هستند، آن‌ها قوی و وسیع بوده و حرکت در آن غیر قابل تردید است. بطور قطع، فاندامنتال‌های مطلوب بصورت اعتماد برانگیزی ظاهر می‌شوند. معمولاً موج‌های سوم بیشترین حجم و بزرگترین حرکت‌ها را تولید می‌کنند و اغلب یک موج گسترش یافته می‌باشند. و این بدیهی است که در موج سوم از سه موج بی‌ثبات‌ترین نقطه مقاومت از سری موج‌ها خواهد بود، چنین نقاطی همیشه تولید کننده شکست‌ها، شکاف‌ها، گسترش‌ها حجم و پهنای استثنائی، با تأیید روند حرکت قیمت توسط تئوری Dow می‌باشند. این‌ها بسته به درجه موج، معاملات سودآور ساعتی، روزانه، هفته‌ای، ماهیانه، سالانه را در بازار تولید می‌کنند. بصورت مجازی می‌توان گفت تمام حرکت بازار در موج سوم اتفاق می‌افتد، علاوه بر اخلاق موج‌های b از سه موج ارزشمندترین سرنخ‌ها را در شمارش موج بدست می‌دهند بطوری که بسیار واضح هستند.

موج‌های چهارم- موج‌های چهارم از نظر عمق و فرم قابل پیش‌بینی هستند (در درس ۱۱ می‌بینیم). زیرا در حرکت توسط موج دوم قبلی محدود می‌شوند، اغلب حرکت SideWay ندارند و پایه حرکت موج پنجم را تولید می‌کنند. روند سهام ماکزیمی را ساخته و روند نزولی را آغاز می‌کند تا وقتی که مقاومت قبلی یک حرکت از موج سوم را ساخته است، این نزول اولیه در بازار مرحله‌ای از عدم تأیید و علائم ظریف ضعف در موج پنجم را تولید می‌کند.

موج‌های پنجم - همیشه موج‌های پنجم در بازار کمتر از موج‌های سوم پویا بوده و عرض کمتری دارند، معمولاً آن‌ها آهسته‌تر از حداکثر سرعت تغییرات قیمت را نشان می‌دهند. گرچه، اگر موج پنجم یک گسترش باشد، سرعت تغییرات قیمت در موج سوم از پنج موج گسترش، می‌تواند از موج سوم فراتر برود. بطور مشابه، برای حجم موج‌های اصلاحی متوالی، از درجه سیکل یا بزرگتر، اگر موج پنجم یک گسترش باشد معمولاً در درجات کوچکتر از درجه Primary افزایش حجم اتفاق می‌افتد.

به بیان دیگر، کاهش حجم بعنوان یک قانون در موج پنجم نسبت به موج سوم، مورد توجه قرار می‌گیرد.

بعضی اوقات تازه‌کاران بازار انتهای یک روند بلند را **Blowoffs** می‌گویند. (ترجمه: انفجار) اما هیچ سابقه‌ای در بازار سهام از یک شتاب بالا در اوج قیمت وجود ندارد. حتی اگر یک موج پنجم گسترش یافته باشد، موج پنجم گسترش از موج پنجم، نیز فاقد چنین شتابی خواهد بود. در طی پیشرفت موج‌های پنجم، ساخت یک ماکزیمم خوش‌بینانه خواهد بود و با وجود یک محدودیت در طول حرکت نمایان خواهد شد.

هرگز، حرکت بازار محدوده قبلی را اصلاح نمی‌کند. برای مثال حرکت بازار Dow در پایان سال ۱۹۷۶ غیر منتظره بود. اما آن موقع با اینکه یک موج حرکت توسط یک اصلاح در آوریل، ژولای و سپتامبر اصلاح گردید، غیر منتظره قلمداد شد. که بدلیل تضاد، کمترین نفوذ را روی شاخص‌های ثانویه و خط کلی داشت (مترجم: در بازار سهام هر سهم بجز بررسی خود سهم در بین هم گروه‌های خود و زیر گروه‌های خود نیز بررسی می‌شود).

بعنوان مثال از بررسی‌های مفید موج پنجم می‌توان گفت، موج‌های پنجم می‌توانند سرویس پیش‌بینی بازار را تا دو هفته ارائه نمایند بدون آن که کمترین درصد کاهش را داشته باشند. از سوابق ثبت شده تنها ۴,۵٪ از موج‌های پنجم حداکثر پیش‌بینی را نساخته‌اند.

۳-۷- ایده‌ال اخلاق موج

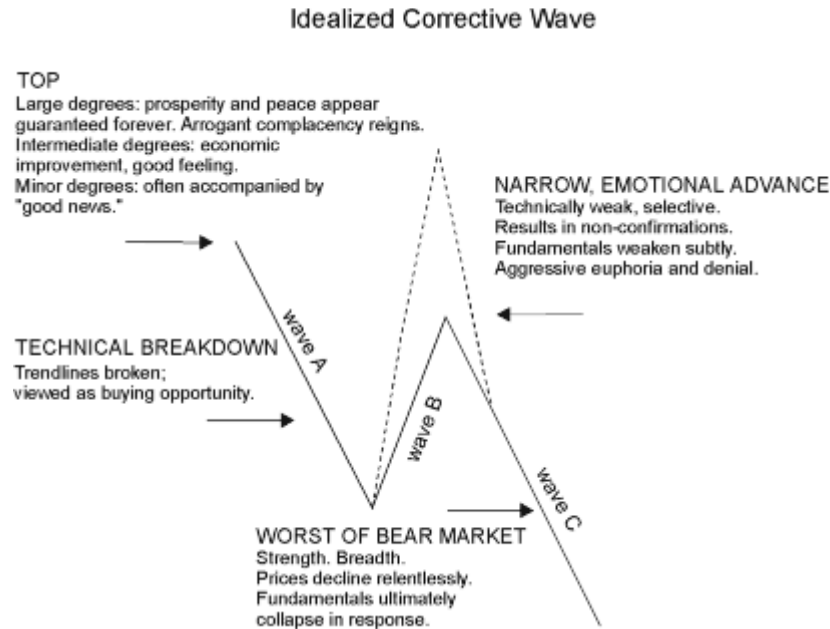


Fig 7-2

موج‌های A- عموماً در طی موج‌های A بازارهای نزولی، جهان سرمایه‌گذاری متقاعد شده است، که عموماً موج‌های بلند خرید با وجود تقدم حقیقی تکنیکالی شکست‌هایی با الگوهای مخصوص به خود را تولید می‌کنند. موج A همین زمینه را تولید کرده که بوسیله موج B پی‌گیری می‌گردد.

یک پنج موج A علامت یک زیگزاگ برای موج B است، و یک سه موج A نشان‌دهنده یک مسطح یا مثلث برای موج B می‌باشد.

موج‌های B- موج‌های B غیر موثق هستند. آن‌ها بازی‌های ابلحانه و ... هستند که می‌توانند توانایی ذهنی شما را بدام بیندازند، آن‌ها اغلب شما را در یک بازار ضعیف گیر می‌اندازند و تأیید نمی‌گردند (مترجم: توسط تئوری Dow در درس ۲۸ گفته خواهد شد) از نظر تکنیکال ندرتا قوی بوده و سرانجام به اصلاح توسط موج C محکوم می‌شوند.

اگر تحلیلگر به آسانی به خود بگوید در این موج فقط بعضی اشکالات وجود دارد، موج B برای او فقط یک قمار محسوب می‌شود. موج‌های X و D در مثلث‌های توسعه یافته، هر دو موج‌های اصلاحی بوده و همین مشخصه را دارند. همین چند مثال که در زیر آمده‌اند برای روشن شدن موضوع کافی هستند:

اصلاح رو به بالای سال ۱۹۳۰ یک موج B در بین موج‌های A-B-C سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ بود که یک زیگزاگ را می‌ساخت. بسیاری این بازار صعودی را دیده‌اند، من بیاد می‌آورم روند بازار خیلی سریع در دسامبر ۱۹۲۹ بر عکس شد و پس از آن همه در اکتبر پوزیشن فروش گرفتند. چه زمان آرامی، اما جلوتر در ژانویه و فوریه حرکت بسمت بالا (بالا تر از قبل) تعویض گردید، من وحشتزده و غرق در ضرر شده بودم من فراموش نمی‌کنم که همه بطور عادی انتظار داشتند که حتی بازار ۶۶ درصد (مترجم: در مقیاس نیمه لگاریتمی) یا بیشتر از ۱۹۲۹ نزول کند. تقریباً همه چیز یک بازار صعودی جدید اعلام می‌کرد. همه‌ی روندها فوق العاده صعودی بود و ماکزیمی بیش از ماکزیمم ۱۹۲۹ را ساخت.

صعود موج (a)-(b)-(c) یک اصلاح مسطح بود. در نقطه بالای بازار نزدیک ۱۹۶۲ سهام دارای فروش بی‌سابقه‌ای بود که تا آن زمان دیده نشده بود و تا بحال نیز دیده نشده است. بالاترین تجمع قبل از آن در سه موج ۱۹۵۹ دیده شده بود.

صعود از ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۸ در موج B در یک الگوی اصلاحی از درجه Cycle بود احساسات عمومی به ارزان بودن آن جمع شده بود و قیمت آن‌ها بصورت بالا رفتن موشک بی‌قاعده بالا می‌رفت. آن‌ها اساساً در اصل امواج بعد از موج‌های اول و سوم بودند. سهام صنعت Dow بصورت بی‌قاعده‌ای در بالا رفتن تلاش می‌نمود و سرانجام ماکزیمم‌های جدیدی را در شاخص‌های ثانویه نتوانست تولید نماید (مترجم: هر سهام بصورت خود سهم، در گروه و در زیر شاخص‌ها یا زیر مجموعه‌های خود بررسی می‌شود).

در ۱۹۷۷ میانگین‌ترابری (مترجم: یکی از سهام‌های امریکا) بالا رفت و یک ماکزیمم را در یک موج B تولید نمود، اما متأسفانه این مورد توسط تئوری Dow تائید نمی‌گردد: خطوط هوایی و زمینی (مترجم: یکی از سهام‌های امریکا) به کندی عمل می‌نمود تنها ریل‌های حمل و نقل زغال سنگ بعنوان بخشی از عملکرد انرژی بود. بدین سان تحرک شاخص بسیار ضعیف می‌نمود، عموماً تحرک خوب یک موج عکس‌العمل، اصلاحی نبودن موج را تائید می‌نماید.

چنانکه معمولا مشاهدات نشان می‌دهد، موج‌های B از درجه میانی یا پایین‌تر یک کاهش حجم نسبت به موج‌های B از درجه Primery را نشان می‌دهند که می‌تواند بازار را صعودی نموده و معمولا نشان دهنده مشارکت گسترده عمومی می‌باشد.

موج‌های C- معمولا موج‌های C تعدیل کننده هستند، آن‌ها سومین موج بوده و بیشتر خاصیت موج‌های سوم را دارند. آن‌ها مدت زمان کاهشی هستند و هیچ قانون پنهانی در خود ندارند. برداشت‌های اشتباه در موج‌های A و B ترس آور می‌باشند، اما موج‌های C وسیع و سمج هستند. برای مثال ۱۹۳۰-۱۹۳۲ و ۱۹۶۲ موج‌های C بودند.

۱۹۶۹-۱۹۷۰ و ۱۹۷۳-۱۹۷۴ را می‌توان بعنوان موج‌های C رده‌بندی نمود. موج‌های C در اصلاح‌های رو به بالا در یک بازار نزولی بزرگ، تنها یک پویایی است و می‌تواند با شروع یک موج رو به بالا اشتباه گردد، بخصوص زمانی که در یک پنج موج اتفاق می‌افتد. برای نمونه در اکتبر ۱۹۷۳ یک موج C از یک اصلاح گسترده معکوس شده بود. (شکل ۴-۵ را ببینید).

موج‌های D- اغلب موج‌های D در مثلث‌های گسترده با یک افزایش حجم همراه هستند. این‌ها بنظر درست می‌رسد چون موج‌های D در مثلث‌های گسترده دورگه هستند و بخشی از اصلاح بوده و بخشی از خصوصیات موج‌های اول را دارا هستند. موج‌های D در ادامه موج‌های C بوده ولی کاملا آن‌ها را پیروی نمی‌کنند. موج‌های D در مدت پیشرفت موج‌های اصلاح، همچون موج‌های B گمراه کننده می‌باشند. صعود از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ موج D در یک موج بزرگ IV از درجه Cycle می‌باشد. یک پیش‌بینی خوب آن است که منعکس کننده نظر تمام سرمایه‌گذاران باشد و در بسیاری از موارد تنها ۵۰٪ موفق بوده و بقیه جا می‌مانند. همچنین یک مثال واقعی سهام ترابری در سال ۱۹۷۲ خیلی زود به اوج خود رسید اما ۵۰٪ معامله‌گران این ماکزیمم چند گانه را نپذیرفتند. و یا واشنگتن در توهم برای رفاه خیالی قبل از انتخابات ایجاد تورم نمود بدین گونه این یک توصیف مناسب برای ایجاد یک موج B بود.

موج‌های E- موج‌های E در مثلث‌ها ظاهر می‌شوند و بیشتر پیرو بازار می‌باشند بدون آن‌که تخطی کرده و یک روند نزولی را پس از یک روند صعودی تولید نمایند. همیشه آن‌ها تقریبا

توسط اخبار قویا همراهی می‌شوند، که در تلفیق با گرایش موج‌های E یک شکست کاذب در مرزهای مثلث ایجاد نموده و باعث می‌شوند نزول بازار در آن لحظه تشدید شود که آن‌ها برای حرکت قابل توجه در جهت مخالف آماده می‌گردند. بدین گونه، موج‌های E پایان دهنده موج‌ها بوده (مترجم: در مثلث‌ها) و از نظر رفتار شبیه موج‌های پنجم می‌باشند.

۷-۴- تمایل‌های موج

بحث در خصوص گرایش موج‌ها (مترجم: تمایل موج‌ها) در اینجا اجتناب ناپذیر است. اگر چه آن‌ها راهنمایی کننده هستند اما قانون نیستند. الزامی نبودنشان هرگز از استفاده آن‌ها نمی‌کاهد. برای مثال شکل ۷-۳ را ببینید. نمودار ساعتی، چهار موج اول از درجه Minor را در حرکت DJIA در پایان مارس ۱۹۷۸ نشان می‌دهد.

روند درسی موج‌های الیوت از شروع به پایان بترتیب زیر می‌باشد: طول موج‌ها، الگوهای حجم (نشان داده نشده)، کانال‌های روند، شباهت‌ها و معیارها، ادامه موج‌ها توسط گسترش‌ها و قوانین پیش‌بینی

برای شمارش داخلی کامل موج‌های چهارم از سری اعداد فیبوناچی که بر روی زمان رسم می‌شود، استفاده کردیم. (مترجم: در بحث بعدی فیبونا، فیبویهای زمان کاملاً توضیح داده خواهند شد، ولی مختصر آن که فیبوی زمانی، زمان رسیدن بازار را پیش‌بینی می‌کند.) رابطه‌های فیبوناچی یک هدف معقول با ۹۱٪ ممکن را با یک کاهش ۰/۶۱۸٪ از ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ علامت گذاری نمودیم.



Fig 7-3

این چند استثناء از معیارها را می‌آوریم، که بدون آن‌ها علم بازار بسیار دقیق و بدون احتمال می‌بود. با آن که شما دانش معیارهای الیوت ویو در ساختارهای موج را می‌گذرانید، می‌توانید از شمارش موج‌هایتان مطمئن گردید. در حقیقت شما می‌توانید عملکرد بازار را به همان نسبت دقیقی که بتوانید شمارش موج‌ها را تأیید کنید بوسیله شمارش امواج پیش‌بینی کنید. همچنان معیارهای الیوت ویو جنبه‌های بسیار زیادی از تحلیل سنتی بازار را همچون **momentum** (مترجم: شتاب‌های بازار) و یا احساسات معامله‌گران را تأیید می‌نماید. در نتیجه اکنون تحلیل تخصصی سنتی افزایش یافته است و کمک می‌کند حرکات بازار را در ساختار الیوت ویو دقیق‌تر ببینید. در پایان استفاده از این ابزارها توصیه می‌گردد.

۷-۵- آشنایی با پایه‌ها

با آن چه در درس‌های ۱ تا ۱۵ آمده یک دانشجوی فعال و پی‌گیر می‌تواند تحلیل الیوت ویو را ماهرانه انجام دهد و آنهایی که از مطالعه دقیق غفلت می‌کنند و هر کسی که قبل از تلاش بخواهد چنین ابزار دقیقی را داشته باشد بهتر است منصرف شود.

بهترین روش یادگیری مطالعه بر روی چارت یک ساعته بوده و آن که سعی کنید تمامی الگوهای الیوت ویو را در ذهن داشته و وقایع را پیش‌بینی کنید. رفته رفته مقیاس‌ها به ذهن و چشم شما آشنا شده و در ادامه شما از آن چه در چارت می‌بینید (مترجم: پیش‌بینی‌هایتان) حیرت خواهید نمود. (مترجم: می‌توانید بر روی چارت با کلید F12 حرکت و الگوها، معیارها و یا پیش‌بینی‌های گفته شده را بر روی چارت تعقیب کنید، نگران نباشید بسیار سریع چشمانتان آشنا می‌شود.

بخاطر داشته باشید این نکته مهم است که تاکتیک معامله‌گران باید با شمارش صحیح امواج همراه باشد. داشتن علم احتمالات گوناگون می‌تواند گزینه فوق‌العاده مفید در پیش‌بینی حوادث باشد. آن‌ها را سریعاً در نظر گرفته و چهارچوب بازار را با آن تطبیق دهید. حال آن که استحکام‌های قوانین و اطلاعات امواج از ارزش زیادی در نقطه ورود و خروج بازار دارا هستند. اگر با انعطاف‌پذیری در پذیرفتن الگوها بخواهیم بازار فریاد بزند حالا چه کاری انجام می‌دهد، غیر ممکن است.

موقعی که شما ناممکن‌ها را حذف کنید هر چه باقی می‌ماند هر چند نامحتمل بنظر برسد باید حقیقت داشته باشد.

همان گونه که دکتر واتسون همراه ثابت شرلوک هلمز با فصاحت کلام در ... می‌گوید. این یک جمله معجزه آسا برای کسانی است که با الیوت کار می‌کنند. بهترین شیوه استدلال قیاسی است. بوسیله شناختن آن چه قوانین الیوت اجازه نمی‌دهند، شخص می‌تواند استنتاج کند آن چه مانده محتمل‌ترین چیزها برای اتفاقات بازار است. با تأیید تمامی قوانین بسط‌ها، تناوب‌ها، کانال‌های تودرتو، حجم‌ها و بقیه چیزها، آنالیز یک انبوه هولناک از امکان‌ها را در نگاه اول پیش رو خواهید دید. متأسفانه زیادی شیوه‌ها، کارها و ندرتا اعلام یک سیگنال اجتناب ناپذیر است. به هر حال، در این نوع تفکر، اساساً شیوه حذف بهترین شیوه در الیوت بوده و بعنوان یک اساس پیشنهاد می‌گردد. البته این کار تفریح می‌باشد.

بطوری که در شکل ۷-۴ یک مثال از چنین قیاسی را می‌بینید، آن را دوباره‌سازی کنید: (مترجم: همین کار را روی چارت دوباره سازی نموده و تمرین کنید).



Fig 7-4

فعالیت قیمت از نوامبر ۱۹۷۶ شروع شد. بدون برچسب موج‌ها و خطوط مرزی بازار هیچ فرمی ندارد اما با اصل امواج بعنوان راهنما، معنی ساختار روشن می‌شود. حال از خود بپرسید، چگونه ممکن است حرکت بعدی را پیش‌بینی کنیم؟ اکنون تحلیل روبرت پرکتر در آن زمان را که خلاصه یک گزارش از یک نامه پیش‌بینی شخصی برای مری لینچ است را می‌بینیم. شما عقیده فعلی مرا در خط روند نمودار ضمیمه پیدا خواهید کرد، اگر چه من از یک چارت ساعتی برای دریافت این نتایج استفاده کرده‌ام. من معتقدم سومین موج اصلی در اکتبر ۱۹۷۵

شروع خواهد شد، اگر چه هنوز این دوره کامل نشده است و پنجمین موج از درجه متوسط از درجه اصلی در حال حاضر در حال تشکیل است. اول و مهمترین آن که من معتقدم که از اکتبر ۱۹۷۵ تا مارس ۱۹۷۶ برای سه موج خیلی زیاد است، ولی برای پنج موج نه. و فقط امکان یک شکست در ۱۱ مه **May** می تواند یک پنج موج را کامل کند. به هر حال ساخت ادامه یک امکان شکست مرا راضی نمی کند تا زمانی که اولین حرکت رو به پایین به ۹۵۶/۴۵ برسد یک پنج موج خواهد بود و ساختن نزول بعدی آشکارا آن را یک مسطح می سازد. بنابراین من فکر می کنم که ما از ۲۴ مارس در یک موج اصلاح چهارم بوده ایم. این موج اصلاحی کاملا الزامات را برای تشکیل یک مثلث توسعه یافته آماده می کند که فقط در موج های چهارم می تواند باشد. این مسئله بطور عجیبی دقیق است، هدف نزولی توسط ضرب کاهشی (۲۴ مارس تا ۷ ژوئن) ۵۵/۵۱ در ۱/۶۱۸ در نقطه ۸۹/۸۲ بدست آمده است.

نقطه ۸۹/۸۲ از درست بالا در سومین موج **Intermediate** در ۱۰۱۱/۹۶ بدست آمده و نقطه پایین از ۹۲۲ در هفته گذشته اتفاق افتاده بود (پایین واقعی ۹۲۰/۶۲) در ۱۱ نوامبر بدست آمد. حال حدس می زنم که موج پنجم از درجه میانی برگشت به بالای جدید خواهد نمود و موج سوم **Primary** را کامل می نماید. تنها مسئله ای که من در این تغییرات الیوت می بینم، در پیشنهاد های الیوت، موج چهارم کاهشی در بالای موج چهارم قبلی از درجه کوچکتر وجود خواهد داشت، در این صورت ۹۵۰/۵۷ در ۱۷ مه فوریه که دوره رو به پایین شکسته خواهد شد. من به هر حال یافتن که این حکم ثابت نیست. شکل گیری یک مثلث برگشتی متقارن توسط یک جریان نزدیک پهنای گسترده ترین قسمت مثلث، ادامه داده خواهد شد. چنانچه یک حرکت بتواند که از ۱۰۲۰-۱۰۳۰ عبور کرده و پایین بیاید مقصد خط روند بعدی در ۱۰۹۰-۱۱۰۰ خواهد بود. همچنین، در مدت موج های سوم، اول و پنجمین زیر موج گرایش دارند از نظر زمان و بزرگی همانند باشند.

پس از موج اول (اکتبر تا دسامبر ۱۹۷۵) یک حرکت ۱۰٪ در طی دو ماه انجام گرفت، این پنجمین موج حدود ۱۰۰ پوینت را (۱۰۲۰-۱۰۳۰) پوشش داده و در نقطه بالای ژانویه ۱۹۷۷ یک روند نزول در بازار شروع گردید.

اکنون که موضوع روشن شد بقیه چارت را ببینید و دقت کنید چگونه این معیارها در تخمین زدن مسیر احتمالی بازار کمک می کنند.

یکبار کریستوفر مارلی گفت: رقص یک آموزش عالی برای دختران است. این اولین راهی است که آن‌ها یاد بگیرند حدس بزنند یک مرد چه می‌خواهد انجام بدهد، قبل از آن که او انجام بدهد. به همان گونه اصل امواج تحلیلیگر را آموزش می‌دهد که مسیر احتمالی بازار را قبل از آن که بازار انجام دهد، تشخیص بدهد.

پس از این شما یک آموزش الیوت را خواهید داشت. این همیشه با شماست، درست مانند یک بچه‌ای که می‌آموزد یک دوچرخه را براند و هرگز فراموش نخواهد کرد. همچنین در این نقطه، یک تجربه زیبا و جذاب خواهید داشت و آن خیلی سخت نخواهد بود. مهمتر آن که در شما یک احساس اعتماد ایجاد کرده و در جایی که شما در بازار هستید شما می‌دانید که الیوت می‌تواند شما را از نظر روحی برای، طبیعت متغیر اجتناب ناپذیر حرکت قیمت آماده کند و شما راحت هستید از این که شما در مورد اشتباهات تحلیل کاملاً تمرین کرده‌اید و همیشه می‌دانید برنامه ریزی امروز بازار خط مشی بسوی فرداست.

۷-۶- کاربرد عملی

اصل موج در صورتی که یک دید کلی از بازار قبل از موقع ارائه کند بی‌نظیر است. مهمترین مسئله برای اشخاص، مدیران سهام و شرکت‌های سرمایه‌گذاری آن است که اصل موج اغلب قبل از اتفاق افتادن پیشرفت یا برگشت بازار را نشان می‌دهد، هارمونی زندگی، با این روندها می‌تواند موفقیت یا شکست در امور مالی را بسازد.

به رغم این حقیقت، بسیاری از تحلیلگران بدان دقت نمی‌کنند. اصل امواج تمام آن چیزی است که مطالعه کرده‌اید یا تمام سودی است که در آن است، یک نظم در تحلیل تکنیکی است. بولتون عادت داشت بگوید که اگر اعتقادی به آن نداشته باشید، یکی از سخت‌ترین چیزهاست که او دیده است مجبور به یادگرفتن آن هستید.

اگر او اعتقاد نداشته باشد می‌بینید در تحلیل‌هایش که او بدنبال دیگری بوده است. در این لحظه شمارش او دلایل ذهنی می‌یابد، تحلیل ذهنی بسیار خطرناک بوده و هیچ ارزشی برای تحلیل بازار ندارد.

آنچه اصل امواج ارائه می‌کند، یک مفهوم عملی از تشخیص نسبی از مسیرهای آینده ممکن بازار است. معمولاً در هر زمان تعداد دو موج یا بیشتر توسط اصل امواج قابل پذیرش هستند.

قوانین، تعیین کننده تعداد مینیمم‌های قابل قبول هستند. عموماً در یک تناوب قابل قبول، آنالیز یک تغییر برتر را از معیارهای اصلی و غیره بر می‌گزیند. تحلیلگران شایسته باید قوانین و معیارهایی از اصل امواج را بطور عملی و احتمالات ممکن را برای نتایج گوناگون در زمان‌های دقیق درجه‌بندی نمایند. دسته‌بندی معمولاً می‌تواند توضیح دقیقی ارائه نماید. به هیچ وجه فرض نکنید، در هر صورت اطمینان درباره احتمال یک حرکت، همانند اطمینان به نتیجه است. در آخر شرح کلی تحلیلگر دقیقاً می‌شناسد که بازار قصد دارد چه کاری انجام دهد. شخص باید بداند و بپذیرد که حتی یک شیوه با تمام قدرت شناسائی خود گاهی اوقات خطا خواهد داشت. بدیهی است که در کل یک پرفرنس خوب آن است که رفتار بازار را بهتر از بقیه شیوه‌ها پیش‌بینی نماید.

اغلب در کاربرد الیوت، ممکن است شما پول بسازید حتی موقعی که در اشتباه هستید. بعنوان مثال، پس از یک Low غیر مهم که شما به اشتباه فکر کرده‌اید اهمیت اصلی دارد، شما ممکن است که یک سطح بالاتر در بازار را در نظر بگیرید در حالی که بازار در حرکت بسمت یک Low جدید است، حتماً یک سه موج Low غیر مهم را ادامه خواهد داد، که از الزامات سیگنال پنج نیز می‌باشد، زمانی که یک سه موج حرکت می‌کند یک افزایش اصلاحی خواهد داشت. بدین گونه، آنچه پس از تنظیم نقطه اتفاق افتاده می‌افتد اغلب کمک می‌کند که وضعیت در پایین یا بالا، خطر رفع گردد.

حتی اگر بازار خروج خوبی را ارائه نمی‌کند، اصل امواج هنوز پیشنهادها را استثنائی را دارد. بیشتر تحلیل‌های دیگر بازار، اگر فاندمنتال یا تکنیکال یا ترکیبی باشند، راه خوبی برای تغییر عقیده شما ارائه نمی‌کنند. اصل امواج برعکس، یک روش عملی ساخت یافته را برای حالت عوض شدن عقیده‌تان ارائه می‌نماید.

از زمانی که الیوت موج‌ها را بر روی الگوهای قیمت بررسی می‌نماید، مشخص می‌گردد که یک الگو پس از تکمیل ایجاد شده است یا نه. اگر بازار تغییر جهت دهد، آنالیز خود را تنظیم خواهد کرد.

اگر حرکت بازار در جهت تکمیل یک الگو نتیجه اشتباهی را به بار بیاورد و هر خطری را برای سرمایه بوجود آورد فوراً جبران می‌شود. معامله‌گران که از اصل موج استفاده می‌کنند می‌توانند خودشان را از نظر روحی آماده ساخته تا هرگونه پی‌آمدی را با یک تغییر دوم یا شمارش

متفاوت بروز نمایند زیرا اصل موج یک تمرین در احتمالات است، پشتیبانی مداوم از شمارش متناوب موج‌ها یک قسمت ضروری از سرمایه‌گذاری با آن است. اگر اسبتان شما را انداخت، توصیه می‌شود از بالای بعدی فرود بیایید.

البته، در بسیاری اوقات، با وجود یک تحلیل دقیق، ممکن است این سوال پیش بیاید که چگونه یک حرکت بزرگ شمارش می‌گردد یا ممکن است یک درجه شناسایی شود؟. که آنجا تفسیر واضح نیست، آنالیز باید صبر کند تا از شمارش خودش مطمئن شده یا به گفته دیگر مسئله خود را واضح نماید. بگونه‌ای که بولتون پیشنهاد می‌کند. تقریباً همیشه حرکت‌های بعدی از وضعیت موج‌های قبلی بوسیله موقعیت آن‌ها در الگو از یک درجه بزرگتر شناسایی می‌گردد. وقتی که موج‌های بعدی در تصویر بازار شناسایی شدند، تقریباً احتمال اینکه یک نقطه عطف و هیجان‌انگیز بتواند اتفاق بیافتد تقریباً ۱۰۰٪ است.

۷-۷- کاربرد عملی

توانایی تشخیص پیوسته به حد کافی بیادماندن است. اما اصل امواج تنها روش تحلیل است که معیارهای پیش‌بینی را تهیه نموده است. خیلی از این موارد راهنمایی‌های خاص هستند و گاهی بازرگانان بازرده دقیق و عالی دارند. اگر نیاز بازار الگوها باشند و اگر آن الگوها یک هندسه شناخت پذیر داشته باشند، بدون توجه به تغییرات قیمت و زمان تکرار می‌گردند. در حقیقت تجربه جهان خارج نشان می‌دهد آن‌ها تکرار می‌گردند.

کار ما این است که پیش‌بینی کنیم حرکت احتمالی بعدی بازار چیست. مزیت تعیین یک مقصد برای بازار زمینه‌ای را برای درک بازار واقعی در اختیارتان می‌گذارد. از این راه، اگر بازار آن چه را انتظار داشتید انجام نداد، شما سرعت در موارد اشتباه به حالت آماده باش در می‌آید و می‌توانید برداشتتان را به یک تفسیر مناسب‌تر تبدیل کنید. اگر شما دلیل اشتباهاتان را یاد بگیرید، بازار کمتر در آینده شما را گمراه خواهد نمود.

باز هم، مهم نیست که شما چه تفسیری دارید، چشمانتان را بر روی آن چه در زمان واقعی در ساختار موج اتفاق می‌افتد نبندید. اگرچه پیش‌بینی‌هایی که تعیین هدف مشخص را خوب انجام می‌دهند، اغلب شکست انگیز بوده و هر پیش‌بینی الزاماً نباید تبدیل به معامله در بازار سهام گردد. نهایتاً بازار یک پیغام است که یک تغییر در رفتار بازار می‌تواند تغییری در تفسیر

شما ایجاد نماید. هر کس در حقیقت لازم است بداند، که بازار افزایشی، کاهشی یا **Side Way** است، که می‌تواند آن را با یک نگاه ساده بر روی چارت معلوم سازد.

از شیوه‌های زیادی که در تحلیل بازار ارائه شده، اصل امواج الیوت به تجربه بهترین ابزارها را برای شناخت بازار ارائه نموده است. اگر شما چارت ساعتی را در نظر بگیرید، در پنجم از پنجم از یک روند اصلی شما در حدود ساعت تغییر بازار هستید. این یک تجربه هیجان انگیز است و اصل امواج تنها شیوه‌ای است که می‌تواند گاهی اوقات فرصت چنین عملکردی را بدست دهد. الیوت ممکن است فرمول عالی تا زمانی که بازار در تحرک است نباشد (مترجم: میان حرکت یک موج) و نمی‌تواند آن را محدود سازد، یا بصراحت کامل آن را بیان کند. به هر حال اصل امواج بدون شک کامل‌ترین شیوه در تحلیل بازار است و در نور آن هر حرکتی را که قول داده مشاهده خواهید نمود.

درس هشتم

۸-۱- معرفی فیبوناچی



Fig 8-1

زمینه ریاضی و تاریخی از اصل امواج

Fibonacci که بصورت فیبوناچی تلفظ می‌شود توالی شماره‌هایی است که توسط **Leonardo Fibonacci da Pisa** ریاضیدان قرن سیزدهم کشف گردید. ما می‌خواهیم خارج از زمینه‌های تاریخی این مرد حیرت انگیز بر روی توالی اعدادی که نام این مرد بر روی آن است بحث کنیم. (از نظر تکنیکالی این توالی اعداد است نه سری). موقعی که الیوت قانون

طبیعت را بررسی می‌نمود، او مخصوصاً به توالی اعداد فیبوناچی چنان که در اساس مفهومی ریاضی است جهت بررسی اصل موج توجه نمود. کافی است که در این نقطه اشاره کنیم که بازار سهام تمایل به آن دارد که خود را در توالی اعداد فیبوناچی ظاهر نماید. (در بحث‌های آینده، از پایه‌های ریاضی اصل امواج بوسیله موج E، بوضوح در کتاب چهارم از کتاب‌های کلاسیک جدید پایه‌های ریاضی اصل امواج را خواهیم دید)

در اوایل ۱۲۰۰ لئونارد دو فیبوناچی از پیزا، در انتشارات ایتالیایی **Liber Abacci** کتاب محاسبه مشهور، یکی از بزرگترین اکتشافات ریاضی در تمام دوران را معرفی نمود. نام این سیستم دهدهی است که شامل صفر در اول دستگاه اعداد بود. سیستمی که نمادهای آشنای ۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و شامل ۹ از سیستم **Hindu-Arabic** هندو-عربی (مترجم: گویا نویسنده اعداد ایرانی را عربی قلمداد نموده است.) بود که بطور کلی کاربردی شده است.

کمتر از یک عدد واقعی یا سیستم مقدار-مکان (مترجم: محور مختصات) ارزش واقعی را بوسیله نماد قرار داده شده در طول یک خط با دیگر نمادهای وابسته نشان دهد. این نه تنها روی پایه اعداد بلکه روی موقعیت در خط می‌باشد. برای مثال ۵۸ ارزش متفاوتی با ۸۵ دارد. با این وجود هزاران سال زودتر بابلی و مایاهای امریکای مرکزی [سیستم‌های شمارشی] جداگانه از توسعه اعداد و محور مختصات را اختراع نموده‌اند که سیستم‌های شمارش آن‌ها و روش‌هاشان متفاوت بوده است. (مترجم: ایرانیان باستان چند هزار سال پیش، از این اعداد استفاده می‌نمودند که در آثار باستانی ما اثرات آن به اثبات رسیده است و یا مصریان باستان چند هزار سال پیش در ساخت احرام سه‌گانه از اعداد فیبوناچی استفاده نموده‌اند. عدم استفاده ایرانیان از این اعداد با وجود تکنولوژی پیشرفته و پالایشگاه و تخلیص نفت و ... غیر قابل باور می‌باشد. که در متن بدان اشاره نگردیده است و احتمال آن که فیبوناچی فقط برگرداننده یکی از آثار ریاضی شرقی باشد بینهایت زیاد است. البته مطالب پراکنده در نوشته نویسنده وجود دارد.) به همین ترتیب، سیستم بابلی‌ها (مترجم: در مرزهای کنونی ایران می‌زیسته‌اند) در ابتدا از صفر شروع و از مکان برای اعداد و از انتقال اعداد به جلو استفاده می‌نمودند (مترجم: انتقالی که در عمل ضرب برای مثال استفاده می‌گردد.) که در سیستم‌های ریاضی یونان و رم نبود و اعداد از هفت نماد **D, C, L, X, V, I, M** تشکیل می‌شدند. آن‌ها با نمادهای غیر عددی و با علامات مقدارها را نشان می‌داده‌اند. جمع، تفریق، ضرب و تقسیم با نمادها و در

یک سیستم غیر عددی کاری آسان نیست بخصوص زمانی که با اعداد بزرگ سروکار داریم. شگفت‌انگیز آن که زمانی این شکل‌ها از بین رفت که رومی‌ها از همان وسیله قدیمی بنام چرتکه استفاده نموده‌اند زیرا این وسیله از پایه عددی و شامل صفر استفاده می‌نماید. این شیوه بعنوان یک تولید الزامی در سیستم حسابداری رومی‌ها بوده است. در تمام این سال‌ها کتابداران و فروشندگان گسترش آن را در کارهایشان استفاده می‌نمودند. فیبوناچی پس از بیان اصل عملکرد چرتکه در **Liber Abacci** شروع به استفاده از سیستم جدیدش در سفرها نمود. طی تلاش او در سیستم جدید روش محاسبه آسان نهایتاً در اروپا منتشر گردید. بتدریج مصرف اعداد قدیمی رومی با سیستم جدید جایگزین گردید. این اولین موفقیت مهم در زمینه ریاضیات قبل از افول رم در ۷۰۰ سال قبل بوده است. فیبوناچی نه تنها ریاضیات را در قرون وسطی زنده نگه داشت که بنیانی را در زمینه ریاضیات عالی و زمینه‌های وابسته به فیزیک، اختر شناسی و مهندسی را ایجاد نمود.

۸-۲- معرفی فیبوناچی

اگرچه جهان بعد از آن تقریباً فیبوناچی را فراموش کرد او تحقیقاً یک مرد بزرگ در زمان خود بود. شهرت او همچون فردریک دوم بود، یک دانشمند و محقق که بعنوان دست راست که او را در یک دیدار از پیزا یافته بود. فردریک دوم یکی از امپراتوران، امپراتوری مقدس بود پادشاه سیسلی و اورشلیم فرزند دوم از اصیل‌ترین خانواده‌ها در اروپا و سیسیل و نیرومندترین پادشاه در روزگار خویش بود. او عقیده داشت که آن‌ها ذاتاً پادشاه هستند و خود را در جشن‌های امپراتوری رم غرق نموده بود.

ملاقات بین فیبوناچی و فردریک دوم در حدود ۱۲۲۵ پس از میلاد یک رویداد مهم برای مردم شهر پیزا بود. امپراتور در جلوی صف‌های طولانی از ترومپت زن‌ها، درباری‌ها، شوالیه‌ها، مقامات رسمی و رامشگران حیوانات حرکت می‌نمود. برخی از مشکلات امپراتور قبل از ریاضیدان معروف در **Liber Abacci** تشریح گردیده بود. فیبوناچی ظاهراً مسئله‌های امپراتور و مسائل بیشتری را برای امپراتور حل نموده بود که برای امپراتور خوشایند آمده بود. وقتی که فیبوناچی در ۱۲۲۸ قبل از میلاد به پیزا رسید نسخه تجدید نظر شده **Liber Abacci** را به فردریک دوم اهدا نمود.

این مساله تقریباً یک گفتار در بیان این حقیقت بود که بگویند لئوناردو فیبوناچی بزرگترین ریاضیدان در غرب بود. در اصل او کار اصلی را برای ریاضیات انجام داد. **Liber Abacci** در سال ۱۲۰۲ منتشر شد و در سال ۱۲۲۸ تصحیح شد، هندسه عملی در ۱۲۲۰ منتشر شد. در تحسین شهروندان پیزا **Liber Quadratorum** در سال ۱۲۴۰ پس از میلاد نوشته شد. آمده او یک مرد محتاط و فرهیخته بوده است و اخیراً **Joseph Gies** یک سر دبیر ارشد انگلیسی، (سر دبیر ارشد **Encyclopedia Britannica**) در دانشنامه‌اش شرح داد که در محققین زمان باستان لئونارد از پیزا یکی از پیشگامان روشنفکر متعلق به جهان است. کارهایش را پس از تمام این سال‌ها از لاتین به انگلیسی ترجمه نموده است. برای علاقمندان، کتابی با عنوان لئونارد از پیزا و ریاضیات جدید از قرون وسطی، بوسیله **Joseph** و **Frances Gies**، یک نوشته عالی از عمر فیبوناچی و کارهایش می‌باشد. اگرچه او بزرگترین ریاضیدان قرون وسطی بود، تنها یادبود از فیبوناچی در مسیر رودخانه **Arno** بر فراز برج **Leaning** می‌باشد و دو خیابان یکی در پیزا و دیگری در فلورنس بنام اوست. به نظر عجیب می‌آید که از تعداد بازدیدکنندگان برج ۱۷۹ فوتی مرمی پیزا تعداد بسیار کمی هستند که تا به حال از فیبوناچی یا مجسمه‌اش دیده یا شنیده باشند. فیبوناچی هم عصر بونانا بود معمار برجی که در ۱۱۷۴ پس از میلاد ساخته شده و هر دو مرد چیزهای مهمی را برای جهان ساخته‌اند اما یکی بسیار پر نفوذ (مترجم: مشهور) و دیگری تقریباً ناشناخته

۸-۳- توالی فیبوناچی

در **Liber Abacci**، یکی از مسائل رشد با توالی اعداد ۱، ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵، ۸۹ و ۱۴۴ است و همچنان تا بینهایت ادامه دارد. امروز می‌دانیم که توالی اعداد فیبوناچی در اصل چنین است: از یک جفت خرگوش در طول یک سال اگر هر جفت تولید مثل داشته و هر جفت جدید در هر ماه شروع به تولید مثل نماید چند خرگوش در یک محیط بسته تولید می‌شود؟

در بدو ورود به این راه حل، ما در می‌یابیم که هر جفت برای تولید یک جفت به یک ماه زمان نیاز دارد. اما هر جفت جدید هر ماه یک جفت جدید تولید می‌کند. در دو ماه اول یکسان است بنابراین مقدار ۱-۱ است. این جفت جدید سرانجام در ماه دوم دو برابر می‌شود. تا اینکه

در آغاز سومین ماه دو جفت داریم. در سومین ماه متوالی سه جفت همچنان ماه چهارم را شروع و توالی اعداد بصورت ۱، ۱، ۲ و ۳ می‌گردد و پس از آن این سه، دو جفت دیگر تولید می‌کنند و تعداد به پنج تا می‌رسد. در ماه بعدی توالی ۱، ۱، ۲، ۳ و ۵ با سه جفت تولید مثل به ۸ جفت توسعه می‌یابند. شکل ۲-۸ درخت رشد خانواده خرگوش‌ها را با شتابشان نشان می‌دهد و اگر توالی چند سال ادامه یابد رقم‌ها نجومی می‌گردد. برای ۱۰۰ ماه، ما جهانیان باید با ۳۵۴،۲۲۴،۸۴۸،۱۷۹،۲۶۱،۹۱۵،۰۷۵ جفت خرگوش مبارزه کنیم. نتیجه توالی فیبوناچی از موضوع تولید مثل خرگوش‌ها دارای خصوصیت جالب و انعکاس آن تقریباً رابطه ثابتی با مولفه‌هایش دارد.

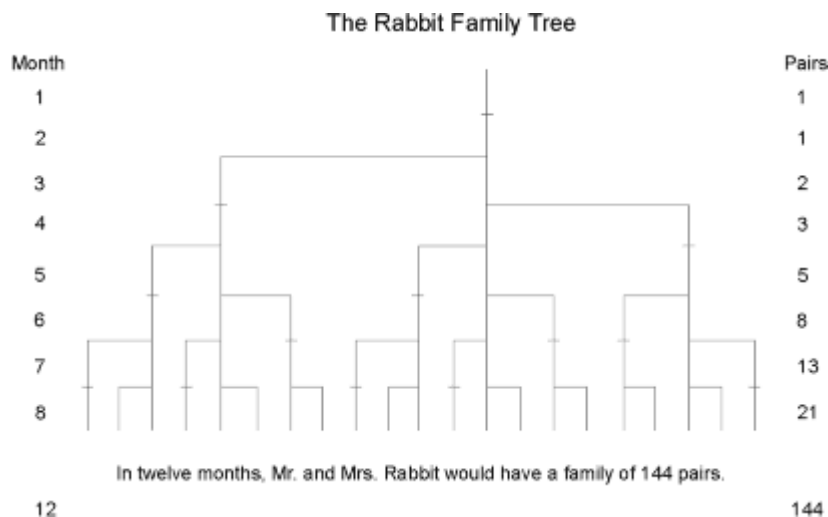


Fig 8-2

حاصل جمع هر دو عدد مجاور در توالی عدد بعدی را تولید می‌کند. $۲=۱+۱$ و $۳=۲+۱$ و $۵=۳+۲$ و همینطور تا بینهایت.

نسبت طلایی

پس از چند عدد اول، نسبت توالی بالا رفتن اعداد بعدی تقریباً $۰/۶۱۸$ به ۱ است. و بعد شماره‌ها $۱/۶۱۸$ به ۱ پایین می‌آید. بیشتر در طول نسبت توالی‌ها نزدیک **phi** (نقطه f) که عدد $۰/۶۱۸۰۳۴$ است ظاهر می‌شود و ما بین شماره‌های متناوب در نسبت توالی تقریباً $۰,۳۸۲$ ظاهر گردیده که معکوس آن $۲/۶۱۸$ است. به شکل ۳-۸ که جدول نسبت‌های اعداد فیبوناچی از ۱ تا ۱۴۴ می‌باشد توجه فرمائید.

Fibonacci Ratio Table

NUMERATOR		1	2	3	5	8	13	21	34	55	89	144
DENOMINATOR	1	1.00	2.00	3.00	5.00	8.00	13.00	21.00	34.00	55.00	89.00	144.00
	2	.50	1.00	1.50	2.50	4.00	6.50	10.50	17.00	27.50	44.50	72.00
	3	.333	.667	1.00	1.667	2.667	4.33	7.00	11.33	18.33	29.67	48.00
	5	.20	.40	.60	1.00	1.60	2.60	4.20	6.80	11.00	17.80	28.80
	8	.125	.25	.375	.625	1.00	1.625	2.625	4.25	6.875	11.125	18.00
	13	.077	.154	.231	.385	.615	1.00	1.615	2.615	4.23	6.845	11.077
	21	.0476	.0952	.1429	.238	.381	.619	1.00	1.619	2.619	4.238	6.857
	34	.0294	.0588	.0882	.147	.233	.3824	.6176	1.00	1.618	2.618	4.235
	55	.01818	.03636	.0545	.0909	.1455	.236	.3818	.618	1.00	1.618	2.618
	89	.011236	.02247	.0337	.05618	.08989	.146	.236	.382	.618	1.00	1.618
	144	.006944	.013889	.0208	.0347	.05556	.0903	.1458	.236	.382	.618	1.00

Toward perfect ratios

Fig 8-3

Phi تنها اعدادی را گویند که با یک جمع و معکوس شده باشد مانند $1 + 0.618 = 1.618$ این اتحاد از جمع و ضرب توالی با معادلات ذیل تولید می‌گردند. (مترجم: تقسیم نیز نوعی ضرب است.)

$$0.6182 = 1 - 0.618$$

$$0.6183 = 0.618 - 0.6182$$

$$0.6184 = 0.6182 - 0.6183$$

$$0.6185 = 0.6183 - 0.6184$$

etc.

یا بطور متناوب،

$$1.6182 = 1 + 1.618,$$

$$1.6183 = 1.618 + 1.6182$$

$$1.6184 = 1.6182 + 1.6183$$

$$1.6185 = 1.6183 + 1.6184$$

etc.

تعدادی از وضعیت‌های خواص مرتبط به چهار نسبت اصلی را می‌توان بشرح ذیل لیست نمود.

1) $1.618 - 0.618 = 1$

2) $1.618 * 0.618 = 1$

3) $1 - 0.618 = 0.382$

4) $0.618 * 0.618 = 0.382$

5) $2.618 - 1.618 = 1$

6) $2.618 * 0.382 = 1$

7) $2.618 - 0.618 = 1.618$

8) $1.618 * 1.618 = 2.618$

بجز ۱ و ۲ هر عدد فیبوناچی ضرب در چهار وقتی به اعداد انتخابی فیبوناچی افزوده می شود یک عدد دیگر فیبوناچی را می دهد، به مثال زیر توجه کنید:

$$3 * 4 = 12 + 1 = 13$$

$$5 * 4 = 20 + 1 = 21$$

$$8 * 4 = 32 + 2 = 34$$

$$13 * 4 = 52 + 3 = 55$$

$$21 * 4 = 84 + 5 = 89$$

و مانند این ها

۸-۴- توالی فیبوناچی

بطوری که پیشرفت توالی جدید، یک توالی سوم (مترجم: سومین توالی از فیبوناچی) در این اعداد که با ضرب ۴ جمع شده اند را شروع می کند. این رابطه امکان پذیر است چون نسبت بین اعداد دوم متناوب فیبوناچی، عدد $4/236$ است، که $0/236$ معکوس آن است. این اختلاف از عدد ۴ می باشد. این پیوستگی توالی ها، در مضرب های دیگر برای این بحث تولید می گردد.

$1/618$ (یا $0/618$) بعنوان نسبت طلایی یا حد وسط طلایی شناخته شده است. خصوصیاتش خوش نمایی در چشم و یک پدیده موسیقایی، هنری، معماری و زیست شناسی است. ویلیام هوفر در دسامبر ۱۹۷۵ در مجله **Smithsonian Magazine** گفت:

نسبت $0/618$ به ۱، یک پایه ریاضی برای هنرهای تجسمی از کارت بازی، پارتنون معبد خدای آتنا در آتن، گل آفتابگردان و پوسته حلزون، ظروف یونانی و مارپیچ کهکشانی خارج از فضا می باشد. مبنای بسیاری از هنرها و معماری های یونانی بر روی این نسبت استوار است. آن ها این نسبت را خط امتدال نامیده اند.

جادوی خرگوش های فیبوناچی نشان دهنده، پیش بینی نشده ترین مکان ها است. شماره ها بی گمان قسمتی از یک هماهنگی ماورایی است که حس خوب، نگاه خوب و حتی صداها خوب را می سازد. در موسیقی مینا بر ۸ اکتاوت است. (مترجم: در موسیقی نت های موسیقی به گروه های بنام اکتاو گروه بندی می شوند.) روی پیانو ۸ کلید سفید ۵ کلید مشکی و مجموعاً ۱۳ کلید می باشد. این یک اتفاق ساده نیست که هارمونی موسیقایی به گوش بزرگترین آرامش را در ماژور ششم می دهد. (مترجم: این یک مطلب در مضمون تاثیر موسیقی بر انسان است. در

ضمن یادآوری می‌شود که پیانو شبیه‌ترین پیاده‌سازی از ساز چنگ ایرانی است.) نت E ارتعاشی با نسبت ۰/۶۲۵۰۰ از نت C دارد. یک دریا ۰/۰۶۹۶۶ دور از مفهوم طلایی درست است. (مترجم: منظور اختلاف ناچیز است.) نسبت‌ها از ششم اصلی ارائه کننده ارتعاش خوبی در صدف درونی گوش که یک اندام اتفاقا ماریپیچ با یک فرم لگاریتمی است، می‌باشند. (مترجم: به ماریپیچ لگاریتمی ماریپیچ طلایی نیز گفته می‌شود. در درس‌های بعدی توضیح داده خواهد شد)

پیوستگی شماره‌های فیبوناچی و ماریپیچ طلایی در طبیعت دقیقا توضیح می‌دهد که چرا تناسب ۰/۶۱۸۰۳۴ به ۱ همچنان در هنر خوشایند است. انسان می‌تواند تصویر زندگی را در هنر که پایه‌ای از مفهوم طلایی در آن است ببیند.

طبیعت از نسبت طلایی در بیشتر بخش‌ها استفاده نموده است و در بیشتر الگوهای پیشرفته در فرم‌هایی چون ساختار اتم، در لوله‌های فوق العاده کوچک در مغز و مدل‌های DNA و در مقیاس‌های بزرگ همچون مدارهای سیارات و کهکشان‌ها نیز مورد استفاده قرار داده است. در عین حال در پدیده‌های گوناگونی همچون ترتیب بلور، ساخت‌های سیاره‌ای درگیر شده است و دوره‌های شکست نور، مغز و دستگاه عصبی، نظم‌های موسیقی، ساختمان گیاهان و حیوانات لبخند می‌زند. علم سرعت اثبات نموده که در واقع یک تناسب اصلی در طبیعت وجود دارد. اتفاقا شما ماوس خود را با پنج انگشتان نگه می‌دارید در صورتی که شما در سه بخش تماس دارید، پنج انگشت در انتها و سه نقطه تماس در هر قسمت خواهد بود.

۸-۵- هندسه فیبوناچی

بخش طلایی

هر طولی می‌تواند بگونه‌ای تقسیم گردد که نسبت بین قسمت کوچکتر و بزرگتر با نسبت بین قسمت بزرگتر و کل طول برابر باشد. (شکل ۸-۴ را ببینید.) همیشه این نسبت ۰/۶۱۸ است.

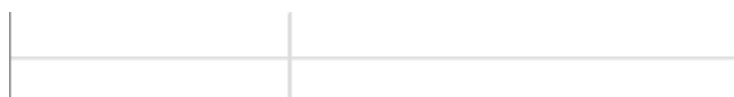


Fig 8-4

بخش طلائی در تمام طبیعت رخ می‌دهد. در حقیقت بدن انسان جلوه بخش طلائی است (شکل ۸-۹ را ببینید) و هر چیزی از بعد بیرونی صورت وجود دارد. (مترجم: صورت انسان) افلاطون در **Timaeus** خود می‌گوید پیترا تامپکانس تا آن جا پیش رفت که **phi** نتایج و نسبت طلائی را معتبرترین رابطه در ریاضیات دانسته و در یک تفکر دقیق کلید فیزیک کیهان می‌باشد. در قرن شانزدهم، جونز کپلر در نوشته‌هایش در مورد بخش طلائی یا بخش الهی گفت که این نسبت تمامی آفرینش را توصیف می‌نماید و مخصوصاً آفرینش خداوند شبیه به شبیه می‌باشد. بدن انسان از وسط با طرح فیبوناچی تقسیم گردیده است. میانگین آماری آن $1/618$ می‌باشد. نسبت واقعی جداگانه برای مردها و جداگانه برای زن‌ها، یک نماد خوب از آفرینش شبیه به شبیه (مترجم: یک به یک) را حفظ نموده است. تمامی پیشرفت بشر هم یک آفرینش شبیه به شبیه می‌باشد.

چهار گوش طلائی

طرف‌های یک مستطیل طلائی در نسبت $1/618$ به 1 هستند. ایجاد یک مستطیل طلائی شروع با مربعی از 2 واحد در 2 واحد و یک خط از وسط یک ضلع از مربع به یک راس از ضلع مخالف کشیده می‌شود که در شکل ۸-۵ نشان داده شده است.

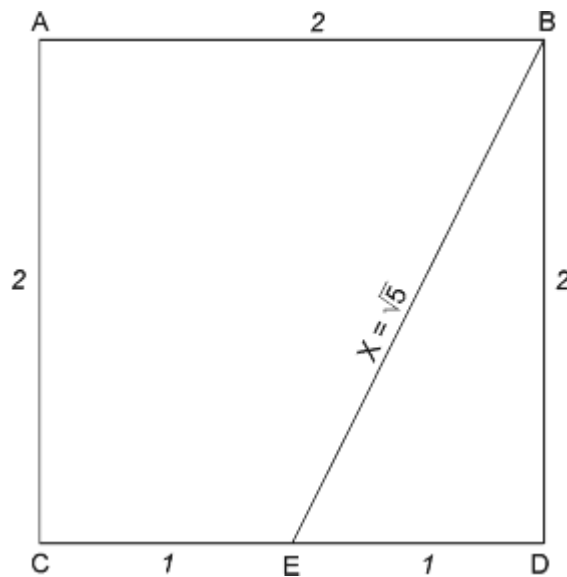


Fig 8-5

مثلث EDB یک مثلث قائم الزاویه است. فیثاغورث در ۵۵۰ سال قبل از میلاد اثبات کرد که توان دوم وتر X از یک مثلث قائم الزاویه برابر با مجموع توان دو ضلع دیگر است. در این صورت بنابراین $X^2=5$ می باشد. قدم بعدی در ساخت مستطیل طلایی ادامه خط CD است تا خط EG برابر با ریشه دوم ۵ یا $\sqrt{5}$ واحد طول ساخته شود که در شکل ۸-۶ نشان داده شده است.

طرفهای مستطیل تازه ساخته شده در تناسب از نسبت طلایی است بنابراین هر دو مستطیل AFGC و BFGD مستطیل های طلایی هستند.

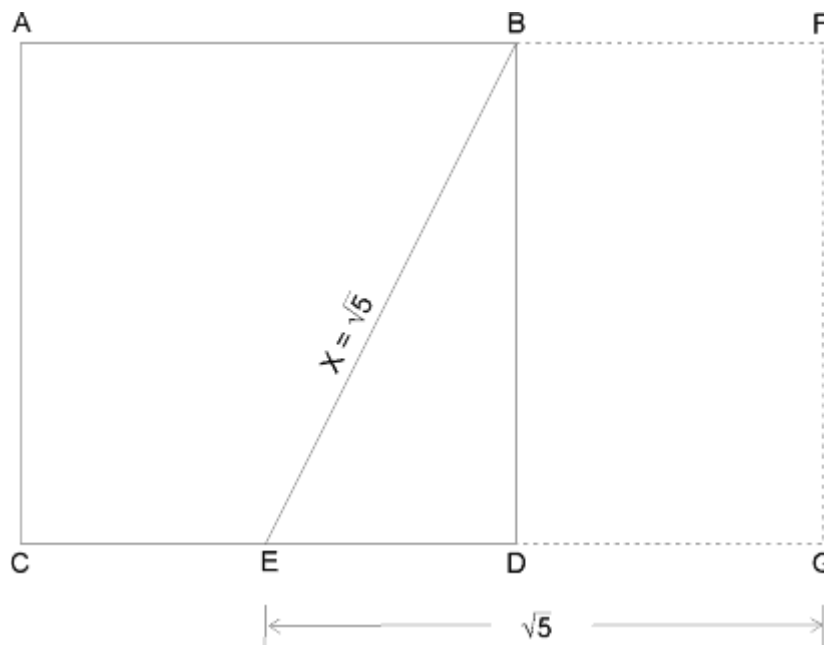


Fig 8-6

تا زمانی که ضلع های مستطیل ها در تناسب از نسبت طلایی هستند آن وقت مستطیل ها بنا بر تعریف مستطیل های طلایی هستند.

کارهای هنری بسیار با دانش مستطیل های طلایی ارتقاء یافته اند. افسون استفاده از آنها مخصوصا تمام تمدن های باستانی را پر نموده است. لئونارد داوینچی بزرگترین مفاهیم را به نسبت های طلایی منسوب نموده است. او همچنان دلبذیری در ابعاد را یافته و گفته است: اگر یک چیز جلوه خوشایندی نداشته باشد نسبت ها در آن رعایت نگردیده است. بسیاری از نقاشی های او جلوه خوشایندی دارند چون بخش های طلایی در جلوه های آن بکار رفته است.

تا زمانی که این نسبت‌ها آگاهانه و از روی عمد توسط هنرمندان و معماران برای مقاصدشان بکار رفته است، نسبت‌های ϕ ظاهراً بر روی بیننده اثر دارد. محققین تعیین نموده‌اند که اشخاص یکی از مستطیل‌ها را از گروه مستطیل‌ها مختلف انتخاب کنند که عموماً شکل نزدیک به مستطیل‌های طلایی را انتخاب نموده‌اند. وقتی که می‌پرسیم درباره تقاطع یک خط با خطوط دیگر، آن‌ها بیشتر دوست داشتند که خطوط به نسبت‌های طلایی تقسیم گردند. پنجره‌ها قاب‌های تصویر ساختمان‌ها و کتاب‌ها و گورستان‌های مسیحی اغلب نزدیک به مستطیل‌های طلایی هستند.

چنانچه با بخش‌های طلایی، ارزش مستطیل‌های طلایی بسختی محدود به زیبایی می‌گردد اما این سرویس را به خوبی ارائه می‌کند. در بین مثال‌های متعدد، چشمگیرترین مارپیچ‌های دوتایی DNA می‌باشد. (شکل ۹-۸ را ببینید)

بخش طلایی و مستطیل طلایی نشان دهنده فرم‌های ماندگار در طبیعت و محصولات ظریف ساخت بشر را زیبا می‌سازند. نمایش یک جلوه زیبایی پویا، یک تصاعد در نظم رشد یا پیشرفت تنها می‌تواند توسط یکی از بیادماندنی‌ترین شکل‌های جهان، مارپیچ طلایی ساخته شود.

۸-۶- مارپیچ طلایی

مستطیل طلایی می‌تواند در ساخت مارپیچ طلایی استفاده نمود. هر مستطیل طلایی چنانکه در شکل ۸-۶ می‌بینید می‌تواند به مربع‌ها و مستطیل‌های طلایی کوچکتر تقسیم شود چنان که در شکل ۸-۷ می‌بینید. این حرکت به نظر می‌تواند تا بینهایت ادامه یابد. نتیجه این که مربع‌های که ما کشیدیم، یک مارپیچ رو به داخل را در A, B, C, D, E, F & G تولید خواهد کرد.

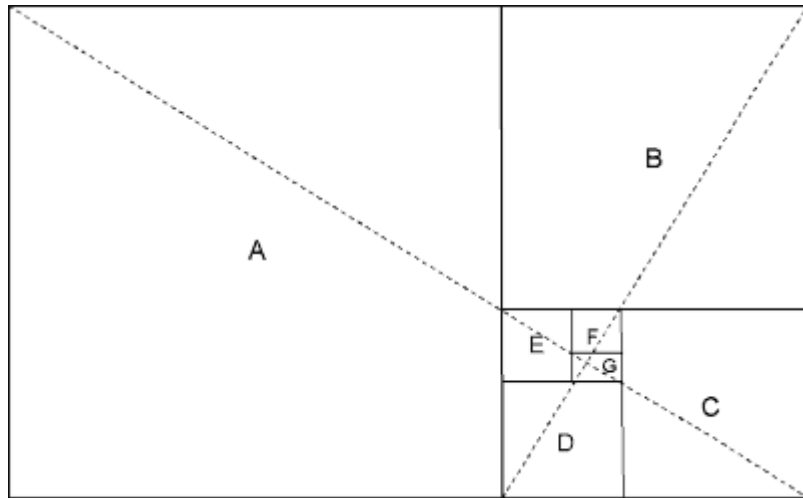


Fig 8-7

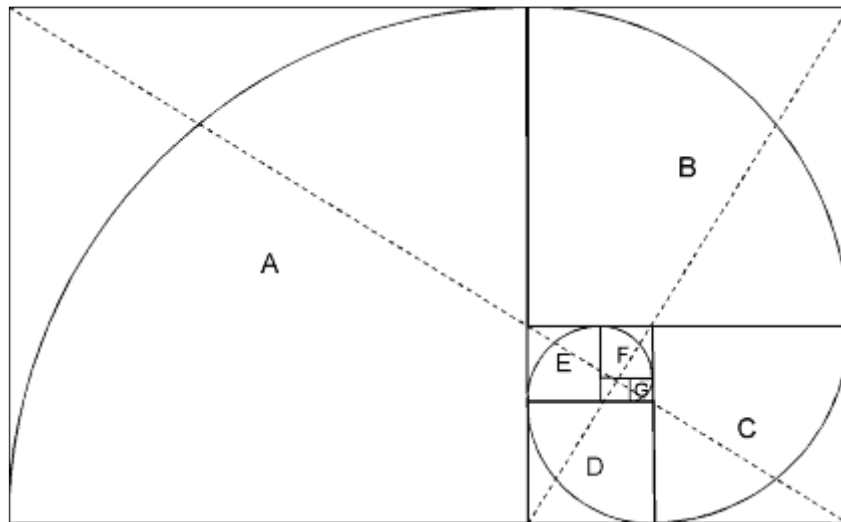
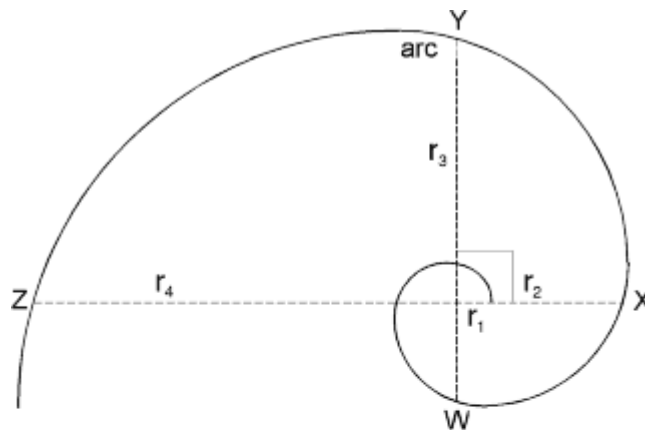


Fig 8-8

خطوط نقطه گذاری شده که خودشان در نسبت با یکدیگر هستند (مترجم: نسبت طلایی)، نمودار نیمساز مستطیل‌ها و جزیی از مرکز نظری مارپیچ مربع‌ها می‌باشند. از نزدیک این نقطه مرکزی، ما می‌توانیم مارپیچ را بوسیله اتصال نقاط تقاطع هر مربع تا بینهایت مانند شکل ۸-۸ بکشیم. بطوری که چرخش مربع‌های درونی بسمت بیرون و اتصال نقاط مارپیچ طلایی را بسمت بیرون ردیابی می‌کند. بنوعی دیگر، با استفاده نمودن از توالی مثلث‌های چرخان نیز

می‌توان مارپیچ‌های طلایی را ساخت. در هر نقطه‌ای از تکامل مارپیچ طلایی، نسبت طول منحنی به قطرش ۱/۶۱۸ می‌باشد. قطر و شعاع بترتیب، نسبت هر شعاع به شعاع قبلی مقدار ۱/۶۱۸ می‌باشد، همان گونه که در شکل ۸-۹ نمایش داده شده است.



$$\frac{r_2}{r_1} = \frac{r_3}{r_2} = \frac{r_4}{r_3} = \dots = \frac{r_n}{r_{n-1}} = 1.618$$

$$\frac{d_2}{d_1} = \frac{d_3}{d_2} = \dots = \frac{d_n}{d_{n-1}} = 1.618$$

(where $d_1 = r_1 + r_2$, $d_2 = r_2 + r_3$, etc.)

$$\frac{\text{arcXY}}{\text{arcWX}} = \frac{\text{arcYZ}}{\text{arcXY}}, \text{ etc.} = \frac{\text{arcXZ}}{\text{arcWY}} = 1.618$$

$$\frac{\text{arcWY}}{\text{diam. (WY)}} = \frac{\text{arcXZ}}{\text{diam. (XZ)}}, \text{ etc.} = 1.618$$

Fig 8-9

۸-۷- مارپیچ طلایی

مارپیچ طلایی که یک نوع مارپیچ لگاریتمی یا مارپیچ متساوی الزاویه است مرزی ندارد و دارای شکلی ثابت است. از هر نقطه روی مارپیچ می‌توانید بینهایت خط بسمت داخل و خارج رسم کنید. هرگز دوباره به مرکز نمی‌رسید اما بسمت خارج حرکت نامحدود است، اگر هسته یک مارپیچ لگاریتمی (مترجم: مارپیچ طلایی) را توسط یک میکروسکوپ نگاه کنید تا بینهایت آن را ادامه‌دار خواهید یافت. همان گونه که دیدید برگامینی، نوشته است برای ریاضیات در حال حاضر مجموعه کتب علمی کتابخانه‌ها کم است. دم یک ستاره دنباله‌دار خارج از

خورشید در یک مارپیچ لگاریتمی می‌پیچد. تارهای عنکبوت مجموعه‌ای از مارپیچ لگاریتمی است و شتاب رشد یک باکتری طرحی در راستای مارپیچ لگاریتمی است و شتاب سنگ‌ها وقتی که وارد جو زمین می‌شوند مقاومت جو زمین باعث یک حرکت مارپیچ لگاریتمی در آن‌ها می‌شود و مخروط‌های کاج، اسب‌های دریایی، پوسته حلزون و پوسته‌های نرم تنان، موج‌های اقیانوس، سرخس‌ها و شاخ‌های حیوانات و چیدمان در گل آفتاب‌گردان و میناها در الگوی مارپیچ‌های لگاریتمی می‌پیچند. توفان‌های سیاه و کهکشان‌ها خارج از جو در مارپیچ‌های لگاریتمی چرخ می‌زنند حتی انگشتان انسان از سه استخوان در بخشهای طلایی با یکدیگر از مواردی است که وجود دارند.

افتادن برگ درخت شکل مارپیچ طلایی یا لگاریتمی به خود می‌گیرد. در شکل ۸-۱۴ ما یک انعکاس از یک تاثیر کیهانی در شکل‌های متعدد را می‌بینیم. زمان و سال نوری، فضای جداکننده مخروط از چوب کاج و مارپیچ کهکشان، اما همگی در یک نسبت $1/618$ طراحی گردیده‌اند. شاید این پدیده عادی از قوانین نخستین باشد. بدین گونه مارپیچ طلایی قبل از ما در طراحی جهان هستی بکار رفته است. تصویر هستی در گسترش بی‌پایان و انقباض، یک قانون مطلق و جریانی پویاست و بطور مستمر بوسیله نسبت $1/618$ ، حد اعتدال را رعایت می‌نماید، که همان مفهوم طلایی است.

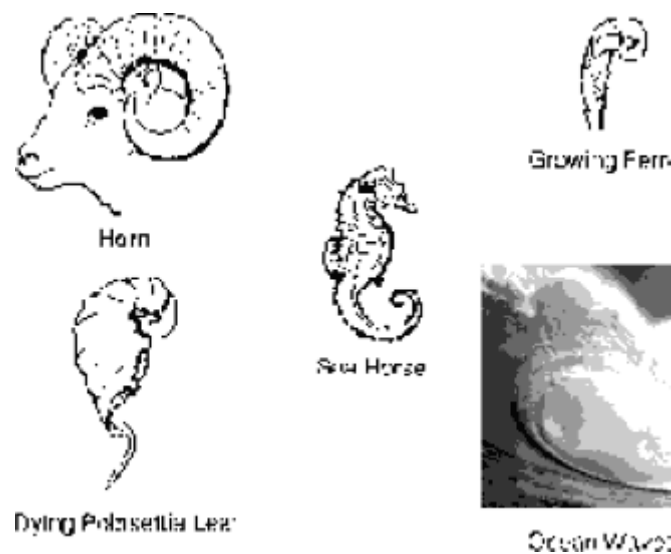


Fig 8-9

تصویر ضمیمه

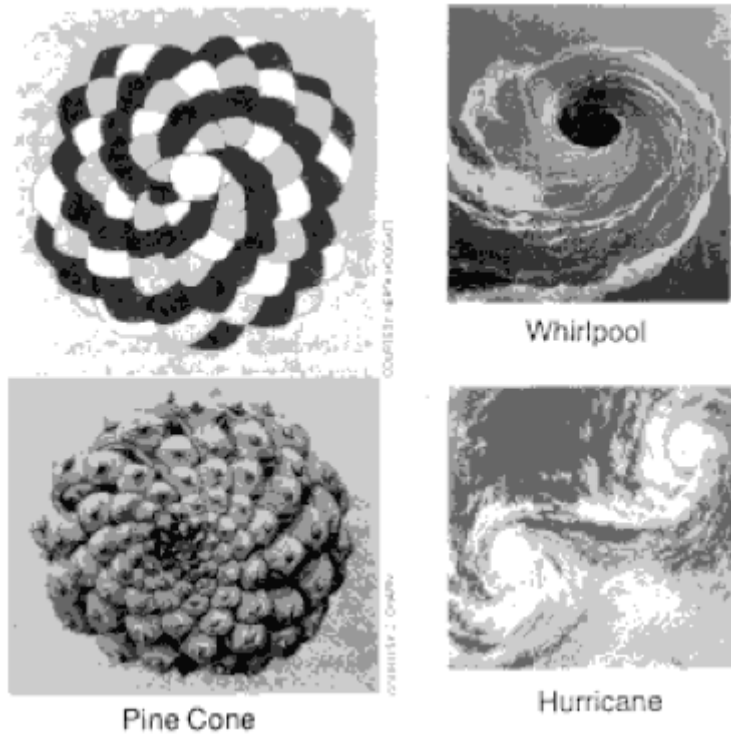


Fig 8-10

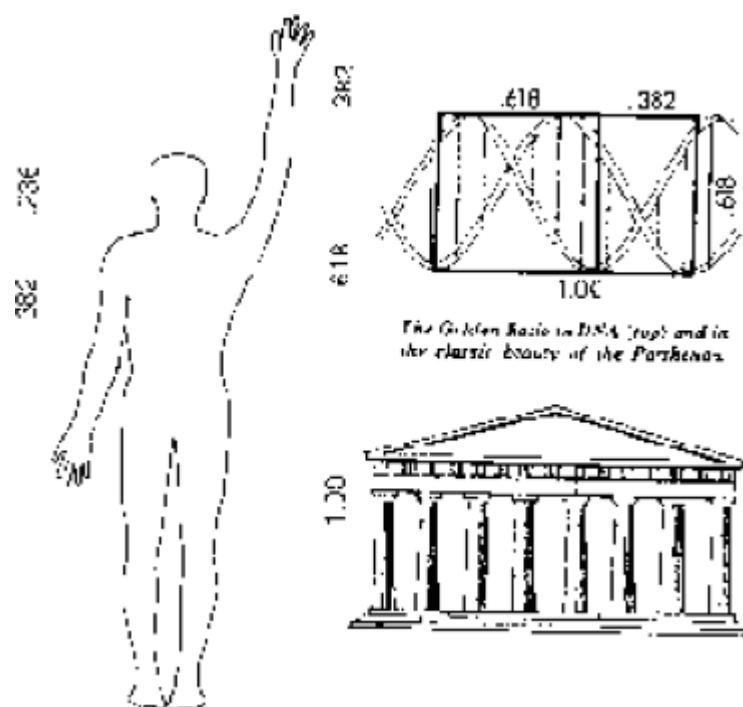
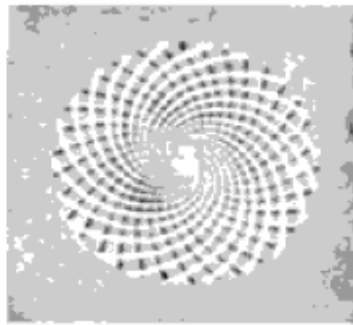
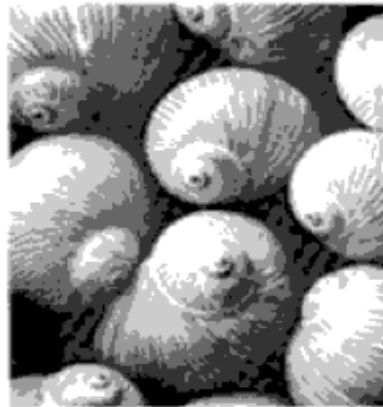


Fig 8-11



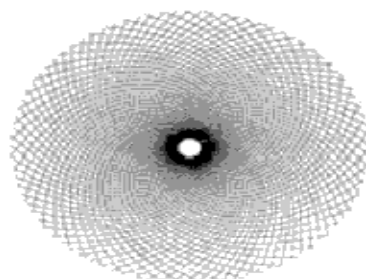
A SPIRALED FLOWER

The diagram above reveals the double spiraling of the daisy head at right. Two opposite sets of 70th Fibonacci are formed by the arrangement of the individual florets in the head. They are also near perfect equiangular spirals. There are 21 in the clockwise direction and 34 counterclockwise. This 21/34 ratio is composed of two odd centers in the Fibonacci sequence.

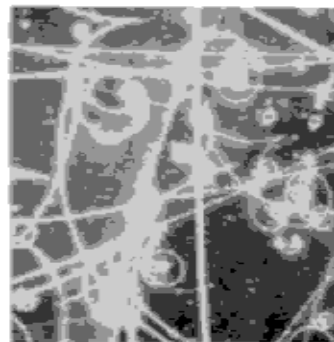


Shells

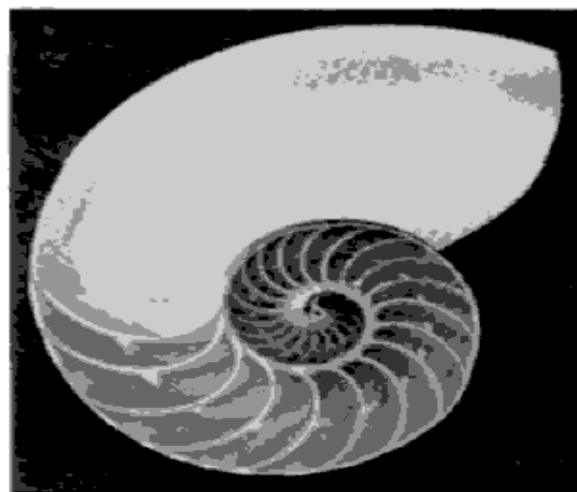
Fig 8-12



Sunflower



Atomic Particles in
Bubble Chamber



Nautilus

Fig 8-13

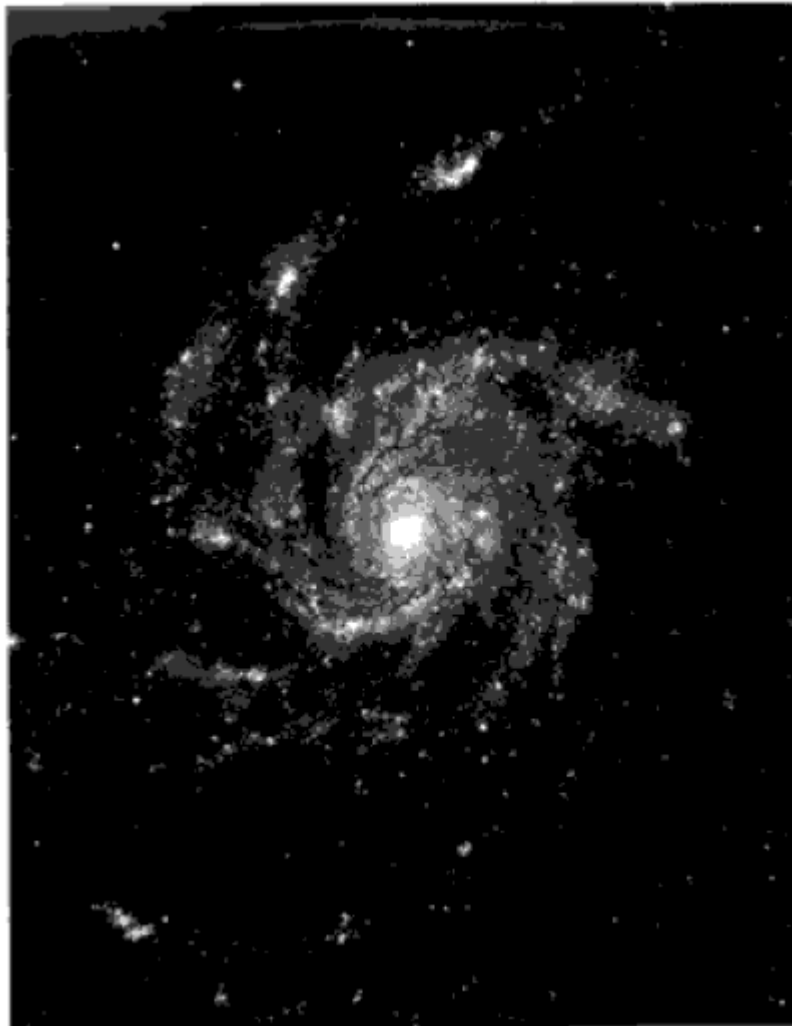


Fig 8-14

درس نهم

۹-۱- معنی Phi

ارزش این پدیده سال‌ها است که عمیقاً درک شده است. سابقه فراوان با مثال‌های انتخاب شده مردانی که جذابیت خاص برای این فرمول ریاضی قائل بودند. فیثاغورث پنج نقطه شاخص را انتخاب نموده، و هر قسمت در نسبت طلایی با قسمت کوچکتر بعدی همانطور که در این شیوه آمده، قرار دارند. جاکوب برنولی از ریاضیدانان مشهور قرن هفدهم ماریچ طلایی را بر روی سنگ قبر خویش حک نموده است. ایزاک نیوتن ماریچ طلایی را بالای بستر خویش آویخته بود که امروز متعلق به مرکز جاذبه زمین در بستون جدید می‌باشد و پیش از آن، هواداران معماری هرم‌های سه گانه در مصر در ۵۰۰۰ سال پیش در ساختن این اهرام از این دانش استفاده برده‌اند. مهندس‌های مصری آگاهانه نسبت طلایی را در اهرام بزرگ بوسیله یک شیب بمیزان $1/2$ مقدار $1/618$ پایه، ارتفاع را بمیزان ریشه دوم $1/618$ پایه، در نظر گرفته بودند. پتر تامپکینز در نوشته‌های محرمانه از اهرام بزرگ (Harper & Row, 1971) می‌نویسد، این ارتباط نشان می‌دهد گزارش هرودوتوس در واقع صحیح است که ارتفاع ریشه دوم پایه بناست $VQ * VQ = Q$ و مساحت رو $Q * 1 = Q$. علاوه بر این، استفاده نمودن از این ابعاد توسط دانشمندان مصری (ظاهراً بصورت یک مدل مقیاسی از نیمکره شمالی ساخته شده است.) از عدد پی (مترجم: عدد پی $= 3/14$) و Phi در یک شیوه پیچیده ریاضی، شاهکاری از محاسبه نصف دایره و مکعب و کره بوده است. (مترجم: برای رفع خستگی دوستان باید بگویم این ساختمان و محاسبات در ۵۰۰۰ سال قبل انجام گردیده و انسان هنوز در اعداد صفر را کشف ننموده است و از علامات هفت گانه یونانی برای محاسبات استفاده می‌کرده است، احتمالاً آن‌ها علم غیب داشته و می‌دانسته‌اند که در آینده آقای فیوناچی عزیز این اعداد را کشف خواهد نمود.) (برای مثال برابری مساحت و حجم را ساخته‌اند.) یک کار عظیمی که برای چهار هزار سال هیچ مانندی برای آن ساخته نشد.

در هنگام یادآوری محض هرم بزرگ ممکن است ایجاد تردید نماید. (شاید یک دلیل خوب) بیاد داشته باشید که فرم آن انعکاس یک افسون گرفته شده از ارکان علم غربی، ریاضی، فکر

هنری و فلسفی است که افلاطون، فیثاغورس، برونولی، کپلر، داوینچی و نیوتن داشته‌اند. آنهایی که طراحی کرده و اهرام را ساخته بودند همانند چنین دانشمندانی درخشان بوده‌اند. ستاره شناس‌ها، ریاضیدان‌ها و مهندس‌ها بوضوح آن‌ها خواسته‌اند که برای هزاره‌ها، نسبت طلایی را که تا این اندازه اهمیت عالی دارد، حفظ بکنند. این نشانه استعداد مردم است، که بعداً متصل به بزرگترین افکار یونان و روشن فکری در جذب آن‌ها برای این نسبت بود. درک این مسئله بسیار مهم است. (مترجم برای خنده: اگر یک ملتی پیدا شود و به هر دلیلی حمله کرده و تمامی کتابخانه‌های غرب را از بین ببرد و دانشمندانش را بکشد، خدای نکرده، آنوقت کاشف این توالی اعداد، خوب معلومه، من هستم. باز شما منو دست کم بگیریید.). آن اهرام بزرگ که قرن‌ها پس از ساختنش حدس زده می‌شود بعنوان اولین پرستشگاه برای آن‌ها بوده است ثابت می‌کنند درک جهانی و رازهای بزرگ جهانی است. مواردی که در بالا به آنها اشاره شد تنها مواردی بوده است که آن‌ها دیده و کشف کرده‌اند، در حقیقت آن‌ها راهنمایی در رازها بود. بعنوان مثال حقیقت‌های مجموعه عملکرد جاودانی و رشد بود. آیا این رازهای Phi بود؟ تامپکینز توضیح می‌دهد، فراعنه مصر می‌گفتند شوالر در لوبکینز گفته است Phi نه بعنوان شماره، که بعنوان نمادی از علم خلاق، یا تولید مثل در یک مجموعه بی‌پایان قابل تصور است. Phi به آن‌ها آتش زندگی، فعالیت اسپرم در تولید مثل و Logos را نشان داد. Logos یک کلمه یونانی و بطور مختلف توسط هراکلیتوس و غیر مسیحی‌های بعدی، یهودی و فیلسوف‌های مسیحی به معنی حاکم عقلانی جهان و یک قانون ماندگار طبیعی تعریف گردیده است. یک نیروی پنهان زندگی بخش به چیزها، نیروی ساخت یافته جهانی حاکم و نافذ جهان

۹-۲- مفهوم Phi

بیانیدشید که تحقیق و نتایج عمیق آن هنوز مبهم است. مردم نمی‌توانند ببینند آن چه را که احساس می‌کنند آن‌ها تصویری نداشته‌اند و اصل امواج این تصویر رشد طبیعی را می‌سازد و به بهترین وجه این اصل، ساختار را توصیف می‌کند تا انسان فرم‌های جهان طبیعی را تشخیص بدهد. اگر فیلسوف‌های قدیمی درست گفته باشند، که یک نیروی عالمگیر، سازنده و حاکم بر اجزای جهان باشد. آیا این پارامترها بر جهان حاکم نیستند؟ اگر در تمام جهان، حتی بدن

انسان، تعداد DNA انعکاسی از Phi باشد، آیا ممکن نیست عملکرد آنها انعکاسی از Phi باشد؟ اگر Phi قدرت زندگی در جهان است، آیا ممکن است پشت پرده عکس العمل‌های عملکردها در ظرفیت پر بار آنها باشد؟ اگر Phi یک نماد از نیروی خلاق است، آیا ممکن است حاکم بر خلاقیت انسان‌ها نیز باشد؟ اگر پیشرفت مردم براساس تولید است و تولید مثل در یک مجموعه بی‌پایان است معقول نیست که هر پیشرفتی نتیجه یک مارپیچ از Phi بوده و این در حرکت قیمت و ظرفیت تولیدات، بعنوان مثال در بازار سهام، قابل تشخیص باشد؟ فقط مصری‌ها حقیقت‌های پنهانی چون غیر اتفاقی و تصادفی بودن فعالیت و رشد را در جهان گذشته آموخته بودند. (چیزهایی که بعنوان نظریه بدون اختشاش سرانجام در ۱۹۸۰ کشف گردید.) همانند بورس اوراق بهادار، اگر برداشت ما درست باشد، بنظر می‌رسد آنها درست فهمیده بودند. بیشتر برای آن که بنظر ساده می‌نماید، سرسری گرفته می‌شود. بازار بورس تصادفی نیست، بدون قاعده، به اتفاقات اخبار جاری عکس العمل نشان نمی‌دهد بلکه فوق العاده دقیقتر از عملکرد انسان است.

واژه‌های ستاره شناسی سرزمین شاهان ویلیام، در اهرام بزرگ در حقیقت نظریه‌ای است که، ستاره شناسی یا طالع بینی مصری، علمی بوده و عمیقا و بصورت مرموزی با چرخه‌های بزرگ تکامل انسان ارتباط داشته است. اصل امواج چرخه‌های بزرگ در تکامل انسان را نشان داده و عملکرد آنها را فاش می‌سازد. از این گذشته، جزئیات را بخوبی کلیات تشریح می‌کند. با تمام این پایه‌های بظاهر ساده اصل، پویایی و تغییرات در یک فرم، بدون تغییر، باقی می‌مانند. این فرمی است که به جهان ساختار و وحدت می‌دهد. هیچ چیز در طبیعت نشانه‌ای از آشفتگی و بی‌قاعدگی نیست. کلمه کائنات معنی دهنده یک دستورالعمل است. اگر زندگی فرمی دارد، ما نباید احتمال پیشرفت انسان را، که قسمتی از زندگی واقعی است، و همچنان فرم و قاعده‌هایش را نپذیریم. بعلاوه بازار بورس اوراق بهادار، که مقدار مهم تولیدات انسان را نشان می‌دهد، قاعده و فرم خواهد داشت، همه تکنیک‌های نزدیک به درک بازار سهام به پایه‌های اصل دستورالعمل و فرم، بستگی دارند. نظریه ایوت به هر حال آنسوی تمامی این‌هاست. بدیهی است که فرض روند دقیقه‌ای یا فرم بزرگتر مهم نبوده و طراحی اصلی ثابت می‌ماند.

۹-۳- Phi و الیوت

الیوت در دومین نوشته‌اش از عنوان قانون طبیعت استفاده نموده است. رمز جهان در اشاره به اصل امواج کاربردی است که در تمام جزئیات فعالیت‌های انسان وجود دارد. الیوت ممکن است که اکنون بسیار دور از آن باشد که بگوئیم، اصل امواج راز پنهان هستی است. بطوری که ظواهر طبیعت شکل‌ها و جزئیات را می‌سازد، منصفانه نیست که آن را یک طرح ساده بخوانیم. حداقل، در برخی از تاریخچه‌های دانشمندانی که پیش از این می‌زیسته‌اند، احتمالاً با این فرمول آشنائی داشته‌اند. حداقل این باورکردنی است که بگوئیم، اصل امواج یکی از مهمترین رازهای جهان است. حتی این ادعای غول آسا در اول ممکن است، فقط گزافه‌گوئی یا تخیل معامله‌گرها به نظر برسد و این کاملاً قابل درک است. طبیعت بزرگ مفهوم تخیل و نیروی گنج‌کننده اندیشه، تا آنجا رسیده که نهایت قابلیت‌های اجرایی‌اش تاکنون معلوم نگردیده است. اول ما باید پیرسیم، آیا ما می‌توانیم در آسمانها و زمین همچون آن چه در بازار سهام پیش می‌آید، پایه‌های ریاضی را داشته باشیم؟

پاسخ بلی است، بورس اوراق بهادار دارای همان پایه‌های ریاضی است که این پدیده‌های طبیعی را می‌سازد. مفهوم الیوت در حرکت بازار سهام یک پایه عالی، همانگونه که در شکل ۹-۱ نشان داده شده، و بسیار شبیه ساختار مارپیچ طلایی است.

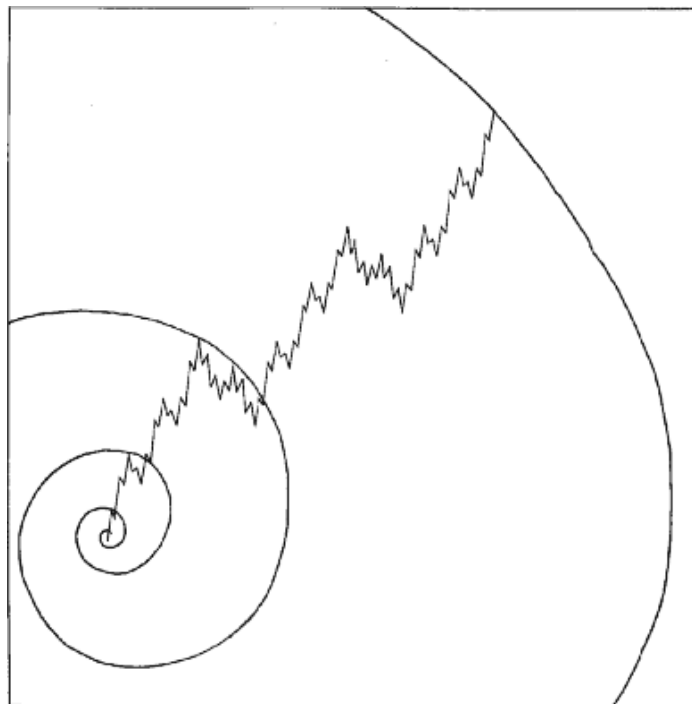


Fig 9-1

این نتیجه امکان پذیر است، زیرا در هر درجه از حرکت بازار، حرکت افزایشی تقسیم به 5 موج شده و حرکت نزولی تقسیم به 3 موج می گردد. ارتباط 3-5 بدست آمده ما، همان پایه ریاضی اصل الیوت است. همانگونه که در شکل 4-1 بوسیله استفاده از مفهوم الیوت در پیشرفت بازار انجام دادیم، ما می توانیم توالی کامل اعداد فیبوناچی را تولید نمائیم. اگر ما در شروع با ساده ترین بیان، مفهوم یک حرکت نوسانی نزولی را یک خط راست رو به پایین بگیریم و یک حرکت نوسانی افزایشی در ساده ترین فرم یک خط راست رو به بالا باشد، یک چرخه کامل شامل دو خط است. در یک درجه پیچیده تر قرینه اعداد 3، 5، 8 هستند بطوری که در شکل 9-2 این توالی می توانند تا بینهایت ادامه یابند.

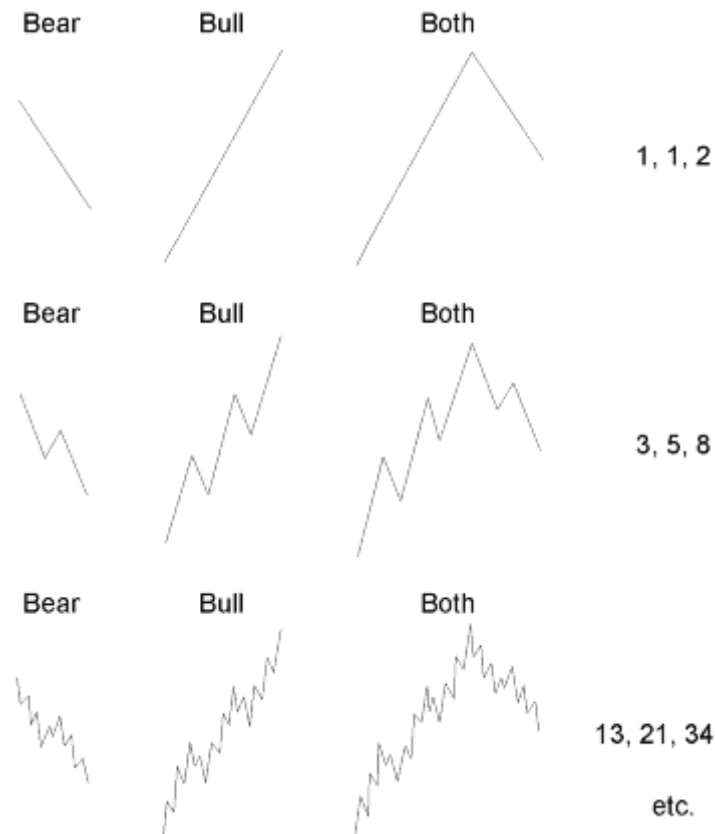


Fig 9-2

درس دهم

۱۰-۱-Phi و بازار سهام

الگوهای بازار سهام تکراری هستند. (Fractal، که در اصطلاحات امروز استفاده می‌گردد.) در این الگوهای پایه‌ای حرکت، که در موج‌های کوچکتر با استفاده از چارت‌های ساعتی دیده می‌شوند، در سوپر سیکل و سوپر سیکل بزرگ برای چارت‌های سالانه نیز استفاده می‌گردند. شکل ۱۰-۱ دو چارت را نشان می‌دهند که منعکس کننده نوسانات ساعتی و ۱۰ روزه در بازار Dow می‌باشند. از ۲۵ ژوئن تا دهم ژوئیه ۱۹۶۲ و دیگری یک نمودار سالانه از سهام S&P 500 از ۱۹۳۲ تا ۱۹۷۸ می‌باشد. (ارائه شده از The Media General Financial Weekly) هر دو طرح الگوهای حرکت، با وجود تفاوت زمانی ۱ به ۱۵۰۰، همانند می‌باشند. طرح‌های بلند مدت هنوز آشکار ساز است بطوری که موج V از Low سال ۱۹۷۴ حرکت کامل در دوره خود انجام نداده است. الگو خط موازی در چارت ساعتی است. چرا؟ زیرا در بازار سهام هیچ فرمی برای یک زمانبندی خاص نیست. در قانون‌های الیوت، دوره‌های کوتاه و بلند مدت هر دو منعکس کننده یک رابطه ۳-۵ هستند که می‌توانند در زمره فرم‌های منعکس کننده توالی اعداد فیبوناچی باشند. این حقیقت گمان برانگیز است که احساسات مردم در این بیان، کلید این قانون ریاضی طبیعت باشد.

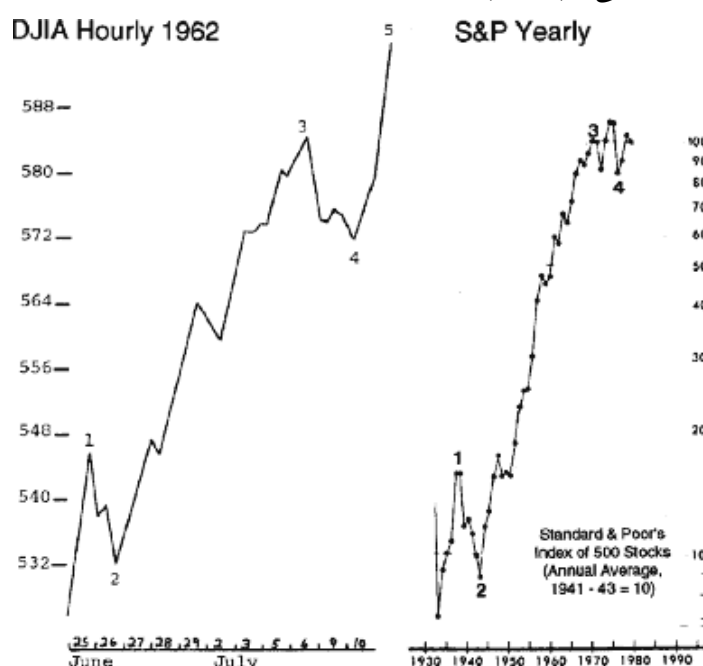


Fig 10I

۱۰-۲-Phi و بازار سهام

حال اشکال نشان داده شده در تصاویر ۱۰-۲ و ۱۰-۳ را مقایسه کنید. هر تصویر نشان دهنده قانون طبیعت در درون حرکت ماریچ طلایی و هدایت شده در نسبت فیبوناچی می باشد. هر موج با موج قبلی نسبتی بمیزان $0/618$ دارد. در حقیقت، فاصله در دوره‌هایی از نقاط Dow خودشان را در قاعده ریاضی فیبوناچی منعکس می سازند. در تصویر ۱۰-۲ توالی ۱۹۳۰-۱۹۴۲ نمایش داده شده است، نوسان بازار تقریباً نقاط ۲۶۰، ۱۶۰، ۱۰۰، ۶۰، ۳۸ را بترتیب پوشش داده است. حرکت رو به کاهش با نسبت‌های فیبوناچی تشابه نزدیکی دارد $2/618$ ، $1/618$ ، $1/382$ و $0/618$

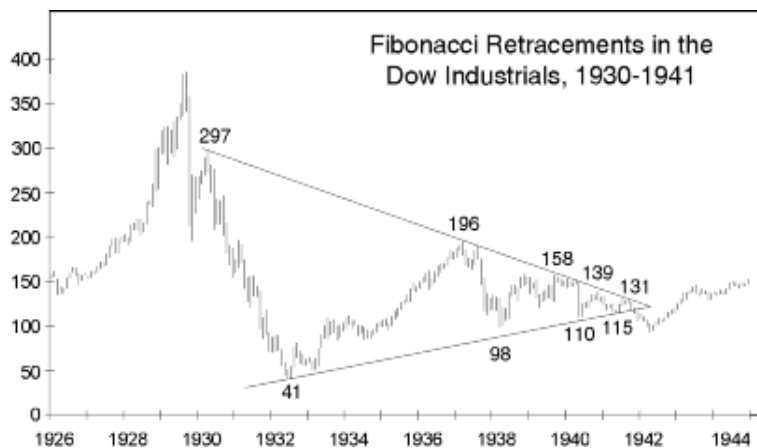


Fig 10J

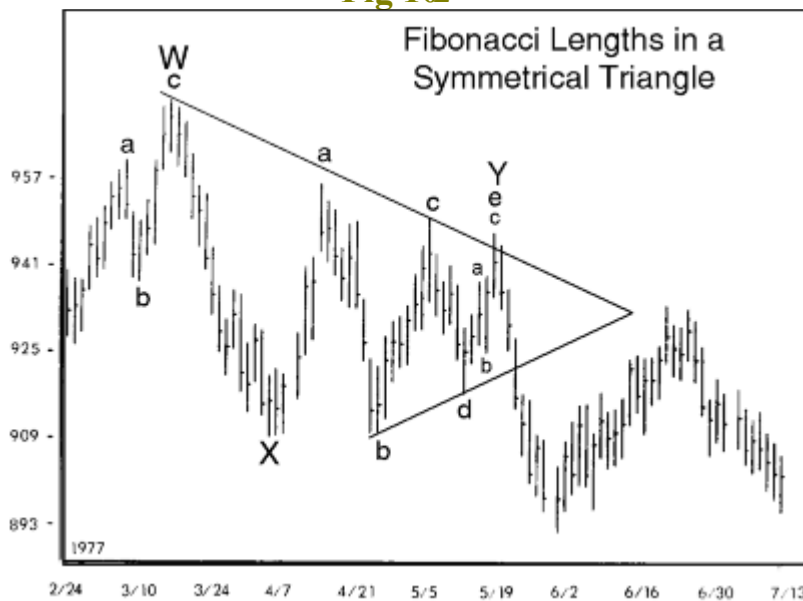


Fig 10B

شروع با موج X در ۱۹۷۷ اصلاح رو به بالایی را در شکل ۱۰-۳ نشان می‌دهد. نوسان‌ها تقریباً ۵۵ پوینت هستند. ۳۴ پوینت موج، ۲۱ پوینت موج‌های، ۲۱ پوینت موج از و ۸ پوینت موج‌های توالی اعداد فیبوناچی هستند، سود خالص کل از شروع تا پایان ۱۳ پوینت است و راس مثلث دقیقاً روی سطح شروع اصلاح در ۹۳۰ قرار می‌گیرد که همسطح اوج اجتماع بعدی در ژوئن است. خواه شخص عدد واقعی از نقاط را در موج‌ها تصادفاً در نظر بگیرد و یا بخشی از طرح را، می‌تواند مطمئن باشد، دقت آشکار در نسبت ۰/۶۱۸ بین هر موج پی در پی تصادفی نیست. درس ۲۰ تا ۲۵ و ۳۰ ظهور نسبت‌های فیبوناچی را در الگوهای بازار بدقت شرح خواهند داد.

۱۰-۳-Phi و رشد افزاینده

بطوری که ما در درس‌های بعدی نشان خواهیم داد، فرم شبیه ماریچ در حرکت بازار نشان دهنده نسبت طلایی حاکم است و حتی اعداد فیبوناچی ظاهر شده در روند بازار اغلب فقط فرصت‌هایی خواهند بود. به هر حال فهم این مسئله مهم است که اعداد خودشان دارای وزن تئوری در پذیرش بزرگ اصل امواج می‌باشند. این مساله نشان دهنده نسبت فاندامتال به این گونه الگوهای رشد می‌باشد. اگرچه بندرت این نکته در نوشته‌ها خاطر نشان شده است، توالی اعداد فیبوناچی، پس از آن که با عدد ۱ شروع می‌شود، توالی اعداد پایه‌ای از نوع خود است. (شکل ۱۰-۴ را ببینید.) به هر حال این نقطه شروع ریاضی است، ما ممکن است هر دو عدد انقافی را در نظر بگیریم همچون اعداد ۱۷ و ۳۵۲، و با جمع آن عدد سوم را بسازیم و این ساختن را ادامه بدهیم بطوری که همیشه این پیشرفت توالی، نسبت ما بین اعداد مجاور در توالی خیلی سرعت نزدیک حد Phi می‌شوند. این رابطه در هشتمین تولید آشکار می‌گردد. (شکل ۴-۱۱ را ببینید.) بدین گونه تا زمانی که اعداد ویژه بالا توسط توالی فیبوناچی ساخته می‌شوند عکس العمل ایده پیشرفت امواج در بازار، نسبت فیبوناچی یک قانون بنیادی از تصاعد هندسی است که عدد بعدی از جمع با عدد قبل ساخته شوند. دلیل این نسبت بسیار زیاد در روابط و پدیده‌ها مربوط به مجموعه داده‌های طبیعی رشد و افول، گسترش، انقباض و پیشرفت و عقب نشینی این است.

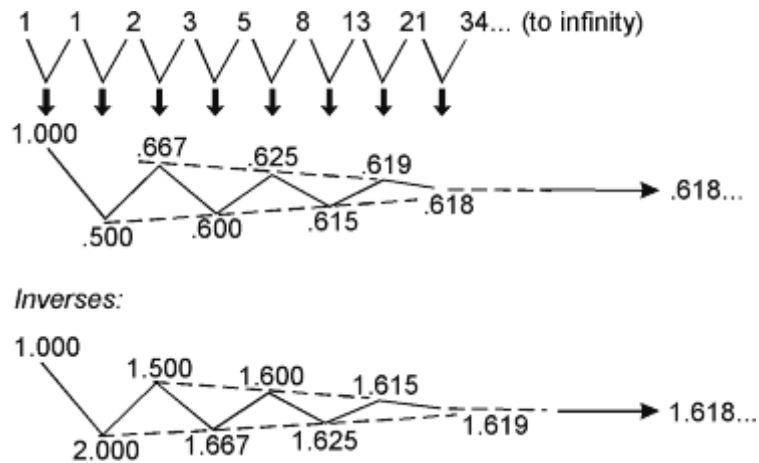


Fig 104

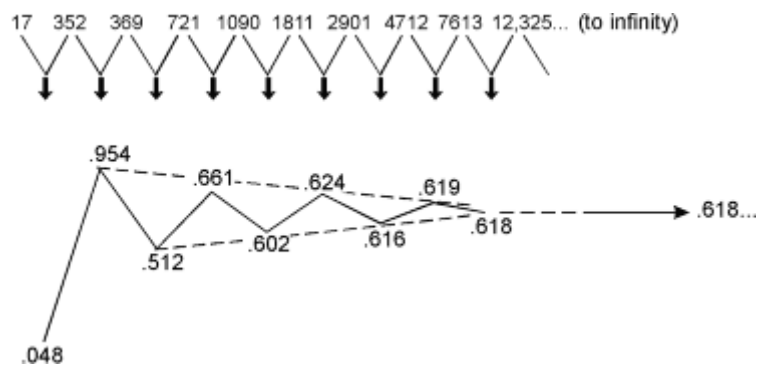


Fig 105

در وسیع ترین نگاه، اصل امواج الیوت همان قانونی است که در موجودات جهان و کهکشانها را شکل داده، ذاتی است که در روح و فعالیت های همه مردم وجود دارد. اصل امواج الیوت به وضوح در بازار حس می گردد، برای این که بازار سهام خوب ترین منعکس کننده روان شناسی جمعی در جهان است. آن تقریباً ثبت کامل روانشناسی مردم و روندهای آن است که تغییرات میزان های رشد اقتصادی ما را ساخته و تولید الگوهای خیلی واقعی از پیشرفت و عقب نشینی می نماید. اگر اصل امواج آن را پیشرفت بشر می داند (که بازار سهام عموماً همان قیمت تصمیم گرفته شده مردم است.) اتفاقات آن در یک راستا و بصورت اتفاقی نبوده و بطور چرخه ای (مترجم: دوره ای، سیکلی) رخ نمی دهد. عبارتی پیشرفت آن، همانند فرمی که در

طبیعت است سه گام به جلو، دو گام به عقب باز می‌گردد. بعقیده ما خود فاصله بین خطوط موازی (مترجم: خطوط موازی کانال‌ها) و اصل امواج و پدیده‌های طبیعی دیگر آنچنان بزرگ هستند که در ذهن نمی‌گنجند. براساس قانون احتمالات، ما به این نتیجه رسیدیم که در اینجا یک اصل، همه جا حضور داشته، به مسائل اجتماعی (مترجم: عمومی) شکل می‌دهد، و همان چیزی است که اینشتین دانسته و گفته است، که خداوند با جهانیان تاس بازی نمی‌کند. (مترجم: اشاره به تصادفی نبودن) بازار سهام نیز استثناء نیست، آن گونه که رفتار جمعی بطور انکار ناپذیری همچون یک قانون به یکدیگر متصل شده است که می‌توان آن را مطالعه و تعریف نمود. خلاصه‌ترین و سریعترین راه بیان ریاضی این مسئله بسیار ساده است نسبت ۱/۶۱۸.